

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی

تقریرات درس

# جرم‌شناسی

(کلیات)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تدوین:

محمد کاظم تقدیر

نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲

تذکر: بازخوانی، اصلاح و اضافه کردن بخش عمده‌ای از

پاورقیهای این جزوه توسط آقای شهرام ابراهیمی دانشجوی دکتری

رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران انجام شده است.

## ۱۳۸۴ مباحثی در علوم جنایی

جرم‌شناسی یکی از شاخه‌های مطالعاتی علوم جنایی (علوم کیفری) است. علوم جنایی یا علوم کیفری علمی هستند که موضوع اصلیشان جرم است. اگر قرار باشد جرم را از زاویه قانون ببینیم، درسهای حقوق کیفری را می‌خوانیم (کیفری عمومی، اختصاصی، آیین دادرسی) اگر قرار باشد جرم را از زاویه اثباتی مطالعه کنیم و تفاوت عملی آن را با عمل غیرمجرمانه تشخیص دهیم باید رشته‌های علوم جرمیابی مثل پلیس علمی را بخوانیم. مثلاً جسدی پیدا می‌شود شک داریم ناشی از خودکشی است یا دیگر کشی (قتل)، باید از پزشک قانونی استفاده کنیم.

اینها علوم اثباتی هستند که به قاضی در تشخیص گناهکار بودن و یا بی‌گناه بودن شخص متهم کمک می‌کند. اگر جرم را از زاویه ماهیت و علت پدیده بررسی کنیم (چرا جرم به وقوع می‌پیوندد و...) در اینجا وارد بحث جرم در عمل می‌شویم و از قانون خارج می‌شویم. در اینجا است که با جرم‌شناسی سروکار داریم. جرم‌شناسی علمی است که به مطالعه پدیده مجرمانه، علل ارتکاب جرم و چگونگی کاهش میزان بزهکاری و نیز چگونگی بزه‌دیدگی و آثار آن بر جامعه و خود «مجنی‌علیه» می‌پردازد. در جرم‌شناسی به دنبال بررسی عملی دو پدیده‌ایم. از یک سو بزهکاری و علت و علل مجرم شدن و چرایی جرم و از سوی دیگر بررسی بزه‌دیدگی و چرایی مجنی‌علیه واقع شدن.

درواقع جرم دو رو دارد: از یکرو بزه‌کار و از یک رو بزه دیده. تا به حال عمده مبنای مطالعات ما مجرم و مرتکب بوده و همه اینها ناظر به مباشر بوده اما در بزه‌دیدگی‌شناسی نقش و جایگاه مجنی‌علیه را که معمولاً در ادبیات کیفری به فراموشی سپرده شده بررسی می‌کنیم: چه بسا مجنی‌علیه در وقوع جرم خود نقش مثبتی داشته و گفتار تحریک کننده داشته باشد. (بند ۳ ماده ۲۲ ق مجازات اسلامی گفتار و رفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه از مواردی است که قانونگذار به سهم مجنی‌علیه توجه داشته و حال آن که در قانون کیفری دغدغه ما مجرمیت و مجرم است. پس در جرم‌شناسی ما

## جرم‌شناسی ۱۳۸۵

علل بزه‌دیدی را هم بررسی می‌کنیم: چرا X قربانی جرم سرقت و کیف ربایی شده است؟

بین مجنی‌علیه و مرتکب آیا رابطه وجود داشته؟ اگر داشته از چه نوع بوده؟ چون مطالعات نشان می‌دهد در اکثر موارد بین مرتکب و مجنی‌علیه رابطه وجود داشته اما این رابطه در یک مقطع بحرانی شده و تبدیل به جرم گشته است. پس در جرم‌شناسی از یکسو علل بزهکاری و از سوی علل بزه‌دیدی را بررسی می‌کنیم. این مطالعه را در چارچوب شاخه‌ای از جرم‌شناسی به نام بزه‌دیده‌شناسی بررسی می‌کنیم. این مفهوم موسع جرم‌شناسی است. جرم‌شناسی رشته‌ای است که جزء علوم مرتکب است. این علوم از برآیند و تلاقی با مفاهیم رشته‌های دیگر به وجود آمده و به استقلال می‌رسند اما با علوم مادر خود همچنان ارتباط دارند.

## ویژگی‌های علوم مرتکب

۱) این علوم هم جنبه نظری دارند و هم جنبه علمی و کاربردی (پزشکی، جرم‌شناسی)

۲) روش در این علوم استقرایی است (بین خاص و عام)

۳) در علوم مرتکب تعدادی مفاهیم ارزشی وجود دارد که در یک قالب معین نمی‌گنجد (بیماری و سلامتی) و نمی‌توان تعریف جامع و مانع داد

۴) این علوم تحت یکسری اصول اخلاقی قرار دارند و از یک نوع سلوک اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای تبعیت می‌کنند. یعنی جرم‌شناس به نام درمان مجرم نمی‌تواند در تمامیت جسمی و روانی وی دخالت کند. جامعه حق ندارد تمامیت روحی و جسمی مجرم را خدشه‌دار کند. قریب به اتفاق مجرمین بعد از مجازات یا قبل از وقوع جرم زندگی عادی داشته‌اند و نباید دید منفی داشت. پس اصول اخلاقی در علوم مرتکب

## ۱۳۸۶ مباحثی در علوم جنایی

ایجاب می‌کند که بدون رضایت بیمار و مجرم در روان و جسم او کاری نکنیم که او را تغییر دهد.

۵) آخرین ویژگی این علوم در چند مبنایی و چند بعدی بودن آنهاست. علوم مرتکب را تشبیه به چهارراهی کردند که رشته‌های مختلف از آن عبور می‌کنند و جرم‌شناسی از هریک از آنها الهام و آنها را بومی و مورد استفاده قرار می‌دهد. اگر این علوم مبنایی جرم‌شناسی خود متحول شوند، اسباب تغییر جرم‌شناسی را نیز فراهم می‌کنند. مثلاً یکی از شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی پیشگیری از جرم است. در مورد پیشگیری از تکرار جرم مجرمین روانشناسی به عنوان یکی از رشته‌های تشکیل دهنده جرم‌شناسی در حال تحول است و روانشناسان به تست‌ها و روشهای جدید دست یافتند. جرم‌شناس از این پیشرفت‌های روانشناسی به سهم خود استفاده و در آن تجدیدنظر می‌کند.

در باب پیشگیری به موازات تحولاتی که در علوم مختلف پیش می‌آید از قبیل نظارت و مراقبت الکترونیکی از راه دوره همان طور شاهد تحول در تدابیر پیشگیرانه می‌باشیم. در پیشگیری از جرائم نیز چون در جرم سرقت با استفاده از دزدگیرهای جدید امکان مراقبت الکترونیکی که در زمینه‌های پزشکی، ریاضی و... مطرح شده در جرم‌شناسی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

پس ما از دورانی که ماشین را با 'غل' و زنجیر محافظت می‌کردیم، گذشته‌ایم! علم جرم‌شناسی نیز همواره در جهت روز آمد کردن روشهایش از رشته‌های تشکیل دهنده آن منتفع می‌شود. به این ترتیب جرم‌شناسی از شاخه‌های مختلف به وجود آمده است.

## شاخه‌های علوم جنایی

در یک تقسیم‌بندی علوم جنایی را ۴ شاخه دانسته‌اند: ۱- علوم جنایی حقوقی؛ ۲- علوم جنایی تجربی؛ ۳- فلسفه کیفری؛ و ۴- سیاست جنایی. در کنار رشته‌های

## جرم‌شناسی ۱۳۸۷

حقوقی علوم جنایی که تاریخ تولد آنها با معنایی که امروزه از این علوم به ذهن متبادر می‌شود، حدود ۲۰۰ سال پیش است<sup>۱</sup>، تولد رشته‌های تجربی علوم جنایی با ظهور علوم انسانی یعنی اواسط قرن نوزدهم (حدود ۱۵۰ سال پیش) مصادف است. به دنبال تدوین حقوق و سازو کارهای قضایی مدرن، کم‌کم دیدگاه‌های فلسفی و عقلانی نسبت به مجرم بهره‌گیری از رشته‌های علوم انسانی و روش‌های معمولی چون انسان‌شناسی برای علت‌شناسی جرم مورد استفاده قرار گرفتند. نخستین کسی که تلاش کرد در قالب علمی جرم را خارج از حقوق جزا مطالعه کند پزشکی به نام لمبروزو بود. او نمی‌دانست که با رویکرد پزشکی‌اش به جرم رشته‌ای را بنیان می‌گذارد که بعداً جرم‌شناسی نام می‌گیرد. در پی انقلاب تحقیقی، در کنار بکاریا که پدر حقوق جزای مدرن نام گرفت. لمبروزو پدر مکتب تحقیقی و بنیان‌گذار جرم‌شناسی است. البته او عنوان جرم‌شناسی را ابداع نکرد و خود را انسان‌شناس جنایی می‌دانست.

اگر علوم جنایی حقوقی در سال‌های ۱۸۰۰ ابداع شدند، علوم جنایی تجربی حدود ۸۰ سال بعد به تدریج به وجود آمدند. بنابراین تفاوت اساسی بین علوم جنایی تجربی و علوم حقوقی در این است که در شاخه حقوقی جرم آن طور که در قانون و مخیله قانون‌گذار و رویه قضایی است بررسی می‌شود و جرم دارای تعریف و ارکان اساسی و اختصاصی است. اما در شاخه تجربی ما به جای سرفت با سارقین سر و کار داریم و سرقت دارای یک تعریف مشخص نیست. در دنیای اصلاح قوانین و پیشگیری از جرم «تخصص» لازم است و این جا است که قاضی و پلیس اطفال باید تخصص

<sup>۱</sup> - از نظر تاریخی عمر حقوق کیفری به چند هزار سال می‌رسد؛ قدیمی‌ترین قانونی که تاکنون کشف شده است اور - نمو است که تقریباً متعلق به ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد است. به تعبیر عده ای حقوق کیفری به شکل فنی امروزی آن با انتشار کتاب سزار بکاریا یا به تعبیر عده ای حقوق کیفری به شکل فنی و مدون امروزی آن با انتشار کتاب سزار بکاریا یا با عنوان (( رساله جرایم و مجازاتها )) در سال ۱۷۶۴ بوجود آمد...

## ۱۳۸۸ مباحثی در علوم جنایی

ویژه‌ای داشته باشند و در کنار قاضی قضایی باید یک مددکار اجتماعی وجود داشته باشد که جرم‌شناسی و بزهکاری اطفال را خوانده باشد. از این روست که در علوم جنایی مشاغل وجود دارد که خاص این علوم و تخصصی هستند.

**علوم جنایی حقوقی:** این علوم از دو شاخه اصلی و تکمیلی تشکیل شده است. حقوق جزا یا حقوق جنایی از شاخه‌های اصلی علوم جنایی حقوقی محسوب شده و عبارت است از انشا و تدوین هنجارهای حقوقی‌ای که از طریق مجازات و ضمانت اجرای کیفری حمایت می‌شوند.

حقوق جزا خود به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- بخش بنیادی یا ماهوی که از یک سو شامل نظریات عمومی راجع به جرم و اصول عمومی مسؤولیت کیفری و مجازات‌ها می‌شود و از سوی دیگر شامل حقوق جزای اختصاصی می‌شود (برخی حقوق جزای اختصاصی را آیین تمدن‌ها دانسته‌اند زیرا ارزش‌های اساسی و حیاتی هر جامعه در حقوق جزای اختصاصی آن کشور منعکس شده است). ۲- شاخه حقوق جزای کاربردی که با عنوان آیین دادرسی کیفری معروف است. حقوق جزای شکلی یا همان آیین دادرسی کیفری به چگونگی اجرا و اعمال اصول منعکس در حقوق جزای ماهوی می‌پردازد و شامل مقررات ناظر به سازمان‌دهی رسیدگی و احقاق حق است. عده‌ای آن را حقوق قضایی کیفری نامیده‌اند.

تفاوت حقوق قضایی کیفری با حقوق کیفری در این است که مورد نخست جنبه‌ی عملی دارد در حالی که مورد دوم نظری است. بنابراین به جای دانشکده علوم قضایی باید دانشکده علوم حقوقی گفت. علوم قضایی جنبه کاربردی علوم حقوقی است و از آنجا که در دانشگاه‌ها جنبه نظری مطرح است. بنابراین این اصطلاح در دانشگاه‌ها غلط است اما در کارآموزی که جنبه کاربردی مورد نظر است می‌توان از کلمه قضایی استفاده کرد. در انگلیسی نیز این دو جنبه از هم تفکیک شده و دو عبارت legal و judicial وجود دارد. شاخه‌های تکمیلی علوم جنایی حقوقی

عبارت‌اند از حقوق کیفری فنی، حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری منطقه‌ای، تاریخ حقوق کیفری و حقوق کیفری تطبیقی.

**علوم جنایی تجربی:** این علوم حدود یک قرن بعد از تولد حقوق جزای مدرن (شاخه‌های اصلی علوم جنایی حقوقی) به وجود آمدند. علوم جنایی تجربی به دو شاخه علوم اثباتی (جرم‌یابی) و علوم تفسیری (تحلیلی) تقسیم می‌شوند. علوم جنایی اثباتی در بستر متدولوژی علوم انسانی به طور کلی و علوم محض (مانند شیمی یا فیزیک قانونی) به طور خاص متولد شده و رشد کرده‌اند. مهم‌ترین شاخه‌های تفسیری - تحلیلی علوم جنایی تجربی عبارت‌اند از جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری. به طور کلی این علوم را می‌توان علوم چهارراهی یا چند مبنایی دانست زیرا علوم محض و متدولوژی علوم انسانی را به کار گرفته و روش‌های آنها را با نیازهای خود منطبق کرده‌اند و بر فرض مثال اگر آمار را از ریاضی گرفته‌اند، آن را به آمار جنایی تبدیل کرده‌اند همین‌طور در مورد زیست‌شناسی یا پزشکی و روان‌پزشکی و روان‌شناسی و بنابراین علوم جنایی تجربی استقلال خاص خود را دارند. در ادامه علوم جنایی تجربی را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم و در این رهگذر از هر دو شاخه این علوم (اثباتی و تفسیری) یاد می‌کنیم و سپس جرم‌شناسی را که شاخه‌ای از علوم تفسیری جنایی بوده و در اتفاقاً موضوع اصلی این درس است. با تفصیل بیشتر خواهیم شناخت.

علوم جرم‌یابی شامل رشته‌هایی می‌شود که در مقام کشف جرم، شناسایی مجرم، تشخیص مجرم از غیر مجرم هستند. این علوم از زمان ارتکاب جرم تا مرحله صدور حکم توسط پلیس و قاضی مورد استفاده نظام عدالت کیفری قرار می‌گیرند. به این علوم، علوم اثباتی هم می‌گویند به این معنا که هر گاه در مقام اثبات جرم شک وجود داشته باشد، این علوم ادله اثبات علمی جرم را ارائه می‌دهند و به ما اجازه می‌دهند که ورای ادله اثبات سنتی جرم حقیقت را کشف کنیم. علوم جرم‌یابی مجموعه

تکنیک‌هایی است که موضوع آنها تعیین اوضاع و احوال دقیق ارتکاب جرم است و بنابراین هم به وسیله پلیس (به ویژه پلیس قضایی) و هم به وسیله دادگاه و دادسرا استفاده می‌شود.

یکی از این علوم عبارت است از تن‌پیمایی جنایی که شامل بررسی علایم خاص بزهکاران و نیم‌رخ و علایم شکلی و ظاهری آنها می‌شود. هنگامی که جرمی اتفاق افتاده باشد و دو رهگذر معتقدند که مجرم را دیده‌اند پلیس این امکانات را دارد که از طریق چهره‌نگاری مجرم را پیدا کند.

رشته دیگر از علوم جرم‌یابی (اثباتی) پلیس علمی است که شامل تکنیک‌هایی است که توسط پلیس فنی یا قضایی برای دستگیری و شناختن مجرمین مورد استفاده قرار می‌گیرد. رشته دیگر پزشکی قانونی یا به عبارت بهتر پزشکی قضایی است که با تولد جرم‌شناسی به وجود آمده شامل مجموعه اطلاعات پزشکی‌ای است که برای تعیین و شناسایی وقایع مجرمانه به کار گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

در کنار علوم جنایی اثباتی علوم تحلیلی یا تفسیری است که از این رشته‌ها بعد از وقوع جرم و احراز مجرمیت استفاده می‌شود. به عبارت بهتر اول علوم جنایی حقوقی، سپس علوم جنایی تجربی اثباتی و بعد از آن علوم جنایی تجربی تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به دیگر سخن موضوع علوم تحلیلی مجرمین است یعنی کسانی که از نظر علوم حقوقی و با استفاده از علوم جرم‌یابی مجرمیت آنها اثبات شده است. بنابراین متهم موضوع این علوم نیست. مجرم کسی است که با اجرای قوانین و تشریفات لازم متصف به این وصف شده است. اگر چه با اشتباهات قضایی ممکن است عده‌ای بی‌گناه در این زمره قرار گیرند ولی در یک جامعه شفاف، علی‌الاصول موارد خودسری پلیس و قضات کم است و به طور کلی کسانی که بزهکاری‌شان

<sup>۱</sup> - به عنوان نمونه می‌توان به مواد ۸۳، ۱۱۰، ۱۰۹، ۹۴، ۹۳، ۸۸، ۱۱۰، آ.د. دادگاههای و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد.

## جرم‌شناسی ۱۳۹۱

احراز شده در واقع نیز مرتکب جرم شده‌اند و به تبع موضوع مطالعه علوم جنایی تجربی تفسیری- تحلیلی قرار می‌گیرند. علوم تفسیری خود به سه شاخه تقسیم می‌شوند: جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری.

جرم‌شناسی یا به تعبیر برخی علوم جرم‌شناختی رشته‌ای است که جنبه نظری و کاربردی دارد و اصطلاحاً از رشته‌های علوم مرکب است. یکی از ویژگی‌های علوم مرکب بُعد نظری- عملی آنها است. علت وجودی جرم‌شناسی در پیشگیری و اصلاح مجرمین است همانند پزشکی که هدفش جنبه شفابخشی است.

جرم‌شناسی نظری عبارت است از مقایسه و ترکیب اطلاعات و داده‌ها و یافته‌های مختلف که از مطالعات عملی و میدانی جرم‌شناسی حاصل می‌شود. به عبارت دیگر یعنی بانک داده‌ها و اطلاعات نظری. نظریه‌هایی که در جرم‌شناسی نظری مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از مطالعاتی که در وادی زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی و روان‌شناسی جنایی انجام می‌شود یعنی مجرم از سه بُعد مطالعه می‌شود: ۱- زیست؛ ۲- روان و شخصیت؛ ۳- محیط. یعنی فرد علاوه بر مسایل روانی از نظر خصوصیات زیست‌شناختی از یک سو و محیط اجتماعی از سوی دیگر بررسی می‌شود. این نظریه‌ها را وقتی در دنیای عمل با استفاده از تکنیک‌های بالینی برای اصلاح مجرمین اعمال می‌کنیم یا از این نظریه‌ها برای پیشگیری از جرم استفاده می‌کنیم، به قلمرو جرم‌شناسی کاربردی وارد می‌شوند: یعنی استفاده عملی از نظریاتی که در جرم‌شناسی نظری به دست می‌آیند.

توضیح بیشتر آنکه جرم‌شناسی کاربردی خود به سه شاخه تقسیم می‌شود: ۱- جرم‌شناسی بالینی که قدیمی‌ترین و شناخته‌ترین شاخه جرم‌شناسی کاربردی است؛ ۲- جرم‌شناسی پیشگیری که عبارت است از استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی نظری برای پیشگیری غیرکیفری از جرم؛ ۳- جرم‌شناسی انتقادی یا حقوقی که یکی از شاخه‌های نوین جرم‌شناسی است.

## ۱۳۹۲ مباحثی در علوم جنایی

پس از بررسی مختصر شاخه‌های علوم جنایی می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که علوم جنایی تجربی در واقع جرم و مجازات را در دنیای عمل مطالعه و تجزیه می‌کنند. اگر در علوم جنایی حقوقی صحبت از تعریف سرقت است، در علوم جنایی تجربی بحث از تفکیک سرقت و غیر سرقت از یک سو و علت یا علل سارق شدن یک فرد از سوی دیگر است. پس در علوم تجربی به طور ملموس با جرم سر و کار داریم. قانون‌گذار با توجه به این که نمی‌داند افراد با چه جنسیت و چه سنینی مرتکب قتل یا سرقت می‌شوند در قانون یک تعریف غیر شخصی و عام ارائه می‌کند؛ به همین دلیل هیچ‌گاه در قانون مجازات از قاتل یا سارق صحبتی نمی‌شود بلکه به طور عام قتل یا سرقت تعریف می‌شوند و مصادیق هر یک تعیین نمی‌شود زیرا تعداد مصادیق جرم به اندازه مرتکبین جرم است.

جامعه‌شناسی جنایی در سال ۱۸۸۱ میلادی با انتشار کتاب جامعه‌شناسی جنایی یا افق‌های نوین حقوق کیفری نوشته انریکو فری در ایتالیا متولد شد. عنوان جرم‌شناسی در سال ۱۸۸۵ به وسیله گاروفالوی ایتالیایی که کتابی تحت عنوان جرم‌شناسی نوشت مطرح گردید. پس جامعه‌شناسی جنایی از نظر تاریخی قبل از جرم‌شناسی پدید آمد. مکتب تحقیقی (اثباتی) از تلاقی سه تخصص به وجود آمد: پزشکی (پزشکی قانونی)، حقوق (حقوق کیفری) و جامعه‌شناسی (جامعه‌شناسی جنایی)

محل تولد جرم‌شناسی ایتالیا است. محل تولد مکتب تحقیقی هم در ایتالیا است. پس جرم‌شناسی علمی ابتدا در ایتالیا از تلاقی این علوم به وجود آمد. اما شاخه دیگری که در تولد جرم‌شناسی نقش داشته آمار است. آمار ریشه در علم ریاضی دارد. آمار در بحث ما یعنی آمار جنایی به معنای احصا و شمارش وقایع مجرمانه در مراحل مختلف یا به عبارت دیگر به رقم و عدد درآوردن جرایم ارتكابی است.

## جرم‌شناسی ۱۳۹۳

آمار جنایی در سال ۱۸۲۶ در فرانسه به وجود آمد. یعنی دادگستری فرانسه تصمیم گرفت که آمار تعداد آرای محکومیت کل دادگاههای فرانسه را به رقم و عدد درآورد. این امر از ابتکارات ناپلئون است. هدف وی از ایجاد آمار جنایی تسهیل مطالعات جرم‌شناسی نبود بلکه هدفش این بود که با برآورد میزان کارکرد مراجع کیفری در فرانسه از طریق احکامی که دادگاهها صادر می‌کنند، بتواند نیازهای پرسنلی و ساختمانی و مادی و ابزاری این محاکم را در آینده برآورد کند و در بودجه هرساله بگنجانند.

پس آمار جنایی ابتدا برای تسهیل این امر به وجود آمد. بعدها آمار جنایی برای مطالعه تاثیر محیط (محیط فیزیکی) و تاثیر آب و هوا بر بزهکاری مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین آمار جنایی حدود ۶۰ سال قبل از جرم‌شناسی در فرانسه به وجود آمد و سپس از سال ۱۸۲۶ به بعد در کشورهای دیگر نیز مطرح شد.

(جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی و روانشناسی نیز از آمار استفاده می‌کنند)

رشته دیگر که نقش عمده داشت روانشناسی عمومی است. روانشناسی عبارتست از مطالعه هوش، منش، رویه‌ها و رفتارهای اخلاقی و اجتماعی انسان و انگیزه او. به طور کلی روانشناسی در کشور ما در سالهای اخیر رشد یافته و روانشناسان در ایران پیشرفت کرده‌اند. در روانشناسی هدف ما مطالعه چگونگی به فعل و عمل درآمدن اندیشه فرد است. همان‌طور که در حقوق کیفری خواندیم قانونگذار کیفری اندیشه را مجازات نمی‌کند بلکه نمود بیرونی اندیشه را مجازات می‌کند. در پاره‌ای موارد نخستین جلوه‌های برون‌ریزی و به فعل درآوردن اندیشه (شروع به جرم) را مجازات می‌کند ولی مادام که بروز بیرونی نداشته باشد، کسی متعرض فرد نمی‌شود.

## ۱۳۹۴ مباحثی در علوم جنایی

در روانشناسی جنایی چگونگی فعلیت بخشیدن اندیشه مجرمانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی در روانشناسی جنایی پروسه‌ها (process) تبدیل اندیشه به فعل بررسی می‌شود. چرا زود یا دیر این پروسه اتفاق می‌افتد و چرا افراد تصمیم خود را به اجرا نمی‌گذارند (که آن اقدام ما برآیندی است از تاثیر محیط و اندیشه و روان فرد).

پس روانشناسی جنایی عبارتست از رشته‌ای از رشته‌های علوم مرکب که موضوع آن عبارتست از چگونگی شکل‌گیری اندیشه مجرمانه و برون‌ریزی آن در دنیای عمل. در حقوق کیفری به جای بررسی فرآیند و روند برون‌ریزی اندیشه مجرمانه که مستلزم پی بردن به انگیزه مجرم است، قصد مجرمانه را بررسی می‌کنیم اما در روانشناسی جنایی ما انگیزه را بررسی می‌کنیم.

البته حقوق کیفری به شکل امروزی در مواردی برای تخفیف و تشدید مجازات، انگیزه‌ها را هم منظور می‌کند ولی اکثراً حقوق کیفری به قصد توجه دارد نه انگیزه.

اما رشته دیگری که از نظر تاریخی هم از نخستین رشته‌های تشکیل دهنده جرم‌شناسی است عبارتست از انسان‌شناسی جنایی (Criminal Anthropology). این را بعضی نویسندگان به مردم‌شناسی ترجمه کردند اما زیاد مناسب نیست چون «انسان» مهم است که هر چند مردم جمع آن است.

انسان‌شناسی برای عده‌ای از نویسندگان عبارتست از مطالعه ویژگی‌ها و خصایص زیستی موجود انسانی (فیزیولوژی اندامها و...) اما در تعبیر دیگری که از انگلوساکسونها هست اصولاً انسان‌شناسی به طور کلی سه بعد دارد. از یکطرف مطالعه تطبیقی موجودات انسانی با یکدیگر است (شکل ظاهری و اندازه اندامها) عده‌ای معتقدند این تفاوت اندام و فیزیولوژی بر رفتارشان تاثیر دارد. بعد دوم انسان‌شناسی

<sup>۱</sup> - فرایند گذار از اندیشه، طرح و نقشه مجرمانه به عمل مجرمانه: رک. نجفی، هاشم بیگی، دانشنامه

## جرم‌شناسی ۱۳۹۵

مطالعه رابطه میان انسان امروز با نیاکانش است. هدف از این مطالعه تطبیقی، تحولاتی است که از لحاظ اندامی در بشر به وجود آمده و تاثیر این ظاهر بر رفتار افراد موردتوجه قرار می‌گیرد و بالاخره شاخه سوم مطالعه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی انسان است (انسان اجتماعی). در انسانشناسی جنایی اولین بار دکتر لومبروزو در سال ۱۸۷۶ بحث رابطه بین اندام و قیافه و چهره انسانها با رفتارشان را مطالعه کرد و از طرف دیگر مطالعه رابطه رفتار انسانهای امروز با نیاکانش را مورد توجه قرار داد و نتیجه این مطالعات را در کتابی به نام «انسان بزهکار» منتشر کرد.

پیام عمده این کتاب نظریه «انسان بزهکار» (جنایی بالفطره) است. لومبروزو در این کتاب با مطالعه انسانهای مجرم از نظر ظاهری و مقایسه آنها با انسانهای غیرمجرم و از دیگر سو مطالعه جمجمه و اعضای بدن مجرمین معدوم با مجرمین زنده به این نتیجه رسید که انسان مجرم و بزهکار در مقطعی از زندگی و حیات تحولی خود متوقف شده و در واقع بیشتر به دوره حیوانیت نزدیک است تا انسانیت.

پس طبق نظر ایشان انسان بزهکار، انسان نیست. او نظریه جبریت جرم را مطرح کرد. یعنی مجرمین کسانی هستند که خصوصیات مجرمانه را از نیاکان خود به ارث می‌برند و در نتیجه تاثیر توارث در مجرم شدن آنها مهم است و جامعه در این فرآیند نقشی ندارد. بدین ترتیب هرکسی که از خصوصیات معینی برخوردار باشد مجرم است: مثلاً پیشانی کوتاه، رشد بیش از اندازه سینوسهای پیشانی، فراوانی در شیارهای جمجمه، فراوانی بیش از حد گودی پس سری، ضخامت کاسه سر، رشد نامتناسب آرواره‌ها، و کف دستها، پیش‌آمدگی آرواره‌ها، انحناي استخوان پس‌سری، برآمدگی چهره، موهای ضخیم و سوزنی، گوشهای پهن، صورت بی‌مو در مردان، پیشانی صاف، ضعف مفرط حس، چپ دستی، رشد بسیار کم حواس و بی‌احساسی مطلق عاطفی، تنبلی، عدم احساس ندامت، نداشتن آینده‌نگری که به شجاعت می‌نماید و شجاعتی که با ترسویی قرین است، غرور مفرط، میل به خونریزی، امیال حاد و

## ۱۳۹۶ مباحثی در علوم جنایی

مفرط، خرافاتی بودن و حساسیت بیش از اندازه نسبت به خود (خود خواه بودن). لومبروزو این اطلاعات را با مطالعات جمجمه ۳۸۲ مجرم معدوم از یکسو و مطالعه ۵۹۰۷ بزهکار زنده کسب کرد و تئوری او چندین دهه مطالعات جرم‌شناسی را تحت‌الشعاع خود قرار داد. پس انسانشناسی جنایی بیشتر به این خاصیت‌های فیزیولوژیک توجه دارد که تا اندازه زیادی از نظریه فروید تبعیت کرده است.<sup>۱</sup>

امروزه جبریت جرم رد شده است. از این رو نظریه لومبروزو، هم اعتبار ندارد. این نظریه خطرناک بود چون به نام مبارزه با مجرم فرزندان مجرمان را معدوم می‌کردند یا به اتهام حالت خطرناک داشتن مجرمین را عقیم می‌کردند، چنانکه در سوئد این کار را کردند. تالی فاسد این تئوری بسیار شدید است و این افراد از دولت سوئد بعدها شکایت کردند. این تئوری امروزه به کل رد شده و براساس اخلاق حرفه‌ای نمی‌توان در تمامیت جسمانی فرد دخالت کرد.<sup>۲</sup>

معضلی که در جامعه ما وجود دارد و در غرب عیان است چگونگی برخورد با مجرمین به عادت جنسی است. در کشورهای غربی به غیر از آمریکا اعدام وجود ندارد و سوال این است که با اینها باید چه کار کرد؟ یک راه‌حل که پیشنهاد شده بود، انجام عمل جراحی لوبوتومی (دخالت در ماده سفید مغز) است تا پرخاشگری جنسی فرد تعدیل شود. این عمل قطعاً نتیجه می‌دهد اما اخلاق حرفه‌ای و حقوق بشر اجازه این کار را نمی‌دهد. سرانجام قانونگذار کانادا در حالی که جنبش فمینیستی از این جراحی حمایت می‌کرد مقرر کرد که در مواردی که خود بزهکار داوطلب می‌شود برای لوبوتومی اجازه دهد.

<sup>۱</sup> داروین معتقد به تکامل تدریجی موجودات بود. لومبروزو نیز معتقد بود که بزهکار مادرزاد در مقطعی از تکامل خود متوقف مانده است و بنابراین خوی انسان نخستین را دارد.

<sup>۲</sup> - برای اطلاع بیشتر در این خصوص رک: اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی اخلاق زیستی، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۳.

س: آیا این خود نشاندهنده جبریت نیست؟ آیا این طور نیست که با این کار به طور ضمنی این موضوع را پذیرفتند؟ خیر، ما اگر از زاویه حقوقی بررسی کنیم ممکن است احساس کنیم جبریت وجود دارد و قاضی باید او را محکوم به حبس ابد کند به طوری که او را از جامعه دور کند (رسالت زندان به اقدام تامینی تبدیل می‌شود)<sup>۱</sup> رسالت اقدام تامینی خنثی کردن ترکیب فرد و جامعه است. اما از لحاظ دیگر باید پیشینه خانوادگی، جنسی و تحصیلی فرد را بررسی کرد و به این نتیجه می‌رسیم که اغلب مردانی که مرتکب این جرایم می‌شوند در دوران نوجوانی و کودکی خود قربانی این جرایم بوده‌اند (چه بسا زنا با محارم). با دانستن این امر، از این پس اقداماتی را اتخاذ می‌کنیم که دیگر افراد در آینده تبدیل به فردی مثل او نشوند این فرد با تولد، خشونت را به دنیا نیاورده بود یعنی در تقابل با جامعه این حالات را کسب کرده و گرنه باید همه را اعدام و حذف کرد.

ولی آن حکومتی تدبیر دارد که با بزهکاری به روشی برخورد کند که موجب تغییر اصلاح و بزهکاران شود و به مجازات کمتری احتیاج باشد. مجازات، اکسیر مجرم نیست. لذا دیدگاه لومبروزو ابتدا در چارچوب رشته انسانشناسی جنایی مطرح شد. کتاب لومبروزو یعنی انسان بزهکار، منشور جرم‌شناسی است، اما جرم‌شناسی واقعی نیست، بلکه در قالب انسانشناسی جزایی مطرح شده فلذا پدر جرم‌شناسی، انسانشناسی جنایی است و خود انسانشناسی از ترکیب پزشکی و روانپزشکی، حقوق کیفری و آمار به وجود آمده است. در جلسات بعد خواهیم دید که مکتب تحقیقی ضمن طرح بحث جبریت جرم دست به طبقه‌بندی مجرمین زده است. (مجرمین به عادت، مجرمین بالفطره، اتفاقی، احساسی و عشقی، مختل‌المشاعر) این طبقه‌بندی ۵

۱- در این خصوص رک: نجفی ابرندآبادی (ع.ج.)، «زندان، درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟» (دیباچه) در بولک برنار، کیفرشناسی، ترجمه ع.ج. نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، ۱۳۸۲. انتشارات مجد، ص

گانه در دل مکتب تحقیقی به خاطر ایرادهایی بوده که نسبت به افراطی بودن مکتب لومبروزو وجود داشت.

انریکو فری دانشجوی لومبروزو بود و پایان‌نامه خود را با لومبروزو و تحت عنوان جبریت جرم نگاشت. یعنی ابتدا از تز استاد دفاع می‌کرد و با گذشت زمان علیه تز او حکم داد و نظریه بزهکار مادرزاد را تعدیل کرد و این طبقه‌بندی ۵ گانه را به وجود آورد.

### چکیده بحث

(۱) جرم‌شناسی از یکسو از انسان‌شناسی و زیست‌شناسی تشکیل شده است، انسان‌شناسی و زیست‌شناسی عبارتند از نظریه‌های مربوط به علل فردی جرم.

(۲) روانشناسی جنایی به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی نظریات مربوط به چگونگی گذار از اندیشه و طرح و نقشه مجرمانه به عمل مجرمانه (مطالعه فرآیند جنایی یا روند پروسه) را بیان می‌کند.

(۳) جامعه‌شناسی و آمار جنایی نظریات مربوط به علل محیطی و اجتماعی جرم را می‌گوید. چه فرقی بین انسان‌شناسی و زیست‌شناسی با جامعه‌شناسی و روانشناسی جنایی وجود دارد؟ در انسان‌شناسی و زیست‌شناسی فردیت مهم است اما در جامعه‌شناسی و آمار انسان در محیط (انسان اجتماعی) یعنی تعامل و کنش متقابل در بین انسان و محیط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۴) حقوق جنایی (حقوق کیفری) و علوم کیفری و هرآنچه که مربوط به آن است عبارتند از تعیین جرم و مجازات و تعیین انواع آنها<sup>۱</sup>.

بنابراین جرم‌شناس در بدو تولد به طور گسترده از علوم مختلف الهام گرفته و با گذشت زمان از نوآوریها، فن‌آوریها و دستاوردهای جدید بشریت در جهت حل

۱- برای اطلاع از رشته‌های علوم جنایی به نمودار موجود در همین مجموعه، مراجعه کنید.



## جرم‌شناسی ۱۳۹۹

معمای جرم، بررسی علل جرم استفاده کرده به طوری که جرم‌شناسی را عده‌ای از جمله انریکوفری تشبیه به یک علم چند مبنایی کرده‌اند. علت اصلی این امر، آن است که بشر مجرم که موضوع جرم‌شناسی است، دارای شخصیت بسیار پیچیده‌ای است و مشکل علوم انسانی هم همین است که بشر اصولاً بسیار پیچیده است. فلذا جرم‌شناسی برای حل این پیچیدگی از همه رشته‌ها استفاده می‌کند و نباید تعجب کرد که بحثها مختلف و ظاهراً بی‌ربط است. چرا که همه در پی بردن به علل جرم مشترکند. بدیهی است جرم‌شناسی علمی از نظر زمانی و از نظر وضع عنوان، عمری در حدود ۱۱۹ سال دارد اما از نظر عملی و مبنایی جرم‌شناسی از سال ۱۸۷۶ زیر عنوان انسان‌شناسی جنایی به وجود آمد (۹ سال قبل از عنوانش) پس از نظر عنوان سال ۱۸۸۵ و از نظر محتوا و موضوع سال ۱۸۷۶. در این حیطة چندین اثر را باید به خاطر سپرد:

بنابراین:

حقوق کیفری مدرن و جرم‌شناسی در ایتالیا متولد شدند. در دوره رنسانس علوم اجتماعی از دل فلسفه متولد شد و در اروپا شکوفا و سپس به سایر نقاط دنیا رسید. وقتی می‌گوئیم حقوق کیفری مدرن یعنی قبول می‌کنیم قبل از دیدگاههای بکاریا، لومبروزو و... حقوق کیفری وجود داشته است<sup>۱</sup>. حقوق کیفری بنا به سنگ‌نوشته‌هایی

## ۱۴۰۰ مباحثی در علوم جنایی

که در بین‌النهرین، شوش و... یافت شده از ۴۰۰۰ سال پیش وجود داشته است<sup>۲</sup>. اما بکاریا این دیدگاهها را نظام بخشی کرد و در قالب اصول درآورد. فلذا او را پدر حقوق کیفری مدرن و، لومبروزو را پدر انسان‌شناسی جنایی می‌نامیم.

## قلمروی موضوع مطالعه و اقدام جرم‌شناسی

اصولاً جرم‌شناس در دو مرحله به مطالعه جرم می‌پردازد، از یکسو علل بزهکاری و تحول مفهوم جرم و مجرمیت را بررسی می‌کند و سپس وقتی جرم اتفاق افتاد جرم‌شناس آثار جرم را بر جامعه مطالعه می‌کند و واکنش‌های جامعه علیه جرم (یعنی مجازاتها) را می‌سنجد.

## قلمرو جرم‌شناسی

(۱) جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی، زیست‌شناسی جنایی

(۲) علت‌شناسی جنایی

(۳) بزه‌دیده‌شناسی

## جرم چیست

جرم، فعل یا ترک فعلی است که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (تعریف حقوقی). در کشور ایران جرم‌انگاری از وظایف مجلس می‌باشد. اما گاه مجمع تشخیص مصلحت نظام جرم‌انگاری می‌کند که خلاف اصل قانونی بودن جرم

(۱) کتاب رساله جرایم و مجازاتهای بکاریا در ۱۷۶۴ که منشور حقوق کیفری مدرن است و دیدگاهها و مکاتب قبلی را سنتز کرده.

(۲) کتاب انسان بزهکار لومبروزو در سال ۱۸۷۶ که منشور جرم‌شناسی اما در چهارچوب رشته انسان‌شناسی جنایی می‌باشد.

(۳) کتاب افقهای نوین حقوق کیفری (جامعه‌شناسی جنایی) نوشته انریکوفری در ایتالیا (۱۸۸۱)

(۴) کتاب جرم‌شناسی در ۱۸۸۵ نوشته رافائله گاروفالو.

۲- در این خصوص رک: تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، ترجمه علی حسین تجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.

## جرم‌شناسی ۱۴۰۱

و مجازات است؛ چراکه مجمع نماینده افکار عمومی نیست و اعضای آن انتصابی‌اند نه انتخابی.

به طور کلی اصل قانونمندی جرم و مجازات در کشور ما در سالهای اخیر از خاستگاه خود خارج شده و مراجعی چون مجمع تشخیص مصلحت که حق قانونگذاری ندارند، در آن دخالت می‌کنند.

جرم از منظر جامعه‌شناسی، حقوقی و ادبی نیز دارای معنا می‌باشد. از نظر ادبی اگر ما به فرهنگ لغات رجوع کنیم جرم نقض قوانین اخلاقی و مدنی است یا در تعریف دیگر جرم عملی است که با قانون و از سوی دیگر با وجدان جمعی تنبیه و سرزنش می‌شود.<sup>۱</sup>

از نظر جامعه‌شناسی جرم قبل از این که توسط قانونگذار وصف مجرمانه به خود بگیرد یک پدیده اجتماعی است. مثلاً استفاده از تجهیزات ماهواره یک امر اجتماعی است، چون مردم از آن استفاده می‌کنند، اما در سال ۷۳ قانونگذار استفاده از تجهیزات ماهواره را جرم تلقی کرد. پس جرم عملی نیست که قانونگذار ابداع کند بلکه فعل و ترک فعلی است که قانون جرم می‌انگارد و یک پدیده اجتماعی است.

جرم در جامعه‌شناسی هر عمل ضد اجتماعی است که به اخلاق جامعه خلل وارد می‌کند. آنچه که در قضاوت‌های عمومی مردم نهفته است را اخلاق اجتماعی می‌گوییم. بنا به تعریف ساترلند جامعه‌شناس آمریکایی نقص قواعد و هنجارهای لازم‌الاتباع در فرهنگ معین جرم می‌باشد.

فرهنگ یک چارچوبی دارد. اگر این تعریف را معیار بگیریم عملی که در ایران ضد اجتماعی و از نظر جامعه‌شناسی ضد اخلاقی باشد ممکن است در ترکیه عادی باشد. یا عملی الان در ایران ضد اخلاقی باشد ۱۰ سال دیگر، جرم نباشد پس از نظر جامعه‌شناسی جرم مفهومی است نسبی و متغیر چون انسان در حال پویایی است.

۱- در این خصوص رک: ایمانی (عباس)، جرم‌شناسی در ادبیات، انتشارات آرویح، سال انتشار ۱۳۸۲.

## ۱۴۰۲ مباحثی در علوم جنایی

جامعه هم در حال تحول است و ایستا نیست. از نظر جامعه‌شناسی تعریف دیگری از دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی داریم که کتابهای او در دانشکده‌های اجتماعی تدریس می‌شود. دورکیم جرم را فعل یا ترک فعلی به هنجار می‌داند. در تعریف ساترلند جرم یک فعل یا ترک فعل ضد اجتماعی است، اما از نظر دورکیم جرم یک فعل یا ترک فعل به هنجار است و معتقد است میزان معینی جرم برای جامعه مفید است از ۲ منظر (۱) وجود جرم در جامعه به افراد اجازه می‌دهد که حالات غیرمجرمانه را تشخیص دهند. مثل بیماری که اجازه می‌دهد تا سلامت را تشخیص دهیم.<sup>۱</sup>

(۲) وجود جرم در جامعه سبب ایجاد تحول در اخلاق جامعه می‌شود. جرم به نوعی یک تلنگر و ضربه به اخلاق جامعه است و جرم قضاوت‌های جامعه را متحول می‌کند. چه بسا فعل یا ترک فعلی که امروز در جامعه جرم است با گذشت زمان قانونی شود. در حقوق ما ۱۰ سال پیش، استفاده از ویدئو و نوار ویدئو جرم بود اما استفاده گسترده مردم از ویدئو سبب شد که قانونگذار با این پدیده خو بگیرد و آن را به عنوان یک پدیده مطلوب مردم بپذیرد و از آن جرم‌زدایی کند چه بسا این اتفاق به علت استفاده زیاد مردم، برای ماهواره هم بیفتد.<sup>۱</sup>

پس وجود جرم در جامعه این ۲ فایده را دارد. اما جرم یک تعریف جرم‌شناسی هم دارد و به موجب این تعریف جرم یک عمل ضد اخلاقی و ضد اجتماعی شدید است که معمولاً به وسیله قانون منع شده و این عمل ناشی از فرآیندهای پیچیده اجتماعی، روانی و زیستی است.

۱- برای اطلاع بیشتر د راین خصوص رک: مسایل اجتماعی ایران، (مجموعه مقالات انجمن جامعه‌شناسی ایران)، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱- در این خصوص رک: دکتر محمودی (فیروز)، اصول، مبانی و شیوه‌های جرم‌نگاری، پایان‌نامه دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۳.

## جرم‌شناسی ۱۴۰۳

پس به زبان دیگر جرم، فعل یا ترک فعل ضداجتماعی یا ضداخلاقی شدیدی است که هرگاه به درجه‌ای از اهمیت رسید قانونگذار هم آن را منع می‌کند و این حاصل یک سلسله عوامل زیستی، اجتماعی و روانی است. لذا با این تعریف مشاهده می‌کنیم که در جرم‌شناسی آنچه مهم است فرآیند و روند ارتکاب جرم و چگونگی تولد جرم در یک فرایند است. پس فرآیند (process) شامل یک سلسله امور است که دارای یک نقطه تولد (شروع)، یک جریان و دارای یک نقطه پایان است.

مثلاً در بحث سرقت الف مرتکب سرقت شده، برای حقوقدان همین کافی است ولی برای جرم‌شناس این سرقت یک نقطه آغاز داشته (از چه زمانی تصمیم گرفته) یک ادامه داشته (شریک داشته، چگونه مقدمات را حاضر کرده) و نقطه پایان.

پس در جرم‌شناسی بررسی علل واقعه مطرح است. این علل را از طریق فرآیند و روند بررسی می‌کنیم که این می‌تواند علت زیستی داشته باشد، یا ناشی از علل بیرونی و اجتماعی (اعتیاد / فقر) باشد یا ناشی از مشکلات روانی فرد باشد و در هر حال ممکن است تلفیقی از این عوامل سه‌گانه باشد. پس جرم‌شناسی عبارتست از علم علت‌شناسی جرم.

در جرم‌شناسی در مفهوم موسع، انحراف نیز موضوع مورد مطالعه ما است. اگر عنوان crime / offence را برای جرم در نظر گیریم در نگارش انحراف باید عنوان deviance در نظر گرفت.

در زبان لاتین یا ایتالیایی via به معنی راه است. Deviance یعنی از راه خارج شدن که از همین عنوان می‌آید. پس Deviance یعنی خارج شدن از راه اصلی و متعارف گروه و جامعه که عبارتست از رفتار یا حالتی که حاکی از دور شدن فرد (جدا شدن بعضی از افراد) و پشت کردن آنها نسبت به هنجارها و قواعد عمومی جامعه است. کلیه حالتها و رفتارهایی که حاکی از دور شدن فرد (جدا شدن بعضی از افراد) و پشت کردن آنها نسبت به هنجارها و قواعد عمومی متعارف جامعه است را

## ۱۴۰۴ مباحثی در علوم جنایی

انحراف می‌نامند (عدم هم‌نوایی نسبت به هنجارها و قواعد عمومی جامعه) هرگاه این انحراف از قواعد اساسی و مهم جامعه باشد آن انحراف در قانون عنوان جرم به خود می‌گیرد اما اگر آن حالت ناشی از دور شدن از هنجارها و جنبه عادی داشته باشد آن را انحراف می‌نامیم پس هر جرمی انحراف است اما همه انحرافها جرم نیست!

جرم و انحراف هر دو قاعده‌گریزی و هنجارگریزی است اما جرم، گریز از هنجارهایی است که به لحاظ اهمیت در جامعه لفظ مجرمانه به خود گرفته و دارای ضمانت اجرایی به نام مجازات است، اما انحراف حالت و رفتاری است که صرفاً سرزنش اجتماعی و تقبیح اجتماعی و نکوهش اخلاقی را به دنبال دارد. انحرافات هیچ‌گاه موضوع تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرد. موضوعی که وجود دارد این است که چرا در جرم‌شناسی به انحراف می‌پردازیم. واقعیت این است که پاره‌ای از انحرافات که از افراد بروز می‌کند حکایت از وقوع جرم دارد و پیش علامت ارتکاب جرم است. بنابراین در جرم‌شناسی آن انحرافات موضوع مطالعه و توجه ما است که پیشگو کننده جرم است. مثلاً ولگردی یا تکدی‌گری تا سال ۷۵ (تا قبل از تصویب قانون تعزیرات) در قوانین ما جرم نبود، اما از نظر جامعه ما ولگردی و تکدی‌گری یک نوع انحراف است. ولگردی یا تکدی‌گری نه فعل یا ترک عمل بلکه در واقع رفتار است. ولگرد یا تکدی در حالتی قرار گرفته و رفتاری را اتخاذ کرده که او را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. ولگردی می‌تواند زمینه بروز جرائمی چون سرقت یا کیف‌زنی پخش مواد و... باشد. پس ولگردی را از این جهت در جرم‌شناسی بررسی می‌کنیم که افراد را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. مثال دیگر فرار از مدرسه است که اگرچه در قانون جرم نیست، اما غیبت‌های مکرر و فرار آنها از مدرسه حکایت از خطر و علامت جرم مثل توزیع مواد مخدر یا شرکت در باندهای خطرناک

## جرم‌شناسی ۱۴۰۵

است. پس انحراف به این جهت که ممکن است زمینه ارتکاب جرم را فراهم کند در جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

البته انحرافات دیگری هم داریم. پس انحراف عبارتست از رفتاری که از هنجارهای مورد قبول جامعه (قواعد نانوشته جامعه) فرد را دور می‌کند. به زبان دیگر انحراف، هنجارگریزی است و مجرمیت قانون‌گریزی. باتوجه به توضیحات چه در مورد انحراف و چه در مورد جرم عللی وجود دارد. این علل در ۴ دسته بیان می‌شوند:

علل اول مربوط به علل عمومی جرم است. علل عمومی جرم ممکن است ماهیت محیطی داشته باشد (محیط خانواده، محله و...). چون بخشی از شخصیت ما در تعامل با محیط محله و خانواده شکل می‌گیرد و اگر اینها نامطلوب باشد به علت جرم تبدیل می‌شود یا ممکن است این علل عمومی جنبه اقتصادی داشته باشد؛ مثلاً فقر یا پایین بودن قدرت خرید. این علل عمومی، در منحنی بزهکاری تأثیر دارد.

علل دسته دوم ممکن است در شرایط حاکم بر یک محله خاص، شهر خاص یا سرزمین خاص خلاصه شوند. مثلاً وضعیت نامطلوب محله، عدم عمران و آبادانی در محله (مثلاً محله خاک سفید یا محله‌های حلبی‌آباد) که قارچ‌گونه به وجود آمدند و محل تجمع سارقین است. این محیط مجرمانه است.

علل سوم علل مرتبط با خصوصیات فردی است یا عللی که جنبه روانی دارد. (علل فیزیکی، زیستی، روانشناسی و...). علل روان‌تنی که ریشه در روان یا جسم انسان دارد.

بخش قابل توجهی از بیماریهای امروزی ریشه روانی دارد (سر درد، خارش بدن، زخم معده و...). پس علل روانی و جسمی هم در جرم‌شناسی مورد توجه است.

علل چهارم علل وضعی است (situational causes) (علل مرتبط با وضعیت) که با محیط فرق می‌کند. علل وضعی عللی است که انسان درست می‌کند (فرقش با

## ۱۴۰۶ مباحثی در علوم جنایی

علل محیطی همین است) مثلاً در سرقت خودرو بررسیهای انجام شده نشان داده است که اگر با وجود این که سارقین که به علل نیاز شخصی یا با مشکلات روانی مایل به ارتکاب سرقت هستند، ما یک سلسله موانع فیزیکی و وضعی در سر راه سرقت ایجاد کنیم سارق از ارتکاب سرقت منصرف می‌شود. به عبارت دیگر، علل وضعی عللی هستند که زمینه ارتکاب جرم را تسهیل می‌کنند اما سبب ارتکاب جرم نمی‌شود. مثلاً اگر خودروی ما مجهز به دزدگیر باشد آن را در خیابان اصلی و زیر چراغ پارک کنیم موانع وضعی برای سارق درست کردیم. پس ما پیشگیری وضعی کردیم اما اگر برعکس باشد آنگاه شانس سرقت خودروی ما بیش از موارد قبلی می‌شود!

پس علل وضعی وقوع جرم موجب تسهیل ارتکاب جرم برای مجرم می‌شود. به همین جهت جامعه تدابیری اتخاذ می‌کند که هزینه ارتکاب جرم برای مجرم بالا رود، امکان دستگیری او بیش‌تر شود، زمان بیشتری از او بگیرد و... پس هزینه روانی و کیفری برای مجرم بالا می‌رود.

علل وضعی از جمله عللی هستند که اخیراً مورد توجه قرار گرفته‌اند و روی دیگرش پیشگیری وضعی از جرم است.

---

۱- در مورد پیشگیری وضعی مراجعه کنید به: گسن (ریموند)، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ۱۳۷۶. صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷-۳۲۱، صفاری، علی، انتقادات وارد بر پیشگیری وضعی، همان مجله، شماره ۳۶-۳۵.

## تبیین قلمروهای جرم‌شناسی

در ابتدا به جامعه‌شناسی حقوق کیفری، کیفرشناسی، علت‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی اشاره می‌شود.

## جامعه‌شناسی کیفری

جامعه‌شناسی حقوق کیفری عبارتست از مطالعه نهادها و تاسیسات حقوق کیفری از نظر جامعه‌شناسی به عنوان یک نهاد اجتماعی. مثلاً قانون و قانونگذار در جامعه‌شناسی حقوق کیفری عبارتست از مطالعه چگونگی ایجاد وضع قانون و چگونگی ایجاد جرم توسط قانونگذار (مطالعه فرایند جرم‌انگاری توسط قانون‌گذار). مثلاً در جامعه‌شناسی حقوق کیفری قانون ماهواره سال ۱۳۷۳ را از این منظر بررسی می‌شود که چگونه در سال ۱۳۷۳ قانونگذار تصمیم به جرم‌انگاری این امر گرفت و چرا قبل از سال ۷۳ این کار را نکرد. آیا به خاطر ملاحظات اقتصادی بوده یا سیاسی یا فرهنگی؟ با بررسی می‌بینیم که گفتمان قانون‌گذار یک گفتمان فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بوده و در عین حال با توسعه صدا و سیما در سطح بین‌المللی، می‌خواسته است که فرهنگ اسلامی را به جهان عرضه کند. این تفکر و گفتمان قانون‌گذار، منبع و اساس جرم‌انگاری ماهواره است. پس در جامعه‌شناسی کیفری ما چگونگی تولد تاسیسات کیفری را بررسی می‌کنیم یا مثلاً می‌خواهیم ببینیم کیفر اعدام تا چه اندازه مورد استقبال مردم است، تا چه حد مشاهده این صحنه مورد استقبال مردم است و بازتاب آن چیست و در کاهش از جرم تا چه حد موثر است. پس در جامعه‌شناسی کیفری ما به دنبال بررسی نحوه بازتاب یا مطالعه تصویر نهادهای حقوق کیفری در جامعه هستیم و هدف ما این است که با بررسی اجتماعی نهادهای کیفری این نهادها را اصلاح و روزآمد کنیم.

مثلاً به نظر می‌آید که مجازات اعدام آثار منفی فراوانی برای خانواده‌های مجرم‌ان دارد. یا زندان مجازاتی است که حدود صد سال است که در حقوق ما وارد شده و

مطالعات نشان می‌دهد آنهایی که به زندان می‌روند اغلب از طبقات متوسط و ضعیف هستند و برای خانواده‌های آنها آثار بسیار زیانباری دارد. اخیراً قانونگذار به دنبال مجازاتهای جایگزین است پس ظاهراً جامعه آزمایشگاهی برای بررسی کارایی و عدم کارایی مجازاتها است.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب یک بخش از جامعه‌شناسی حقوق کیفری عبارتست از تحلیل علمی شرایط ظهور، تحول و توسعه قوانین کیفری به منظور اصلاح آنها و انطباق آنها با نیازهای در حال تحول جامعه. مطالعه جامعه‌شناسی کیفرها و نهادهای مختلف عدالت کیفری نیز در چهارچوب همین رشته انجام می‌شود. Socioligy of Criminal Justice- Penal Socioligy جامعه‌شناسی کیفری یکی از رشته‌های جامعه‌شناسی حقوقی است.

## کیفرشناسی

کیفرشناسی عبارتست از «مطالعه مجازاتها و چگونگی و نحوه اجرای آنها». پس کیفرشناسی علم کیفر و چگونگی اجرای آن است.<sup>۱</sup> مثلاً زندان کیفر است اما نحوه اجرای آن متفاوت است. (زندان باز، بسته، نیمه‌باز، کانون اصلاح، مراکز مراقبت بعد از خروج و...) بنابراین همه زندانیان زندان را یکجور تجربه نمی‌کنند.

کیفرشناسی (علم مطالعه انواع واکنشهای اجتماعی علیه جرم اعم از مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی) از این جهت برای ما جالب است که ما از مجازاتها از یک

۱- در این خصوص رک: دکتر آشوری (محمد) جایگزین‌های زندان یا حبس یا مجازات بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲.

۱- برای اطلاع بیشتر در این زمینه رک: برناربولک، کیفرشناسی، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، ۱۳۸۲، انتشارات مجد.

## جرم‌شناسی ۱۴۰۹

سو به منظور سزا دادن بزهکاران استفاده می‌کنیم و از سوی دیگر از مجازات‌ها به منظور پیشگیری از جرم سایرین استفاده می‌کنیم.

کیفرها دو کارکرد دارند:

(۱) رسالت سزادهنده و مکافات دهنده. اما همزمان مجازات‌ها کارکرد اجتماعی هم دارند و آن ایجاب ارعاب برای دیگران است.

(۲) بازگرداندن احساس امنیت به جامعه. جامعه با رؤیت مجازات و اطلاع از نگهداری مجرمین در زندان احساس امنیت می‌کند.<sup>۲</sup>

اما از طرف دیگر ممکن است مجازات منجر به جرم شود. یعنی مجازات‌ها خود جرم‌زا باشند. یعنی عده‌ای را به عنوان تحمل مجازات به زندان می‌فرستیم اما اگر پس از آن آثار زندان را بر آنها مطالعه کنیم می‌بینیم اقامت آنها در زندان سبب تمایل بیشتر آنها به جرم شده و مجرمین بی‌سابقه در زندان مورد بدآموزی قرار گرفته‌اند. محیط زندان فرهنگ خاص خود را دارد. بنابراین کسانی که به زندان می‌روند از فرهنگ آن متأثر می‌شوند. این فرهنگ پذیری در زندان منتهی به فراگیری و تکرار جرم می‌شود.

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که زندان به جای این که افراد را متنبه کند سبب تکرار جرم می‌شود. بدین ترتیب مطالعه زندان به عنوان عامل جرم مورد توجه قرار می‌گیرد و به همین سبب کیفرشناسی را به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی مطرح می‌کنند.

به طور خلاصه پاره‌ای از مجازات‌ها و نهادها و قوانین کیفری می‌توانند جرم‌زا باشند و به ارتکاب جرم دامن زنند و برخلاف هدفشان زمینه ارتکاب جرم را فراهم کنند. در فرضیه جرم‌شناسی واکنش‌های اجتماعی، مجازات ممکن است منجر به

## ۱۴۱۰ مباحثی در علوم جنایی

تکرار جرم شود. پس همه مجازات‌ها مفید نیستند و برخی ممکن است به جرم دامن زنند.

### علت شناسی جنایی

این شاخه از جرم‌شناسی به بررسی علل جرم می‌پردازد. از این منظر جرم‌شناسی به دو شاخه تقسیم می‌شود:

(۱) جرم‌شناسی عمومی (تئوری)

(۲) جرم‌شناسی بالینی (کاربردی). گفتیم که جرم‌شناسی یکی از رشته‌های علوم مرکب است و جرم‌شناسی مثل پزشکی هم جنبه نظری دارد و هم جنبه کاربردی چرا که رشته‌های علوم مرکب حتماً باید به کار بیاید.

رشته کاربردی جرم‌شناسی، جرم‌شناسی بالینی است و در اینجا جرم‌شناسی با پزشکی ارتباط دارد و حتی عنوانش را هم از آن گرفته است. در اینجا رویکرد ما به مجرم همچون رویکرد پزشک به بیمار است. جرم‌شناسی نظری از یک سو عبارتست از تعاریف و مفاهیم ما از جرم و از یکسو عوامل زیستی و عوامل اجتماعی و وضعی جرم که در دو شاخه قابل بررسی است: پس جرم‌شناسی نظری

(۱) از یکسو عبارتست از بانک نظریه‌ها و اطلاعات راجع به جرم: تعاریف، مفاهیم و نوسانات جرم و تئوریهای کلی

(۲) و از سوی دیگر عبارتست از اطلاعات و نظریه‌های شامل عوامل جرم‌زا و نظریه‌های مربوط به چگونگی شکل‌گیری و تکوین جرم.

اما جرم‌شناسی بالینی عبارتست از رشته کاربردی جرم‌شناسی که محور مطالعات آن انسان است. همان‌طور که در پزشکی موضوع مطالعه ما بیمار است و پزشکی کاربردی حول بیمار مطالعه می‌کند، در اینجا هم مرتکب جرم برای ما مهم است و اگر جرم هم در اینجا مطالعه می‌شود به منظور پی بردن به حالات مجرم و درمان او است. جرم‌شناسی بالینی از ۴ اصل (مرحله) تبعیت و عبور می‌کند:

۲- در خصوص کارکردهای کیفر، رک: دکتر کوشا (جعفری)، جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان،

چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۵۵ و بعد.

## جرم‌شناسی ۱۴۱۱

۱) کسب اطلاعات راجع به مجرم (دوره معاینه و بررسی مجرم). این معاینه ممکن است شامل روان مجرم، خانواده مجرم، سوابق تحصیلی یا سوابق احتمالی و سجل کیفری او که همه اینها در پرونده شخصیت او منعکس خواهد شد گردد. پس در جرم‌شناسی به جای پرونده حقوقی مجرم پرونده شخصیت مجرم را داریم:

۲) مرحله دوم تشخیص است یعنی معضل چه بوده و علت ارتکاب او چه بوده است. آیا ارتکاب ناشی از خانواده نابسامان بوده یا اعتیاد بوده و ... یا علل وضعی دارد.

۳) مرحله سوم مرحله ارائه راه‌حل است (تجهیز راهکار و راه‌حل) بعد از شناسایی حلقه‌های مفقوده و علل بزهکاری باید راه حل ارائه دهیم

۴) مرحله چهارم اجرای راهکارها و بررسی واکنش مجرم نسبت به این راهکارهاست.

در آیین نامه سازمان زندانها آمده که در معیت سازمان زندانها در بدو ورود زندانی مرکز پذیرش و تشخیص وجود دارد که متشکل است از روانپزشک، پزشک، جامعه‌شناس و... که زندانی به مدت یکماه در این مرکز نگهداری می‌شود و در نهایت پرونده شخصیت برای او تشکیل می‌شود. در وهله بعد پرونده به شورای طبقه‌بندی زندانیان، فرستاده می‌شود. این شورا به استناد خصوصیات شخصیتی بیمار مناسبترین راهکار، یعنی مناسبترین محل نگهداری زندانی را مشخص می‌کند. در داخل زندان تاسیسات خاص زندان را داریم و تاسیسات شبه‌زندان (باز، نیمه‌باز، بسته) چون موسسات صنعتی و کشاورزی مراکز ترک اعتیاد و... که شورا یکی از این موسسات و زندانها را تعیین می‌کند (یک راهکار را برمی‌گزیند) در وهله بعد کمیسیونی همراه تشکیل می‌شود و وظیفه آن برآورد عکس‌العمل زندانی و رفتار او نسبت به راهکار در داخل آن موسسه است. سپس در وهله چهارم این کمیسیون

## ۱۴۱۲ مباحثی در علوم جنایی

براساس راهکاری که نسبت به مجرم آغاز نموده، تصمیم می‌گیرد که او را در همان مرکز ابقاء کند یا به جای دیگر بفرستد.

و سرانجام قبل از ترخیص، زندانبان بازگشت زندانی را به جامعه تدارک می‌بیند. مرکز مراقبت پس از خروج پل ارتباطی بین زندان (محیط بسته) و جامعه (محیط باز) هستند و وظیفه‌شان کاریابی برای مجرم، پیدا کردن خانواده، همسریابی و کسانی که از او مراقبت کنند است و بدین‌سان این مراکز تا سه ماه پس از خروج، بزهکار را در جامعه حمایت می‌کنند و در واقع مانند این است که مجرم دوران نقاهت خود را می‌گذراند. چون جرم‌شناس بالینی پس از تجویز دارو برای کسب نتیجه از مجرم حمایت می‌کند.

آیا متهمین هم موضوع مطالعه هستند؟

متهمین هنوز مشمول اصل برائت هستند، یعنی هنوز مجرمیت (بیماری) آنها احراز نشده و چه بسا به خاطر عجز از تودیع و قرارهای سبک به زندان آمده‌اند و حتی اگر به خاطر قرار، بازداشت باشد، درمورد متهمین نمی‌توان وصف مجرم را به کار برد. حتی از نظر جرم‌شناسی بالینی نمی‌توان او مورد مطالعه قرار داد چرا که در جرم‌شناسی بالینی مراد از مجرم کسی است که محکوم شده است.

از سوی دیگر در کنار محکومین افراد دیگری هم در زندان نگهداری می‌شوند یعنی زندان شامل محکومان، متهمان، فرزندان و نوزادان مادران زندانی (به موجب تبصره ماده ۶۰ آئین نامه سازمان زندانها فرزندان می‌توانند تا سن ۲ سال نزد مادر در زندان و پس از آن در خارج از زندان در سازمان بهزیستی یا مهد کودک باشند) نیز می‌شود.

علاوه بر اینها محکومان به مجازاتهای غیرحبس که در انتظار اجرای مجازات خود هستند و همچنین مدعیان اعسار تا زمانی که حکم اعسارشان صادر شود در زندان هستند.

جمعیت کیفری (جمعیتی که داخل زندانها هستند) عبارتند از:

(۱) محکومان + نوزادان و فرزندان مادران زندانی

(۲) متهمان

(۳) محکومان به مجازات غیرحبس که در انتظار اجرای مجازات خود هستند (ماده

۶۹۶ قانون مجازات اسلامی). یعنی کسانی که ادعای اعسار می‌کنند تا وقتی حکم

اعسارشان صادر شود.

(۴) محکومان به دیه، بدهی و مهر به لحاظ عجز در پرداخت

(۵) محکومان به جریمه به لحاظ عجز در پرداخت (فرق با مورد ۴: در این جا

کیفری است در آنجا مدنی، در اینجا جزء مجازاتشان محسوب می‌شود (هر ده هزار

تومان یک روز) اما در آنجا مدت ندارد.

درواقع درمورد بند چهار، نگهداری محکومین به دیه در زندان یا محکومین مالی

و ... مجازات آنها نیست بلکه یک نوع الزام آنها به پرداخت است. فلذا حضور آنان

در زندان به عنوان وسیله‌ای برای اجبار آنهاست.

در جرم‌شناسی بالینی مورد اول و آخر مورد مطالعه قرار می‌گیرند. یعنی

محکومان، و ... محکومان به جریمه به لحاظ عجز از پرداخت. چون فقط برای این ۲

گروه مجازات جنبه جریمه دارد و سه مورد وسط موقتی است و زندان به عنوان

مجازات آنان محسوب نمی‌شود.

نکته قابل توجه در خصوص موضوع انحراف این است که اگر انحرافات اولیه

طفل یا نوجوان به موقع مورد توجه قرار نگیرد ممکن است به بزهکاری مزمن تبدیل

گردد.<sup>۱</sup>

### بزه‌دیده شناسی

«بزه‌دیده» واژه‌ای است که توسط فرهنگستان زبان فارسی در دوره پهلوی اول (سال

۱۳۱۶) به عنوان معادل فارسی «مجنی‌علیه» وضع شد. همانطور که بزهکاری در برابر

مجرمیت، بزهکار در برابر مجرم، کیفر به جای مجازات و ... انتخاب شد.

نکته: بزهکاری علاوه بر معنای معمول (مجرمیت) به معنی مجموعه جرایم

ارتكابی در زمان و مکان مشخص نیز می‌باشد. معنای اخیر بزهکاری در جرم‌شناسی

کاربرد دارد. از دیگر معانی بزهکاری باید به جرم اشاره کرد. البته بزه معادل

مناسب‌تری برای جرم است.

### تاریخچه بزه‌دیده‌شناسی

اصولاً کلیه جرایم دارای بزه‌دیده هستند. یعنی جرم بدون بزه‌دیده وجود ندارد.

مجنی‌علیه جرایم ممکن است شخص حقیقی یا شخص حقوقی یا حتی امری اعتباری

و قراردادی باشد. مثلاً توهین به مقدسات که بزه‌دیده‌ای دارد و آن هم دین است یا

مثلاً در قتل، ضرب و جرح یا تجاوز به عنف، در هر دو مورد مجنی‌علیه حقیقی یا

حقوقی (ارزشهای دینی) وجود دارد.

با اینکه اصولاً هر عمل مجرمانه، مجنی‌علیه دارد ولی برخی جرایم در قانون

(قانون مجازات اسلامی) پیش‌بینی شده است که مجنی‌علیه حقیقی ندارد که به آنها

جرایم بدون بزه‌دیده (victimless crimes) می‌گویند. فعلاً روسپیگری، خودزنی،

خودکشی، اعتیاد.

ویژگی این جرایم این است که برای وقوع و احراز آن قانوناً نیازی به وجود،

حضور و ایفای نقش بزه‌دیده ندارد. مثل زنا، لواط، مساحقه و ... که در این جرایم

مجنی‌علیه حقیقی وجود ندارد بلکه مجنی‌علیه اخلاق حسنه یا اخلاق جامعه است. در

زنای محصنه که زن یا مرد یا هر دو متاهلند، مجنی‌علیه «علقه زوجیت» و نهاد

خانواده است. اصولاً جرایمی که در بالا به آن اشاره شد مجنی‌علیه حقیقی ندارند زیرا

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بزهکاران مزمن، ویژگی و شخصیت آنها ر.ک. ص ۸۴-۸۱۸ همین مجموعه.



## جرم‌شناسی ۱۴۱۵

همه شرکت‌کنندگان در آنها مجرمند، مگر آنکه عنصر علف در آنها وجود داشته باشد که در این صورت مرتکب و بزه‌دیده از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

همانطور که پیشتر ذکر شد شخص حقوقی نیز می‌تواند مجنی‌علیه واقع شود مثلاً در جرم اختلاس که کارمند دولت از بودجه عمومی برداشت غیر قانونی می‌کند شخص حقوق عمومی یعنی دولت بزه‌دیده است. یا تبلیغ سوء و نادرست علیه یک شرکت تجاری که مجنی‌علیه آن شخص حقوقی حقوق خصوصی است.

در یک جمع‌بندی جرایم بدون مجنی‌علیه (victimless crimes) شامل دو گروه است:<sup>۱</sup>

(۱) جرایمی که بزه‌دیده ملموس یعنی شخص حقیقی ندارند. (یعنی بزه‌دیده آنها اعتباری است چون توهین به مقدسات یا جرم ولگردی، تکدی، حمل اسلحه غیرمجاز و ...)

(۲) جرایمی که همگی شرکت‌کنندگان در آن مجرمند. (زنا). در اینجا، بزه دیده در واقع اخلاق جامعه یا خانواده است.

چرا در جرم‌شناسی به مطالعه بزه‌دیده می‌پردازیم؟

در حقوق کیفری مجنی‌علیه (شاک) در جهت ترمیم خسارات وارده و کاهش آلام و احیای حقوق وی مورد مطالعه قرار می‌گیرد: (ماده ۹ ق.آ.د.ک) در حقوق کیفری مجنی‌علیه مترادف است با مظلوم، خسارت دیده، مستحق حمایت و ... اما در جرم‌شناسی بزه‌دیده به عنوان شخص مقصر و گناهکار هم قابل تصور است. به این

---

1. در زبان بزه‌دیده‌شناسی مراد از جرایم بدون بزه‌دیده، جرایمی است که بزه‌دیده شخصی و انسانی ندارد؛ بلکه بزه‌دیده آن ممکن است شخص حقوقی یا اخلاق عمومی یا یک ارزش عمومی باشد. بدیهی است در زبان حقوقی جرایم دارای دو حیثیت عمومی و خصوصی است که در آیین دادرسی کیفری به آن پرداخته می‌شود. جرایم بدون بزه‌دیده دارای آثار مختلفی از منظر پیشگیری از جرم از نظر تورم‌زدایی از فزونی جرایم در حقوق کیفری و نیز توزیع حمایت از ارزشهای اجتماعی بین رشته‌های دیگر حقوق از یک سو و جامعه مدنی از سوی دیگر است.

## ۱۴۱۶ مباحثی در علوم جنایی

ترتیب در بزه‌دیده‌شناسی (که شاخه‌ای از جرم‌شناسی است) بزه‌دیده با حفظ صفات فوق می‌تواند مقصر نیز باشد.

در بزه‌دیده‌شناسی مطرح می‌شود که بزه‌دیده ممکن است در وقوع جرایم دارای مجنی‌علیه نقش داشته باشد. مثلاً اندیشه ارتکاب جرم را به مرتکب الهام کرده باشد. در بزه‌دیده‌شناسی بحث اصلی چگونگی شرکت و حضور بزه‌دیده در تکوین جرم است. جرایم از این منظر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) جرایم ناگهانی

(۲) جرایم دارای تدارک و سبق تصمیم

در جرایم ناگهانی (اتفاقی) معمولاً بین بزهکار و بزه‌دیده رابطه‌ای وجود ندارد مثل سارق که با استفاده از فرصت خودرویی را به طور اتفاقی به سرقت می‌برد.

باتوجه به یافته‌های جرم‌شناسی در اکثر جرایم بین بزهکار و بزه‌دیده قبلاً رابطه‌ای وجود داشته است و بزهکاری مسبوق به رابطه بین طرفین است. مثلاً بیشتر سرقت‌های خانگی را مجرمینی مرتکب می‌شوند که با صاحب خانه رابطه دارند. جرایم خشونت‌آمیز (ضرب و جرح و قتل) نیز معمولاً این‌گونه است.

به بزه‌دیده‌شناسی علمی (با تعریف فوق‌الذکر) بزه‌دیده‌شناسی اولیه یا با بزه‌دیده‌شناسی جرم‌شناختی می‌گویند.

بزه‌دیده‌شناسی در دهه ۱۹۴۰ میلادی به وجود آمد و بنیانگذار آن یک روانشناس آمریکایی آلمانی تبار به نام «هانس فون هانتیک» است. او در سال ۱۹۴۸ در کتاب «بزهکار و قربانی او» (criminal and his victim) فصل مختصری را به چگونگی شرکت بزه‌دیده در فرآیند شکل‌گیری جرم اختصاص داد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب بنیان‌گذار جرم‌شناسی لومبروزو (پزشک) و بنیان‌گذار بزه‌دیده‌شناسی هانتیک (روانشناس) بود.

---

۱- برای اطلاعات بیشتر در این خصوص رک: رایجیان (مهرداد)، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، نشر خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

## جرم‌شناسی ۱۴۱۷

جرم‌شناسی ۱۲۰ و بزه‌دیده‌شناسی ۵۰ سال قدمت دارد. در پایان می‌توان تعریف دقیق بزه‌دیده‌شناسی علمی را اینگونه ارائه داد که شاخه‌ای از جرم‌شناسی عمومی است که به مطالعه خصوصیات شخصیتی بزه‌دیده، پیشینه خانوادگی، شغلی و اجتماعی او و برآیند میزان و سهم او در تکوین جرم می‌پردازد.

در گام دوم و پس از توجه به بزه‌دیده به عنوان یکی از علل تکوین جرم، نقش بزه‌دیده در دادرسی کیفری موردتوجه بزه‌دیده‌شناسان قرار گرفت. در دادرسی کیفری از دیرباز بحث حقوق شاکی اهمیت خاصی داشته است. آیین دادرسی کیفری شاخه‌ای فنی و تشریفاتی از حقوق است. در آیین دادرسی کیفری از خسارات مادی و معنوی وارده به مجنی‌علیه صحبت به میان آمده است. با این وجود مطالعات نشانگر آن است که این برخورد حقوق در نهایت منجر به تحقق رضایت و تشریف خاطر مجنی‌علیه نمی‌شود.

بنابراین به عنوان گام دوم در بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیدگان صرف‌نظر از نقششان در تکوین جرم، به عنوان اشخاصی مظلوم و خسارت دیده موردتوجه قرار گرفتند که باید از اقدامات حمایتی بهره‌مند شوند. مانند بیماری که به علت قصور و کوتاهی خود مبتلا شده باشد و حال نیاز به مراقبت و درمان دارد. با این رویکرد حقوق جدیدی در آیین دادرسی کیفری در مراحل اقامه دعوا، تحقیقات اولیه، دادرسی در دادگاه و اجرای حکم برای شاکیان و بزه‌دیدگان پیش‌بینی شد. از جمله این حقوق می‌توان به گذشت پذیر بودن برخی جرایم از سوی شاکی اشاره کرد به این معنی که قانونگذار منافع عمومی را به نفع منافع شخصی بزه‌دیده کنار گذاشته است.

به این ترتیب اولین مرحله در ظهور جرایم قابل گذشت در نظام کیفری طی شد. هرچه میزان جرایم قابل گذشت بیشتر باشد به این معناست که قانونگذار به بزه‌دیده بهای بیشتری داده است.

## ۱۴۱۸ مباحثی در علوم جنایی

همچنین دو مرحله‌ای بودن رسیدگی قضایی، نظارت شکلی دیوان عالی، حق انتخاب وکیل در تمامی مراحل دادرسی علاوه بر بزهکار به نفع بزه‌دیده هم می‌باشد. بنابراین تحت بزه‌دیده‌شناسی ثانویه (بزه‌دیده شناسی حمایتی یا جنبش حمایت از بزه‌دیدگان) مفهوم عدالت ترمیمی (restorative justice) رفته رفته وارد جرم‌شناسی شد. عدالت ترمیمی برخلاف عدالت کیفری یک عدالت بزه دیده مدار است.

در عدالت ترمیمی اولویت با خواسته‌های مجنی‌علیه است. به طور مثال در ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک آمده است که در اموری که می‌تواند با صلح طرفین خاتمه یابد (جرایم قابل گذشت) دادگاه باید در جهت اصلاح ذات البین و ایجاد صلح و سازش میان شاکی و متهم تلاش کند. این ماده به قاضی اجازه می‌دهد در صورت رضایت شاکی از این رضایت جهت قبولاندن مصالحه به متهم برای حفظ حقوق مجنی‌علیه استفاده کند.

همچنین بند ب ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک به جرایم قابل گذشت اشاره دارد. این بند متذکر شده است در صورت درخواست مدعی خصوصی مبنی بر ترک محاکمه، دادگاه، قرار ترک تعقیب صادر خواهد کرد. البته این امر مانع طرح مجدد دعوا (شکایت) نخواهد بود چراکه این مسئله مستلزم جلب رضایت شاکی از سوی متهم است که خود گامی در جهت بزه‌دیده مداری است.

ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند محکوم علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت مدعی خصوصی از دادگاه صادر کننده قطعی درخواست تجدیدنظر در میزان مجازات را نماید... .

بنابر این ماده در جرایم غیرقابل گذشت اگر محکوم علیه موفق به جلب رضایت بزه‌دیده و ترمیم خسارات وارده و کاهش آلام وی شود دادگاه می‌تواند در مجازات او

تخفیف اعمال کند. این امکان تجدیدنظر به دلیل حمایت از حقوق و مصالح بزه‌دیده است.

به این ترتیب در پرتوی بزه‌دیده‌شناسی ثانویه (یا غیر علمی) مجنی‌علیه استحقاق حمایت پیدا می‌کند چه خود در وقوع جرم مقصر باشد یا خیر. به هر صورت اصطلاح ترمیم (restoration/reparation) در عدالت ترمیمی در جهت احیای حقوق شاکی از سوی متهم در نظر گرفته شده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر خسارات مادی و معنوی که در بزه‌دیده‌شناسی ثانویه مورد توجه است دسته‌ای دیگر از خسارات نیز محل توجه هستند. وقوع جرم باعث ایراد دسته‌ای از ناملایمات عاطفی و روانی بر مجنی‌علیه است. مثلاً در جرایم خشونت‌بار آثار روانی ناشی از جرم تا مدت‌ها مجنی‌علیه را می‌آزارد و موجب اختلال در زندگی عادی و روزمره او می‌شود.

در این قسمت از بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده‌شناس در جهت شناسایی مشکلات عاطفی و روانی بزه‌دیده و رفع آنها تلاش می‌کند.

بنابراینچه تاکنون بررسی کردیم سه نوع خسارت در ارتکاب جرم وجود دارد:

- ۱) خسارت مادی ← که در خسارات مالی خلاصه می‌شود.
- ۲) خسارات معنوی ← خسارات معنوی یا اخلاقی عبارتند از زایل شدن حرمت، حیثیت و آبروی اجتماعی بزه‌دیده (مثل خسارت ناشی از توهین و افترا) (moral damages)
- ۳) خسارت عاطفی، احساسی و روانی ← این نوع خسارات را نباید با خسارات معنوی یکی پنداشت. این خسارات مربوط به سلامت روانی بزه‌دیده است. (psychological harms/emotional damages/harms)

جرایمی چون سرقت مسلحانه یا تجاوز به عنف هر سه نوع خسارت فوق را به همراه دارد. اصولاً جرایم همراه با خشونت همواره خسارات دسته سوم (روانی) را در پی دارند.

در جرم کودک‌آزاری (قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱) آنچه مهم است حمایت و اعاده‌تمامیت عاطفی، روانی و تربیتی کودک بزه‌دیده است. درحالی که خسارت مادی و معنوی برای کودک مطرح نیست.

در نظام حقوقی ایران فقط خسارات مادی مورد قبول قرار گرفته است درحالی که در نظام‌های پیشرفته حقوقی همچون نظام‌های اروپایی بحث « emotional damages» در جرایم خشونت‌بار و در جریان دادرسی کیفری جهت اعاده حقوق بزه‌دیده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در سال‌های اخیر معمولاً بزه‌دیده‌گانی که سابقاً از جرایم آسیب دیده‌اند، نهادهایی مدنی (N.G.O) را با هدف امداد رسانی رایگان به قربانیان جرایم خشونت‌بار تأسیس کرده‌اند، مانند انجمن حمایت از کودکان، انجمن حمایت از زنان قربانی خشونت، انجمن مبارزه با اعتیاد یا حمایت از معتادین. در این نهادها سعی می‌شود با گفتار درمانی و روان‌درمانی قربانیان را مرمت روحی کنند و به تدریج از آلام ایشان بکاهند. گاه حتی زمینه ملاقات بزه‌دیده با بزه‌کار را فراهم می‌کنند تا در این دیدار با عذرخواهی بزه‌کار بخشی از پریشانی‌های بزه‌دیده تشریف یابد یا اینکه بزه‌کار بتواند کاری برای بزه‌دیده انجام دهد. همانطور که ملاحظه می‌کنید این دسته از اقدامات در بزه‌دیده‌شناسی قابل اعمال در چهارچوب آیین دادرسی کیفری نیست. بلکه در رابطه با خسارات عاطفی، نهادهای مردمی و جامعه مدنی به کمک دستگاه قضایی می‌شتابند.

در آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی واحدهای معاضدت قضایی نقش ترمیم خسارات عاطفی را بر عهده دارند.

۱- در این خصوص رک: بهره‌مند (حمید) عدالت ترمیمی و جلوه‌های آن در حقوق کیفری ایران،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع) سال ۱۳۸۳.

## جرم‌شناسی ۱۴۲۱

بنابر دستور رئیس قوه قضائیه دفاتری برای حمایت از اطفال و زنان بزه‌دیده با حضور مددکاران اجتماعی تشکیل شده است. همچنین در سال‌های اخیر در کلانتری‌ها واحدهای ارشاد و مددکاری تأسیس شده است و پس از طرح شکایت افسر قضایی پرونده را جهت صلح به این واحدهای می‌فرستد تا سعی شود قضیه با مصالحه ختم شود.

بنابراینچه مطرح شد بزه‌دیده‌شناسی در مطالعات جرم‌شناختی از دو منظر به بررسی بزه‌دیده می‌پردازد:

(۱) به عنوان عامل جرم

(۲) به عنوان مستحق حمایت

به هر حال جرم‌شناسان با گذشت ۷۰ سال از عمر جرم‌شناسی شروع به مطالعه بزه‌دیده‌گان کردند و این سرآغاز مطالعات بزه‌دیده‌شناسی بود.

## رسالت و فایده جرم‌شناسی چیست؟

رسالت حقوق کیفری کشف جرم، تعقیب مجرمین، محاکمه و مجازات مجرمین است. اصولاً حقوق کیفری، رشته‌ای سزادهنده است و وظیفه اصلی آن تأمین امنیت جانی، مالی و معنوی شهروندان و پیش‌گیری از تکرار جرم است.

جرم‌شناسی علاوه بر جنبه‌های نظری جنبه‌های کاربردی نیز دارد. شاخه کاربردی جرم‌شناسی که بستر عملی شدن رسالت جرم‌شناسی است جرم‌شناسی بالینی است.

## \* جرم‌شناسی بالینی چه کارکردی دارد؟

جرم‌شناسی بالینی (یافته‌های جرم‌شناختی) در سه مرحله از مراحل آیین‌دادرسی کیفری می‌تواند استفاده شود.

(۱) در مراجع پلیسی و انتظامی (ضابطین قضایی) که در واقع همان مرحله تحقیقات مقدماتی است.

## ۱۴۲۲ مباحثی در علوم جنایی

(۲) در مراجع قضایی (دادسرا و دادگاه)

(۳) در مرحله اجرای حکم محکومیت کیفری مجرمین (اجرای مجازات)

بنابراین پلیس، قاضی و زندانبان هیچ‌یک از یافته‌های جرم‌شناختی بی‌نیاز نیستند. این احتیاج به آگاهی از یافته‌های جرم‌شناختی در برخی مواد قانون مجازات اسلامی، قانون آیین‌دادرسی کیفری و آیین‌نامه سازمان زندان‌ها منعکس شده است. مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ ق.آ.د.ک به چگونگی رسیدگی به جرایم ارتكابی اطفال اختصاص یافته است.<sup>۱</sup>

فصل پنجم باب دوم این فصل خود بیانگر اهمیت جرم‌شناسی و جنبه‌های کاربردی آن است. در ماده ۲۲۲ این قانون مقرر شده است که چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می‌تواند در این جهت اقدام کند. این در واقع همان پرونده شخصیتی متهم است که در جرم‌شناسی بالینی مورد توجه است.

## تفاوت پرونده شخصیتی و پرونده حقوقی

پرونده شخصیتی حاوی سوابق تحصیلی، پزشکی، روانپزشکی، خانوادگی، وضعیت سنی و موقعیت اجتماعی متهم است، اما پرونده حقوقی شامل سوابق کیفری، ارکان جرم، تعداد دفعات ارتكاب جرم و مستندات حقوقی مجرمیت است. هدف اصلی این پرونده فردی کردن تصمیم دادگاه و انطباق آن با شخصیت مجرم برای صدور حکم و انتخاب مجازات مقتضی برای مجرم است.

دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که لازم بداند مبادرت به تشکیل پرونده شخصیتی متهم نماید. به هر صورت تشکیل پرونده شخصیتی ناظر به فرضی است که قاضی آگاهی‌های جرم‌شناختی فرا حقوقی و فراکیفری دارد. بنابر مواد یاد شده از ق.آ.د.ک

۱- در این خصوص رک: میزگرد حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، ۱۳۸۳. و همین مجله شماره ۴۵.

## جرم‌شناسی ۱۴۲۳

قاضی کیفری رسیدگی کننده به جرایم اطفال بزهکار باید به نوعی جرم‌شناس باشد و هدف از تشکیل پرونده شخصیتی طفل نیز فراهم کردن لوازم شخصی کردن تصمیمات دادگاه نسبت به اطفال بزهکار است.

نمونه دیگر ماده ۲۲۹ ق.آ.د.ک است که از استثنائات وارده بر قاعده اعتبار امر مخومه (اعتبار امر قضاوت شده است) محسوب می‌شود دلیل امکان تجدیدنظر قاضی در حکم صادر شده طی دوران اجرای مجازات، قرار داشتن کودکان در سنینی است که تغییر و تحول شخصیتی آنان بسیار سریع و فراوان است. این تجدیدنظر مستلزم آگاهی‌های جرم‌شناختی و روان‌شناختی قاضی است.

نمونه دیگر ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی است. ذکر عبارت «خصوصیات جرم و مجرم» در متن این ماده ناظر به جنبه‌های فراحقوقي در رسیدگی به اتهامات است. این ماده بیانگر لزوم توجه به رفتار مجرم و مجنی‌علیه بعد از وقوع جرم و هنگام وقوع جرم و... است. قاضی بدون اطلاع از یافته‌های جرم‌شناختی و روان‌شناختی و با اطلاعات صرف حقوقی نمی‌تواند از این ماده استفاده مطلوبی بنماید.

نمونه دیگر بند ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا است. در اینجا علاوه بر وجود سایر موارد (که قبلاً بررسی شد) به انگیزه نیز توجه شده است و در واقع اولین جایی است که صحبت از انگیزه مرتکب به میان آمده است. در نظام‌های حقوقی پیشرفته انگیزه مرتکب اهمیت بسیاری دارد. قصد و انگیزه (عنصر معنوی) در حقوق کیفری بسیار محل توجه است. در اینجا هم قاضی برای صدور حکم عادلانه نیاز به اطلاعات فراحقوقي دارد.

عبارت «وضع خاص متهم و سابقه او» در بند ۵ همین ماده نیز ناظر به بحث‌های فراحقوقي است و قاضی در اجرای آن محتاج آشنایی با روانشناسی و علوم تربیتی است.

## ۱۴۲۴ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی نیز در تشخیص حالت خطرناک به شخصیت و پرونده شخصیتی مجرمین اشاره دارد و شصت و دو ماده اول آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در رابطه با تقسیم و توزیع زندانیان در مراکز مختلف سازمان زندانها ملاک عمل را پرونده شخصیتی آنها دانسته است. در ماده فوق هم قاضی و هم زندانبان نیازمند اطلاعات جرم‌شناختی در کنار آگاهی‌های حقوقی هستند. مددکاران و روانشناسان داخل زندان‌ها هم به نوعی جرم‌شناس محسوب می‌شوند.

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی صحبت از خسارت مادی، معنوی و روانی و عاطفی می‌کند

وقتی صحبت از خسارت مادی شود به جنبه جسمی یا مالی توجه می‌شود. در قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار صحبت از بزه‌دیده نمی‌کند، بلکه صحبت از شاکی می‌کند (شاکی و مدعی خصوصی). به موجب ماده ۹ این قانون کسی که از وقوع جرم متضرر شود یا از وقوع جرم صاحب حقی شود شاکی (مدعی خصوصی) است. بنابراین شاکی همواره بزه‌دیده نیست و خسارت دیده مستقیم جرم نیست مثلاً قذف یا قصاص به اولیای دم منتقل می‌شود درحالی که بزه‌دیده مقتول و مقذوف است. البته ماده ۹ آیین دادرسی کیفری بین شاکی و مدعی خصوصی خلط کرده است. می‌دانیم که هرگاه کسی که از جرمی متضرر می‌شود یا با ارتکاب آن جرم صاحب حقی شده دعوایی در مراجع کیفری اقامه کند، «شاکی» محسوب می‌شود حال اگر همین شاکی که از جرم متضرر یا صاحب حقی شده از رهگذر حقوقی برای جبران خسارت اقامه دعوی کند تبدیل به مدعی خصوصی می‌شود. قانونگذار ما در سال ۱۳۷۸ در آیین دادرسی کیفری شاکی و مدعی خصوصی را مترادفاً به کار برده که اشتباه کرده است. البته شاکی و مدعی خصوصی ممکن است یک فرد باشد.

## تحقیقات و روش‌های تحقیق در جرم‌شناسی

هر علمی یک روش‌هایی دارد که در جهت دستیابی به اهداف و رسالت‌هایش این روش‌ها و متدها را در هنگام تحقیقات و پژوهشها مورد استفاده قرار می‌دهد. علم ریاضی، پزشکی و ... همه روش‌های خاص خود را دارند که تحقیقات خاصی را انجام می‌دهند. معمولاً این روش‌ها به دو نوع انجام می‌شود:

(۱) روش مشاهده و مطالعه (Observation ۲) روش تجربه experimentation

در بحث جرم‌شناسی، مشاهده عبارت از این است که جرم‌شناس، روانشناس یا مددکار اجتماعی با مصاحبه با زندانیان به عنوان نمونه‌ای از مجرمین، با تستهای روانشناسی و تشکیل پرونده شخصیت و تکرار همین آزمایشات بعد از مدتی در مقام مشاهده و مطالعه تغییر رفتار و شخصیت زندانی در مدت اقامت در زندان است. در جرم‌شناسی ممکن است از روش تجربه experimentation هم استفاده شود. در این روش باید حتماً از دستاوردهای علوم ریاضی، زیست‌شناسی، پزشکی و ... استفاده کنیم.

## در جرم‌شناسی اهداف تحقیق چیست؟

معمولاً در جرم‌شناسی ۴ هدف را برای انجام تحقیقات در نظر می‌گیریم:

(۱) کمک به تحول قوانین کیفری

(۲) درک پدیده مجرمانه (درک جرم) به منظور پیشگیری بهتر از ارتکاب آن

(۳) درک مجرمین به منظور درمان و اصلاح و مداوای بهتر آنها.

می‌توان مقایسه‌ای بین هدف دوم و سوم کرد. وقتی می‌گوئیم درک جرم (مطالعه جرم) به منظور پیشگیری بهتر، مرادمان جلوگیری از جرم اولیه و جلوگیری از ارتکاب جرم برای اولین بار است اما وقتی می‌گوئیم مطالعه و درک مجرم، منظور پیشگیری از تکرار جرم است.

(۴) بهبود بخشیدن به طرز کار نظام کیفری (کارایی نظام کیفری)

## هدف اول: کمک به تحول قوانین کیفری

اصولاً اگر ما سیستم قانونگذاری خود را کنار بگذاریم اصولاً قوانین کیفری ساخته و پرداخته خود انسانهاست. قانونگذار بنا به نیازهای جامعه دست به قانونگذاری می‌زند و وضع جرم و مجازات می‌کند. اما در تحقیقات جرم‌شناسی و به منظور ایجاد تحول در قوانین کیفری ما چند مطلب را مطالعه می‌کنیم:

اول ببینیم اعمال و رفتاری که در قوانین کیفری جرم تلقی شده‌اند کماکان از نظر تابعان حقوق کیفری (شهروندانی که در مقابل قانون کیفری می‌توانند پاسخگو باشند) دارای قبح و زشتی اجتماعی هستند یا خیر؟ مثال: قانونگذار در سال ۶۱ چون کشور در حال جنگ و دارای اقتصاد بحرانی بود خرید و فروش و جعل کوپن مواد غذایی را جرم‌انگاری می‌کند. در تحقیقات جرم‌شناسی بررسی می‌کنیم که آیا در حال حاضر در سال ۸۳ خرید و فروش و جعل کوپن از نظر مردم و نیازهای آنها قبیح است؟ آیا کماکان از این جرم‌انگاری حمایت می‌کنند یا این عمل قبحش را از دست داده است. به عبارت دیگر در این تحقیقات ما به دنبال به روز کردن قوانین کیفری و خارج کردن قوانین قدیمی که کارآمد نیستند و وضع قوانین جدید هستیم.

پس کار ما بررسی قبح یک عمل مجرمانه نزد مردم و تابعان حقوق کیفری است و اگر از نظر مردم قبیح نبود از عداد جرایم خارج می‌شود و اصطلاحاً عمل «جرم‌زدایی» صورت می‌گیرد.

اما در تحقیقات جرم‌شناسی ممکن است جرم‌شناس به این نتیجه برسد که عمل یا ترک عمل یا رفتاری که از نظر قانونگذار پنهان مانده و جرم تلقی نشده از نظر مردم، قبیح است و میانگین مردم انتظار دارند که آن عمل جرم تلقی شود. در اینجا جرم‌شناس، جرم‌انگاری یک رفتار را به قانونگذار پیشنهاد می‌کند. مثلاً در کشور ما در ماده ۲۲۰ ق مجازات اسلامی آمده که قتل فرزند توسط پدر و جد پدری، قصاص

## جرم‌شناسی ۱۴۲۷

ندارد. این قانون مربوط به سال ۶۱ است. بعد همین قانون با تغییرات مختصری در سال ۷۰ ابقاء شد، این یک تفکر فقهی است که به نوعی رابطه مالکیت بین فرزند و پدر رانشان می‌دهد، اما در سال ۸۱ به ابتکار انجمن حمایت از کودکان (یک گروه از جامعه مدنی) طرح قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تهیه شد.

این پیشنهاد جامعه مدنی از طریق تعدادی از نمایندگان مجلس به عنوان طرح قانونی تقدیم مجلس شد و آن طرح در سال ۸۱ با اصلاحات زیادی که شورای نگهبان تحمیل کرد تصویب شد. این قانون ۹ ماده دارد و در آن سوءاستفاده از کودکان، قاچاق کودکان، استفاده ابزاری از کودکان و نوجوانان در ارتکاب جرم را قانون‌گذار جرم‌انگاری کرده است. یعنی قانونگذار در مقام حمایت از کرامت طفل برآمده و با تأیید بر حقوق انسانی اطفال، کودکان و نوجوانان را افراد زیر ۱۸ سال دانسته و چتر حمایت را گسترش داده نه این که فقط به پسران زیر ۱۵ و دختران زیر ۹ سال توجه کند بلکه به طور کلی زیر ۱۸ سال صرفنظر از جنس را مدنظر قرار داده است.

بنابراین اگر در قانون مجازات اسلامی، طفل کسی است که به سن بلوغ نرسیده، قانون حمایت از اطفال، اشخاص زیر ۱۸ سال را طفل می‌داند. این یک تغییر نگرش ۲۰ ساله است که این کار و تغییر نگرش را جرم‌شناسی به قانونگذار پیشنهاد کرده، چون آنها نشان دادند در جامعه ما عده‌ای از والدین از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند و خلاف مصلحت آنها رفتار می‌کنند. این یکی از تاثیرات جرم‌شناسی در تحول قانونگذاری است (تحول از قانونی که قتل فرزند را موجد قصاص نمی‌داند و قانونی که از فرزند در برابر والدین، حمایت کیفری می‌کند).

مرحله دوم هدف اول ایجاد تحول در ساختار و تشکیلات قضایی است.

ما سه مرجع داریم:

(۱) پلیس و ضابطین قضایی

## ۱۴۲۸ مباحثی در علوم جنایی

(۲) دادگستری

(۳) زندانها و نهادهای مشابه.

بی‌تردید نهادهای مرتبط با نظام کیفری در پرتو قوانین تاسیس و ایجاد شده‌اند، اما باتوجه به این که قوانین در بوته آزمایش و عمل کارایی خود و نقاط ضعف خود را نشان می‌دهند، جرم‌شناس این نقاط ضعف را استخراج می‌کند و خطاب به مرجع قانونگذاری تقاضای اصلاح یا تغییر آن را می‌کند.

مثلاً در سال ۷۳ قانونگذار با اصرار رییس قوه قضائیه تشکیلات داسرا را حذف کرد اما کمتر از ۱۰ سال بعد حقوق دانان و قضات جملگی به مشکلاتی که حذف داسرا بر سر راه اجرا و اعمال عدالت می‌گذاشت پی برده و به قوه قضائیه هشدار دادند، فلذا قانونگذار در سال ۸۱ داسرا را احیا کرد. این مشکلات به وجود آمده را جرم‌شناس برای قوه قضائیه روشن می‌کند. بدیهی است جرم‌شناس در ایجاد تحول در قانون کیفری دو جهت ممکن است داشته باشد

(۱) جهت اصلاحی reform

(۲) جهت رادیکالی (بنیادی) که مثلاً شامل حذف آن نهاد می‌شود.

### هدف دوم: پیشگیری بهتر از جرم

مراد در این جا پیشگیری از جرم اولیه است. در این خصوص مطالعات و تحقیقات در جرم‌شناسی عمدتاً به دنبال مطالعه علل بزهکاری است. این تحقیقات معمولاً می‌تواند جهت‌های مختلفی داشته باشند.

(۱) جهت‌گیری محیطی: تاثیر جغرافیا، آب و هوا و اقلیم بر بزهکاری به طور کلی و بر برخی جرایم به طور خاص. مثلاً آیا در فصل گرما یا در جنوب کشور نوع جرایم با شمال کشور متفاوت است یا خیر<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - در این مورد میتوان به قانون حرارتی جرم کتله و گری اشاره کرد.

## جرم‌شناسی ۱۴۲۹

(۲) ممکن است این تحقیقات به دنبال بررسی تاثیر علل اقتصادی، آموزشی و خانوادگی بر بزهکاری باشد (محیط)

(۳) به دنبال بررسی علل شخصی و درونی خود مجرم باشد (جنسیت، سن، تاثیر توارث و تاثیر بیماریهای روانی یا جسمانی بر رفتار او

(۴) و چهارمین هدف، تاثیر مجنی‌علیه بر وقوع جرم است. بزه‌دیده‌شناسی و علت‌شناسی به دنبال نقش مجنی‌علیه است که در این مورد می‌توان به بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در علل مخففه جرم اشاره نمود.

بنابراین در مورد پیشگیری، بیشتر تحقیقات ما جنبه علت‌شناسانه دارد و به دنبال علل وقوع جرم است. این علل می‌تواند محیطی، ناشی از شخصیت یا ناشی از اوضاع و احوال ماقبل بزهکاری (علل وضعی) باشد.

سه نوع علت: علل محیطی، علل شخصی و علل وضعی

محیط اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شود: محیط اجتماعی شخصی، محیط اجتماعی عمومی. محیط عمومی مثل نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. اما محیط شخصی محیطی است که ما را از هم تفکیک می‌کند مثلاً قدرت خرید جزء محیط اقتصادی شخصی است.

محیط‌های باز تقسیم می‌شود به فیزیکی و غیرفیزیکی

محیط فیزیکی، محیط جغرافیایی و اقلیمی است و بعد محیط‌های غیرفیزیکی داریم مثل خانواده، محیط نظامی و ... یعنی شرایطی که در جامعه پذیر کردن نقش دارند. این محیط‌ها از خانواده شروع و به جامعه ختم می‌شود. حال اگر یکی از این محیط‌ها رسالت خود را انجام ندهند و در انجام وظایف خود در جامعه پذیر کردن فرد قصور کنند در تربیت شخصی خلل ایجاد می‌شود که در رفتار فرد دیر یا زود نمود عملی از قبیل افسردگی، عزلت، انحراف یا... پیدا خواهد نمود.

## ۱۴۳۰ مباحثی در علوم جنایی

### علل وضعی situational factors

وضعیت، شرایط و اوضاع و احوالی است که به دست خود انسان به وجود می‌آید و ممکن است به دست خود انسان از بین رود و ناشی از وضعیت / موقعیت situation است. عوامل وضعی مثل بن‌بست بودن یا نبودن، دزدگیر داشتن یا نداشتن، استخدام سرایدار یا عدم آن است. بنابراین علل وضعی ناظر به اوضاع و احوال ماقبل جرم است، شامل شرایطی است که شامل فرد را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد یا اوضاع و احوالی است که فرد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد.

پس علل وضعی در گذار و عبور فرد از اندیشه به عمل مجرمانه می‌تواند جنبه تشویقی یا بازدارنده داشته باشد. پس علل وضعی علل موجود در آستانه ارتکاب جرم است که یا تسهیل‌کننده‌اند یا ایجاد مانع می‌کنند.

در بحث‌های پیشگیری اولیه (مطالعه پدیده مجرمانه به منظور پیشگیری) بحثی داریم به نام تحلیل استراتژیک (تحلیل راهبردی) که معمولاً در جرم‌شناسی به دنبال دو چیز است:

(۱) درک مسایل (شناسایی مسایل)

(۲) تنظیم بهتر و پیشگیری و تدارک وسایل و برنامه برای اقدام علیه آن مسایل. پس از یکسو در جرم‌شناسی به بررسی ماهیت و اشکال جرم و میزان آن می‌پردازیم و از سوی دیگر باتوجه به ماهیت اشکال و نحوه و میزان جرایم به دنبال تدارک وسایل و اقدامات مناسب به منظور برخورد با آن هستیم. به عنوان نمونه، نظریه «پنجره شکسته» «broken window» در اینجا مثال زدنی است. این نظریه در سالهای ۸۱ - ۸۰ میلاد توسط جامعه‌شناسان آمریکایی جرج کلینگ و کاترین کوز مطرح شد. این دو جامعه‌شناس به این نتیجه رسیدند که هرگاه خانه یا برج مسکونی فاقد مرمت و مراقبت باشد، به این معنا که بعضی شیشه‌های آن شکسته باشد، کوچه‌ها درست نظافت نشوند، زباله‌ها رها باشند، در و دیوار مملو از دیوارنویسی و نقاشی‌های



## جرم‌شناسی ۱۴۳۱

دیواری باشد برای رهگذران چنین تصویری ایجاد می‌شود که این محله یا برج صاحب ندارد و هیچ‌گونه کنترل و مراقبت خودجوشی نسبت به افراد و نسبت به یکدیگر وجود ندارد. بنابراین شاهد این هستیم که شیشه‌های سالم هم به تدریج خواهد شکست. اگر دو شعار روی دیوار بوده تبدیل به ده شعار می‌شود و به این ترتیب چنین اوضاع و احوالی در محله خود، عده‌ای را تشویق به منحرف شدن می‌کند. این دو جرم‌شناس با مشاهده عملی به این نتیجه می‌رسند که وقتی محله‌ای از طرف شهرداری، پلیس یا انجمن محله مدیریت نمی‌شود مردم کم‌کم آن محله را برای جلوگیری از نابودی اموال و فساد فرزندان خود ترک می‌کنند. ترک این افراد، کم‌کم زمینه نظارت خودجوش محلی را از بین می‌برد، چون افراد، به طور خودجوش و ناخودآگاه مراقب هم هستند که از عوامل و معیارهای تنظیم‌کننده رفتار افراد جامعه می‌باشد.

این دو جامعه‌شناس پیشنهاد می‌کنند که با شناخت مساله در مورد حل مساله اقدام شود (چنانچه محله نظافت شود و با دیوارنویسی مبارزه شود) پس از این اقدامات به این نتیجه رسیدند که وقتی شعارنویسها شعارشان مرتباً پاک شود دیگر اقدام به این کار نمی‌کنند یا به محض شکسته شدن شیشه خانه اگر آن را جایگزین کنند، به رهگذران نشان داده‌اند که این کوچه صاحب دارد.

این کار منجر به پیشگیری از جرم می‌شود. مثلاً خودرویی سالها در کوچه پارک شده و کسی به آن کاری ندارد کم‌کم خاک می‌گیرد و بعد آینه و ... آن را می‌برند. این نتیجه آن است که حتی رهگذری که نیاز به سرقت هم نداشته باشد از نظر روانی متعرض مالی می‌شود که صاحب ندارد. پس هدف این است که مساله را بشناسیم و

## ۱۴۳۲ مباحثی در علوم جنایی

در حد و اندازه جرم از آن پیشگیری کنیم هر چند ممکن است نیازها بنا به زمان و مکان متفاوت باشد<sup>۱</sup>.

**هدف سوم: مطالعه بزهکاران به منظور شناخت بهتر آنها و اصلاح و درمان آنها**  
(جلوگیری از تکرار جرم) در این بحث ما دنبال بحث گونه‌شناسی typology یا انواع مجرمین هستیم. براساس این که مجرمین از چه کمبودهایی رنج می‌برند و چه عللی آنها را به وقوع جرم سوق داده، می‌توان آنها را براساس معیار جرم به مجرمین مالی، مجرمین علیه اشخاص و مجرمین علیه اخلاق تقسیم نمود. **براساس شیوه و نحوه ارتکاب جرم: آنها به مجرمین خشن و مجرمین مکار و حيله‌گر قابل تقسیم می‌باشند.** همچنین براساس آلت ارتکاب جرم ما انواع سرقت را داریم:

سرقت مقرون به اذیت و آزار، سرقت با هتک عرض و سرقت عادی و پاسخ قانونگذار به هر یک از اینها متفاوت است تا با پاسخ مناسب از تکرار هریک جلوگیری کند.

(دفعات تکرار جرم) بزهکاران بی‌سابقه، بزهکاران مکرر مورد توجه می‌باشند.

و با توجه به معیار خصایص روانی و معیار روانشناسی افراد بزهکاران به بزهکاران روان‌نژند، بزهکاران دژمنش (characterials)، بزهکاران عصبی (Nevrous) تقسیم می‌شوند<sup>۱</sup>. این تقسیم‌بندی (تیپولوژی) بزهکاران در تحقیقات جرم‌شناسی به منظور ارائه راهکار و راه حل و برنامه‌های اصلاحی متناسب با هر یک از این گروههاست. بدیهی است برای اصلاح مجرمین در تحقیقات جرم‌شناسی رفتار و نقش بزه‌دیده نیز در جرایم مطالعه می‌شود. بنابراین معیار ما در مطالعه جرایم بعضاً خود مجنی‌علیه

۱- در این خصوص رک: جمیزکی ویلسون و ...، پنجره‌های شکسته - پلیس و امنیت محلی، ترجمه محمد صدر، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۳.

۱- برای اطلاع بیشتر در این خصوص رک: نیازپور (امیرحسن) بزهکاری به عادت و پیشگیری از آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۸۳.

## جرم‌شناسی ۱۴۳۳

است. در اینجا صحبت از پیشگیری از بزه‌دیدگی می‌کنیم. پس پیشگیری از تکرار جرم شامل پیشگیری از بزه‌دیدگی هم می‌شود.

**هدف چهارم: بهبود بخشیدن به طرز کار و عملکرد نظام کیفری**

نظام عدالت کیفری از ۳ مجموعه تشکیل شده:

(۱) مجموعه پلیسی که به زبان حقوقی «ضابطين» نامیده می‌شوند

(۲) مجموعه قضایی شامل دادگستری اعم از دادسرا و دادگستری

(۳) مجموعه زندانها و نهادهای مشابه (که در زیرمجموعه سازمانهای زندانها جمع

میشوند)

پس وقتی می‌گوئیم عدالت کیفری، در ایران منظورمان این سه گروه است.

در کتابهای انگلیسی مراد از عدالت کیفری *criminal justice system* در کامن

لو و حقوق آنگلو ساکسون از یکسو شامل حقوق جزای عمومی، از سوی دیگر

حقوق جزای اختصاصی و سرانجام آیین دادرسی کیفری می‌شود که شامل دو شاخه

تشریفات رسیدگی و سازمان و تشکیلات می‌باشد پس نظام عدالت کیفری در همه

جا یک معنا ندارد.

طبیعتاً در تحقیقات جرم‌شناسی هدف این است که نقاط خلاء و معایب‌های

متولی کشف جرم و تعقیب جرم و مجازات مجرمین اصلاح شود. در پرتو این قبیل

تحقیقات جرم‌شناسی، ما شاهد نهادهای جدیدی در عدالت کیفری هستیم به عنوان

مثال ما شاهد این هستیم که از حدود دو دهه پیش به این سو مشارکت مردم و جامعه

مدنی در امر عدالت کیفری بیش از پیش توصیه شده است.

مشارکت جامعه مدنی و مردم در عدالت کیفری است. البته در کشور ما نمی‌توان

به این قاطعیت از این امر صحبت کرد، چون اعضاء هیات منصفه متشکل از عوامل

مورد قبول خود حکومتند اما بهر حال جزء مردم هستند. قاضی نیستند.

## ۱۴۳۴ مباحثی در علوم جنایی

نمونه دیگر مشارکت مردم در شورای حل اختلاف است که مجازاتهای حداکثر تا

۵۰۰ هزار تومان یا ۹۱ روز حبس را تعیین می‌کند و صلاحیت اصلاح ذات‌البین بین

مجرم و شاکی را دارد که عدالت کیفری مشارکتی یا عدالت محلی (community)

justice یا عدالت همسایگی (Neighborhood) محسوب می‌شود.

شورای حل اختلاف اهالی همان محل هستند و در هر جایی می‌توانند آن را

برگزار کنند. شورای حل اختلاف ما به منظور تورم‌زدایی از تشکیلات قضایی تشکیل

شد.

قوه قضائیه زیر بار پرونده‌های مربوط به اختلافات سبک نمی‌تواند به طور دقیق

به جرایم سنگین رسیدگی کند، بنابراین به منظور کاهش حجم دادگستری و نیز

مشارکت مردم در نهادهای خانه‌های انصاف در روستا و شورای داوری در شهرها کار

شورای حل اختلاف را قبل از انقلاب می‌کردند. البته این شوراها براساس اصل ۳۶

دارای ایراد است چون گفته مجازات به حکم قانون و براساس حکم دادگاه صالحه

است در حالی که شورای حل اختلاف چنین نیست و مکلف به اجرای تشریفات آ.د.

کیفری نیستند و امکان تضييع حقوق متهم در آنها وجود دارد.<sup>۱</sup> لذا خوب است که

قانونگذار قبل از هر چیز صلاحیت قضایی را در امر کیفری از آنها بگیرد و فقط آنها

را صالح در اصلاح ذات‌البین بداند و در جرایم قابل گذشت شکات را مکلف سازد

ابتدا به شورای حل اختلاف و در صورتی که شورای حل اختلاف نتوانست طرفین را

با هم آشتی دهد در آن صورت بزه‌دیده و شاکی در دادگاه دادگستری اقامه دعوی کند

به این ترتیب شورای حل اختلاف فیلتر گذشت است و به این ترتیب ایراد اصل ۳۶

از بین می‌رود که این راهکار ما هم یک نظر جرم‌شناسی است.

۱. توسعه صلاحیت شورای حل اختلاف با این کیفیت، علاوه بر اینکه مخالف اصول متعدد قانون

اساسی است بعضاً موجبات نقض حقوق و آزادی‌های افراد نیز می‌شود و ممکن است ناخواسته

برخلاف فلسفه تاسیسش، خود به یکی از نهادهای جرم‌زا تبدیل شود.

## جرم‌شناسی ۱۴۳۵

در کنار پلیس، نهادی داریم به نام پلیس محلی (پلیس محله) که در محله‌ها گشت می‌زنند و اسلحه ندارند و به نوعی نقش شبگرد دارند و در مقام نوعی بازدارندگی و امنیت بخشی برای سکنه هستند.<sup>۱</sup>

به این ترتیب پلیس محلی به پلیس ملی و رسمی کمک می‌کند و بخشی از کار گشت‌زنی او را به عهده می‌گیرند و کار او را سبک می‌کنند (شبیه پلیس پارک) در اغلب موارد پول پلیس محلی را همان مردم محله می‌دهند.

در بحث تحقیقات جرم‌شناسی به منظور بهبود نظام عدالت کیفری می‌توان به بحث جدیدی به نام قضا‌زدایی (انحراف از مسیر قضایی) اشاره نمود. قضا‌زدایی یعنی منحرف کردن پرونده از دستگاه قضایی و خارج کردن صلاحیت رسیدگی به بعضی از جرایم از صلاحیت دستگاه قضایی و پیش‌بینی نهادهای غیرقضایی به منظور رسیدگی به امور کیفری.

از جمله موارد قضا‌زدایی مربوط به تخلفات انتظامی پزشکان است که به جای دادگستری در صلاحیت سازمان نظام پزشکی قرار داده شده است. تخلفات انتظامی وکلا در صلاحیت دادسرا و دادگاه انتظامی کانون وکلاست یا جرایم انتظامی سردفتران در صلاحیت دادگاه انتظامی کانون سردفتران است. پس ملاحظه می‌شود که به منظور تورم‌زدایی از کار دادگستری و به منظور حفظ صلاحیت دادگستری برای جرایم مهم، جرم‌شناس پیشنهاد می‌کند که رسیدگی به برخی جرایم از این مراجع گرفته و به مراجع اداری-انتظامی محول شود.

به عنوان مثال سازمان تعزیرات حکومتی جزء قوه مجریه (تابع وزارت دادگستری) و نهادی غیرقضایی است اما در عین حال به تعدادی جرایم رسیدگی می‌کند. پس نهادی غیرقضایی است که از سازوکار قضا‌زدایی استفاده کرده است. به

## ۱۴۳۶ مباحثی در علوم جنایی

عنوان نمونه دیگر از اصل تعلیق تعقیب کیفری یاد می‌کنیم که در قانون آیین دادرسی کیفری سابق وجود داشت و در قانون سازمان قضایی نیروهای مسلح وجود دارد و به دادستان اجازه می‌دهد که با احراز برخی شرایط:

(۱) رضایت شاکی

(۲) احراز این که متهم متنبه شده

(۳) پرداخت خسارات شاکی

(۴) سپردن تعهدات اخلاقی مبنی بر عدم ارتکاب مجدد جرم

تعقیب متهم را تعلیق کند (نه تعلیق اجرای مجازات). تعلیق تعقیب نوعی قضا‌زدایی است. چون دادستان از ادامه پرونده در مراجع قضایی جلوگیری می‌کند و در روال تعلیق تعقیب، متهم را زیر نظر دارد که این هم نوعی قضا‌زدایی است. (چون پرونده دیگر به دادگاه نمی‌رود) نمونه دیگر در مورد رسیدگی به جرایم اطفال است. در مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ آ.د کیفری آمده که اطفال بزهکار حتی‌المقدور به اولیایشان برای تعزیر و تربیت اخلاقی سپرده می‌شوند که این هم قضا‌زدایی است. چون به جای ادامه مسیر در دستگاه قضایی و اعزام به کانون اصلاح و تربیت، خانواده که نهاد مدنی است جایگزین می‌شود. پس ملاحظه می‌شود که تحقیقات جرم‌شناسی چگونه می‌تواند چشمان فرشته عدالت را باز و کارایی دستگاه قضایی را افزایش دهد. این تحقیقات در کیفرها هم موثر است که در کیفرشناسی که به جرم‌شناسی مربوط است مورد بررسی قرار می‌گیرد. مثلاً درمورد مجازات حبس و معایب آن تحقیقات جرم‌شناسان نشان می‌دهد که زندان محل نشر خرده فرهنگ و فرهنگ بزهکاری است که در فرهنگ زندان وجود دارد و مجرمین بی‌سابقه با فرهنگ‌پذیری از محیط زندان تبدیل به مجرمین حرفه‌ای می‌شوند.

پس جرم‌شناس پیشنهاد می‌کند از کیفرهای بدیل حبس مثل خدمات عمومی و عام‌المنفعه به منظور جلوگیری از ورود آنها به زندان استفاده شود.

۱- در این خصوص، رک: دکتر نجفی ابرندآبادی (علی حسین) پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی،

## جرم‌شناسی ۱۴۳۷

تحقیقات در جرم‌شناسی به اقتضای این چهار هدف از روشهای مختلفی استفاده می‌کند که به آن خواهیم پرداخت:

### روش‌های تحقیق در جرم‌شناسی

اصولاً برای این که یک تحقیق واجد اعتبار علمی باشد و جنبه شخصی نداشته باشد و حب و بغض‌های محقق در این تحقیق راه پیدا نکند و بنابراین خودکامگی و حب و بغض و ذهنیت محقق تحقیق را آلوده نکند باید سه خصیصه را داشته باشد:

(۱) داده‌ها و اطلاعاتی که براساس آن قرار است تحقیق انجام شود از یکسو دقیق باشد و از سوی دیگر صحت و سقم آن آزمایش شده باشد: آمار را چه کسی تهیه کرده! تا چه حد دقت شده؟ تا چه حد برای رفع نیاز اداره است و تا چه حد در جهت مطامع سیاسی است؟

(۲) روش‌هایی که در تحقیقات جرم‌شناسی استفاده می‌کنیم باید کارایی و علمی بودن را نشان داده باشند. یعنی از روشهایی که قبلاً به کار رفته و نتیجه داده باشند، باید استفاده نمود.

(۳) به هنگام نتیجه‌گیری و بهره‌برداری از تحقیقات جرم‌شناسی استدلال ما از عقلانیت برخوردار باشد و آلوده به پیش‌داوری سیاسی و فرهنگی و... نباشد.

عده‌ای از جرم‌شناسان بین متد (روش) و تکنیک (فن) تفاوت قایل شدند. این تفاوت ممکن است از نظر علم آمار قابل بررسی باشد ولی در جرم‌شناسی متد (روش) عبارتست از: فنونی (تکنیک) که برای مطالعه جرم، آثار جرم، بزه‌دیده و انحراف به کار برده می‌شود.

این تکنیک‌ها به ۲ دسته تقسیم می‌شود:

(۱) observation مشاهده و مطالعه

(۲) مصاحبه (interview)

## ۱۴۳۸ مباحثی در علوم جنایی

اطلاعاتی که به این ترتیب جمع‌آوری می‌شود در واقع عاری از اشکال نیست. به عبارت دیگر هر قدر هم ما معیارهای سه گانه تحقیقات جرم‌شناسی را رعایت کنیم باز هم در شرایط فعلی ایرادهای چندی به آن وارد است. حال با توجه به این مقدمه دو موضوع را مورد توجه قرار می‌دهیم:

(۱) شناخت بهتر پدیده بزهکاری

(۲) شناخت بزهکاران و شناخت طرز کار نظام کیفری

همه جرایم بزه‌دیده مادی ندارند (مثل جرم ارتشا) ولی بزه‌دیده اعتباری دارند هر چند عمده جرایم بزه‌دیده دارند.

(۱) شناخت بهتر پدیده بزهکاری و پدیده بزه‌دیدگی با استفاده از این روشها

بزهکاری چیست؟ بزهکاری سه معنا می‌تواند داشته باشد:

(۱) یک معنا جمع جرایم است. رویکرد توده‌ای به جرم را بزهکاری می‌گویند. بنابراین «بزهکاریها» غلط است، بلکه بزهکاری درست است. اصطلاح جرم و جنایت هم که به کار می‌رود غلط است چون جرم و جنایت در یک معنا مترادفند. بزهکاری مجموعه جرایم صرف‌نظر از جرم ارتكابی است. یعنی وقتی می‌گوییم بزهکاری کاهش پیدا کرد: یعنی جمع افعال و ترک فعلهایی که به موجب قانون مصوب مجلس و مجمع جرم شناخته شده کاهش پیدا کرده، در این معنا، معنای جرم‌شناسی دارد.

(۲) معنای دوم آن مجرمیت است. در آیین دادرسی خواندیم دادگاه پس از احراز مجرمیت حکم محکومیت صادر می‌کند (مجرمیت = بزهکاری) یعنی با توجه به دلایل موجود بزهکاری (مجرمیت) متهم احراز شد. پس در این معنا بزهکاری دارای یک معنای حقوقی است.

(۳) در معنای سوم اصطلاح بزهکاری عبارتست از مجموعه جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین.

## جرم‌شناسی ۱۴۳۹

بنابراین در بحث آمار جنایی وقتی صحبت از بزهکاری شد منظور معنای اخیر است. این جرایم صرفنظر از نوعشان موردتوجه قرار می‌گیرند. این معنا تعبیر جرم‌شناختی دارد.

معنای اولی فقط جمع جرایم است و به بهره برداری از آن در آمار جنایی کاری ندارد و یک معنای عمومی است (معادل جرم در حقوق کیفری، بزهکاری در جرم‌شناسی است). اما معنای سوم در آمار جنایی به کار می‌رود. در معنای سوم مقید به زمان و مکان است ولی معنای اول «کلی» است. تعبیر سوم از بزهکاری یک تعبیر آمار جنایی است. لذا باید گفت روش تحقیق در جرم‌شناسی بر ۲ قسم است: ۱ - روش کمی ۲ - روش کیفی<sup>۱</sup>

آمار همان طور که قبلاً گفته شد عبارتست از استفاده از تکنیک‌های ریاضی برای به شمارش درآوردن و احصاء جرایم ارتكابی، آرای صادره، تعداد متهمین تعداد محکومین، تعداد آزادیهای مشروط و ..

به عبارت دیگر آمار جنایی از تلاقی جرم‌شناسی و ریاضی و علم آمار به وجود آمده است. یکی دیگر از مصادیق چند مبنایی بودن جرم‌شناسی همین آمار جنایی است که ریشه در تلفیق داده‌های آمار با جرم‌شناسی دارد.

پس خود جرم‌شناسی آمار را در خود نپورانده بلکه از رشته دیگری گرفته شده است. این آمار از یکسو مربوط به نرخ بزهکاری و از دیگر سو مربوط به نرخ بزه‌دیدگی (که مکمل هم هستند) و همچنین نرخ پرونده‌های کیفری تعیین تکلیف می‌شود.

<sup>۱</sup> - در روش کمی به دنبال کمیت و میزان بزهکاری و در روش کیفی به دنبال کیفیت بزهکاری و ویژگی بزهکاران و بزه دیدگان و... هستیم. در روش کمی به دنبال کمیت و میزان بزهکاری و در روش کیفی به دنبال کیفیت بزهکاری و ویژگی بزهکاران و بزه دیدگان و... هستیم.

## ۱۴۴۰ مباحثی در علوم جنایی

این اطلاعات ممکن است توسط نهادهای مختلفی که در فرآیند کیفری و تعیین تکلیف کیفری فعالیت می‌کنند، تهیه شود. هر مرجع قضایی و پیرا قضایی (همه مراجعی که در کار کشف، تعقیب جرم، محاکمه و اجرای حکم و مراقبت پس از آزادی مداخله دارند و صلاحیت دارند) می‌توانند نسبت به تهیه این آمار اقدام نمایند. این آمار با هم مختلفند و جهتگیری‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. پس آمار یکدست نیست اما در آمار جنایی یک مشکل وجود دارد و آن این که از نظر قابل اعتماد بودن بیانگر واقعیت مجرمانه نیستند. واقعیت جرم و میزان واقعی جرایم ارتكابی هرگز در آمار جنایی منعکس نیست. فلذا یک بخش تاریک در آمار جنایی وجود دارد که این بخش تاریک تفاوت بین نرخ بزهکاری ظاهری (آشکار شده) و نرخ بزهکاری واقعی است.

این تفاوت را بخش تاریک بزهکاری یا رقم سیاه بزهکاری گویند. «Hidden part of criminality/ Dark number» (جرایم نامکشوف و اعلام نشده) در کنار رقم سیاه که ما را نسبت به جرایم، بزهکار و بزه‌دیده آن مطلع نمی‌کند، ما رقم خاکستری یا بخش خاکستری در آمار جنایی داریم که شامل جرایمی می‌شود که خودشان کشف شده‌اند، اما مرتکبین این جرایم به دلایل مختلف شناسایی و دستگیر نشده‌اند. پس آمار جنایی دو مشکل دارد:

### ۱) بخش تاریک

۲) بخش خاکستری که این دو نتیجه می‌دهد تحقیقات جرم‌شناسی براساس آمار هیچ‌گاه دقیق و کامل نیست. زیرا آمار جنایی تصویری از بزهکاری به ما نمی‌دهد بلکه تصویری را می‌دهند که تهیه‌کنندگان آنها موفق به اخذ آن شده‌اند به همین جهت در جرم‌شناسی برای شناخت و برآورد رقم سیاه روشهای مختلفی وجود دارد.

ابتدا چند اصطلاح باید بررسی شود: اصطلاح بزهکاری توضیح داده شد سپس به بررسی اصطلاح بزهکاری ظاهری می‌پردازیم. (بزهکاری ظاهری، بزهکاری پلیسی).

## جرم‌شناسی ۱۴۴۱

به آن میزان از بزهکاری که توسط ضابطین قضایی عام و خاص کشف شده و مرتکبین آن دستگیر شده یا به وسیله دیگران از جمله خود بزه‌دیدگان به مقامات ضابط و پلیس اعلام شده بزهکار ظاهری گفته می‌شود. به عبارت دیگر همان‌طور که در بحث آیین دادرسی کیفری دیدیم معمولاً پلیس و دادگستری از دو طریق در جریان قرار می‌گیرند یا خود، جرایم را کشف می‌کنند یا مجنی‌علیه یا همسایه یا رهگذر... گزارش می‌دهند.

طبق تحقیقاتی که در اروپا شده اگر ما ۱۰۰ فقره جرم داشته باشیم، ۲۵٪ آن را پلیس کشف کرده و ۷۵٪ را مردم و مجنی‌علیه اطلاع می‌دهند. پلیس فقط جرایم مشهود را می‌تواند کشف کند و بدون همکاری جامعه مدنی و بدون اعتماد آحاد مردم نمی‌تواند جرایم را شناسایی و کشف کند. از همین روست که پلیس با مردم با مهربانی برخورد می‌کند (برای جلب اعتماد مردم چرا که چهره‌نگاری و... در اکثر موارد به کمک مردم ممکن است)

پس بزهکاری ظاهری (پلیسی) جرایمی است که پلیس کشف کرده یا جرایمی است که مردم اطلاع دادند.

بزهکاری پنهان (رقم سیاه) جرایمی که نه توسط پلیس کشف شده و نه گزارش شده و بنابراین اطلاعات مقام صالح راجع به آن صفر است. اما در ۵۰ سال اخیر جرم‌شناسان سعی کردند رقم سیاه را تا اندازه‌ای برآورد کنند، اما سوالی که مطرح می‌شود این است: چرا رقم سیاه وجود دارد؟ چرا بخشی از جرایم مخفی می‌ماند؟ علل وجود و استمرار رقم سیاه یا بخش تاریک بزهکاری هشت مورد است:

۱) بعضی از بزه‌دیدگان و قربانیان مستقیم جرم به دلایل عدم توانایی جسمانی یا به دلایل عدم استطاعت روانی یا شعوری (مختل المشاعر) ناتوان از اعلام و رجوع به پلیس هستند. مثلاً در مورد افراد کهنسال یا اشخاصی که مشکل شعوری دارند یا

## ۱۴۴۲ مباحثی در علوم جنایی

جرایمی که در محیط‌های خانوادگی رخ می‌دهد یا در خانه سالمندان رخ می‌دهد (به ویژه سالمندانی که کسی را ندارند).

نکته: بزه‌دیدگان (شاکیان) طبق ماده ۹ ق.آ.د کیفری تحت عنوان مدعی خصوصی آورده شده‌اند. مدعی خصوصی کسی است که از وقوع جرم متضرر شده و به دادگاه حقوقی می‌رود، اما همین فرد اگر به دادگاه کیفری برود شاکی محسوب می‌شود مدعی خصوصی در آ.د. مدنی است و قانونگذار بیهوده آن را در آ.د. کیفری آورده است.

۲) بزه‌دیدگان (شاکیان) به دستگاه قضایی و نیز به کارایی و موثر بودن پلیس اعتقادی ندارند و وقتی بین محاسن رجوع به پلیس و دستگاه قضایی و مشکلاتی که با رجوع و اعلام شکایت به آن نصیبشان می‌شود مقایسه انجام می‌دهند، از اعلام جرم صرف‌نظر می‌کنند (مزایا = استرداد مال، جبران خسارت، دستگیری مجرم و مجازات او. معایب: رفت و آمد به اداره پلیس، اقامه شهادت یا روبرو شدن با پلیس)

۳) شاکیان و بزه‌دیدگان از این وحشت دارند که در دستگاه پلیس با آنها بدرفتاری شود و از آنها در عمل چون مظنون و متهم سوال و تحقیق شود. بنابراین بدرفتاری احتمالی پلیس نسبت به شاکیان و رفتار مظنون گونه با آنها توسط ضابطین (عام و خاص) از این علل محسوب می‌شود.

ضابطین خاص مثل بسیج، زندانبانان در جرایم مربوط به زندان، پلیس پارک، حراست دانشگاه، وزارت اطلاعات در جرایم خاص، (در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تشخیص دهد) و مامورین گمرک.

وقتی می‌گوییم پلیس فقط نیروی انتظامی نیست بلکه ضابطین خاص هم در موارد لزوم دادگاه را تغذیه می‌کنند.

پلیس به دو دسته تقسیم می‌شود:

پلیس اداری و پلیس قضایی:

## جرم‌شناسی ۱۴۴۳

پلیس قضایی با وقوع جرم مسئولیتش شروع می‌شود ولی پلیس اداری برای جلوگیری از وقوع جرم است.

در قدیم پلیس قضایی، کمیسر پلیس و کاراگاه بود.

۴) بعضی از جرایم (مثل جرایم جنسی) به خاطر پیامدهای ناگوار که در سطح محل و خانواده برای بزه‌دیدگان دارد و از نظر معنوی مشکل ایجاد می‌کند معمولاً به مقامات صالح اعلام نمی‌شود.

۵) شاکی از بیم این که با اعلام شکایت دوستی را از دست می‌دهد یا خویشاوندی را نگران می‌کند و یا تردید دارد که مرتکب کیست از اعلام جرم صرف‌نظر می‌کند (ملاحظات دوستی ...).

۶) بیم انتقام‌جویی. در جرایم سازمان یافته این مساله بسیار مهم است. مثلاً شبکه‌ای که مرتکب قاچاق می‌شود: این شبکه با ارقام نجومی می‌تواند با کسانی که به عنوان مخبر سر و کار دارند هر کاری بکند. انتقام مافیا در ایتالیا مثال زدنی است. همچنانکه در جهت رفع این ایراد امروزه در کشورهای اروپایی و نیز در کنوانسیون‌های بین‌المللی (سازمان ملل) چند ماده اختصاص به حمایت از شهود داده شده یا حمایت از مطلعین یا بزه‌دیدگان ... داده شده است. مثلاً در کنوانسیون علیه جرم سازمان یافته فراملی (کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰) از آنجا که در جرمی مثل تطهیر درآمد های نامشروع یا قاچاق مواد یا جرم سازمان یافته ارقام بزرگی حاصل می‌شود، شهود از جان و مالشان در وحشتند. پیش‌بینی شده که اولاً شهادت بدون حضور در دادگاه یا از پشت پرده ممکن باشد (که این امر خلاف اصل است چون در امور کیفری، رسیدگی، ترافیعی است

اما در مورد شهود جرایم سازمان یافته یا جنایات بین‌المللی این امکان داده شده که بتوانند خارج از دادگاه و پشت پرده اعلام شهادت کنند و هویت خود را در دادگاه اعلام نکنند.

## ۱۴۴۴ مباحثی در علوم جنایی

برای مصون کردن شاهد، دولتها متعهد می‌شوند که عندالزوم هویت شناسنامه‌ای شهود و بزه‌دیدگان را عوض کنند. حتی در جنایات بین‌المللی پیش‌بینی شده که در صورت لزوم با عمل جراحی در سیمای شاهد تغییرات ایجاد شود و همه اینها در جهت جلب همکاری شهود و بزه‌دیدگان برای رفع بیم انتقام‌جویی است. البته ما چنین تاسیسی را در حقوق خود نداریم<sup>۱</sup>

۷) گذشت یا مسامحه و تساهل اجتماعی نسبت به آن جرم، به عبارت دیگر جامعه آن عمل را دیگر جرم تلقی نمی‌کند. مثال بارز در ایران حمل یا داشتن چند گرم تریاک یا گراس ... است. زیرا در جامعه ما به لحاظ بالا بودن آمار مصرف‌کنندگان مواد مخدر و بالا بودن تعداد معتادان (در کنار مصرف‌کنندگان تفنی)، معتاد بودن یا داشتن مواد در نظر مردم قبح کیفری ندارد (گرچه قبح اجتماعی دارد). به همین جهت در خیلی از کشورها مصرف مواد مخدر جرم‌زدایی شده ولی در عوض قانونمند شده است (معتادان کوپن داشته و حق دارند با دفترچه رجوع و به میزان مصرف مواد مخدر دریافت کنند و در این هنگام دیگر متهم نیستند).<sup>۱</sup>

پس بعضی تخلفات که از نظر قانونگذار کماکان قبح دارد، از منظر مردم قبحش از دست رفته است. این شامل مسایلی هم می‌شود که از نظر مردم از ابتدا جرم نبوده ولی قانون گذار آنها را جرم دانسته است (مانند قانون تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و واردکنندگان البسه دارای مارکهای منافی شئونات اسلامی سال ۶۴ که این قانون با واقعیات جامعه ما در حال حاضر بسیار منافات دارد). پس بعضی جرایم (در همه جای دنیا) علی‌رغم حفظ وصف مجرمانه با گذشت زمان قبح اجتماعیشان را از دست

۱- پایان‌نامه‌ای با همین موضوع و با عنوان «حمایت از شهود در اسناد بین‌المللی» در دانشگاه مفید توسط سرکار خانم مهدوی نگارش یافته است (اسفند ۱۳۸۳).

۲- در این خصوص رک: دکتر رحمدل (منصور)، اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران، جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.

می‌دهند. بنابراین بزه‌دیده یا مطلع، در اعلام آن نفعی نمی‌برد و حتی به اجرای آن کمک می‌کند و ما در این مورد رقم سیاه بسیار زیادی داریم.

۸) در بعضی محیط‌ها، محافل و نهادها مرتکب بعضی جرایم صاحب ارج و قرب می‌شود و ارتکاب بعضی جرایم با تساهل و گذشت آن محیط رو به رو می‌شود، به یکسری از این جرایم، «بزهکاری یقه‌سفیدها» می‌گویند. در محیط‌های سرمایه‌داری و شرکتها و... تقلب مالیاتی (فرار از پرداخت مالیات نه تنها از نظر آنان جرم نیست بلکه نشانه‌ای از موفقیت است) یا معاملات کلان همراه با ارتشا جرم نیست. برای خیلی از موسسات پرداخت چند در صد از قرارداد به متولیان آن موسسه توفیق است. یعنی پرداخت کننده می‌داند که مرتکب جرم شده اما این را از لوازم کار می‌داند یا مثلاً رابطه دختر و پسر خارج از علقه زوجیت با تساهل روبرو می‌شود.

در یک مقایسه میان دلیل هفتم و هشتم باید گفت دلیل هفتم در سطح جامعه است. ولی دلیل هشتم در سطح محیط‌های خاص است. به این ترتیب رقم سیاه به این دلایل هشتگانه، آفت یا ایراد عمده آمار جنایی است. رقم سیاه دسترسی ما را نسبت به بزهکاری واقعی ناممکن می‌سازد.

بزهکاری واقعی عبارتست از کل بزهکاری ظاهری به علاوه رقم سیاه.

این رقم سیاه در واقع در عین حال بستگی به ماهیت و نوع جرایم دارد. به عبارت دیگر رقم سیاه در مورد همه جرایم یکسان نیست. مثلاً در جرایم جنسی، جرم‌های بدون بزه‌دیده (ارتشا)، و در جرایمی که بزه‌دیده یک امر و ارزش اعتباری است رقم سیاه نسبتاً بالاست. اما در جرایمی چون قتل و ضرب و جرح رقم سیاه پایین است. بنابراین رقم سیاه تا اندازه‌ای تابعی است از نوع جرم.

از سوی دیگر رقم سیاه تابعی است از کارایی تقوی و احساس مسئولیت خود

پلیس (ضابطین عام و خاص) معمولاً  $\frac{1}{4}$  جرایم را پلیس در اقدام کنشی کشف می‌کند و ۷۵ درصد را در اقدام واکنشی نسبت به گزارش بزه‌دیده کشف می‌کند. اگر در مورد

$\frac{1}{4}$  پلیس فعالیت بیشتری کند بدیهی است رقم سیاه در جرایم مشهود پایین می‌آید. بنابراین به نظر می‌آید پلیس در مقابله با رقم سیاه و پایین آوردن آن نقش موثری دارد. از سوی دیگر اگر پلیس خاطره مثبتی در ذهن مردم داشته باشد مردم بهتر مشکلات خود را اعلام می‌کنند. در ژاپن پلیس آن قدر به مردم نزدیک است (در عین کارایی بالا) که خانواده‌ها فرزندان خود را اگر کار داشته باشند به کلانتری می‌سپارند. پلیس این کار را می‌کند تا تصویر خوشی به مردم دهد و مردم از او تصور خوبی داشته باشند تا در صورت نیاز پلیس، مردم با آن همکاری کنند. پس پلیس هم می‌تواند مدنی و متمدن و هم کارا باشد<sup>۱</sup>.

اما بازوی دیگر نظام کیفری دستگاه قضایی است. به این ترتیب دستگاه قضایی هم به سهم خود آمار جنایی در اختیار ما قرار می‌دهد که موسوم به آمار بزهکاری قضایی (قانونی) می‌باشد. بنابراین مجموعه جرایمی که در مراجع قضایی ذیصلاح رسیدگی و منجر به صدور حکم محکومیت می‌شود بزهکاری قضایی (قانونی) را تشکیل می‌دهد.

ناگفته پیداست که بزهکاری قضایی با بزهکاری ظاهری (پلیسی) متفاوت است. زیرا همه پرونده‌ها که به دادگاه فرستاده می‌شود، منجر به صدور محکومیت نمی‌گردد و همه پرونده‌هایی که به دادسرا می‌رود منجر به صدور کیفر خواست نمی‌شود. تعدادی از پرونده‌ها با صلح و سازش در دادسرا بایگانی می‌شود. براساس ماده ۱۹۵ ق.آ.د کیفری دادگاه‌ها مکلفند در جرایم قابل گذشت قبل از رسیدگی قضایی برای اصلاح ذات‌البین اقدام کنند، این گونه جرایم دیگر در آمار بزهکاری قانونی منعکس نیست.

۱- در همین زمینه، قرار است همایشی بین‌المللی با عنوان «پلیس و شهروند» در سال ۲۰۰۵ میلادی در کشور کانادا برگزار گردد.



## جرم‌شناسی ۱۴۴۷

در بزهکاری قضایی آمار دیگری هم داریم. در کنار آمار محکومیتها، آمار قرارهای تأمین، محکومتیه‌های تعلیقی، آمار موارد صلح و سازش و آمار برائت را داریم که تماماً در آمار دادگستری در اختیار ما قرار داده می‌شود. ولی بزهکاری قانونی (قضایی) فقط به احکام محکومیت کیفری گفته می‌شود (که موضوعش مجازات است) که تنها به جرم و به مجرمین می‌پردازد.

در کشور ما وقتی صحبت از بزهکاری قضایی (قانونی) می‌شود مراد ما کلیه محکومیت‌های کیفری است که از یکسو دادگاه‌های عمومی جزایی و از دیگر سو دادگاه انقلاب، روحانیت، سازمان تعزیرات، دادگاه نظامی و اخیراً شورای حل اختلاف در مقام رسیدگی صادر می‌کنند. پس آمار قضایی شامل مجموعه محکومیت‌های کیفری می‌شود که توسط مراجع قضایی و غیرقضایی صالح صادر شده است.

اما در آمار جنایی یک گروه دیگر هم داریم و آن آمار سازمان زندانهاست.

این آمار از دو جهت قابل بررسی است:

(۱) آمار تعداد بازداشتیها (متهمین)

(۲) آمار تعداد محکومین به حبس

بدیهی است به افرادی که در داخل زندان چه به عنوان متهم چه به عنوان محکوم اقامت دارند، اصطلاحاً جمعیت کیفری گفته می‌شود (همه کسانی که در داخل زندان هستند).

ما راجع به آمار در مرحله پلیس، دادگاه و اجرای مجازاتها صحبت کردیم و نوبت به آمار زندانها می‌رسد که در زندانها چند دسته مجرم نگهداری می‌شوند: کسانی در انتظار اجرای مجازات (محکومین به اعدام و...) هستند، آنها که به خاطر عدم پرداخت جریمه (به ازای هر روز ۱۰ هزار تومان) در زندان هستند، آنها که در اجرای ماده ۶۹۶ و نشر قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در زندان هستند، به عبارت

## ۱۴۴۸ مباحثی در علوم جنایی

دیگر در مورد کسانی که به دیه محکوم شده‌اند یا باید عین مال را بپردازند که این بازداشت در زبان حقوق کیفری "اجبار جسمانی" یا "اجبار تنی" گفته می‌شود. این تأسیس از حقوق فرانسه گرفته شده است. در آنجا کسانی که جریمه نقدی خود را نمی‌پردازند قاضی دادگاه می‌تواند آنها را از ۳ روز تا حداکثر ۴ روز حبس کند (پس هم کف دارد و هم سقف) که این کار آنها را مجبور می‌کند که بدهند و این جزء مدت زندانشان محسوب نمی‌شود و بازداشت، حبس یا قرار تأمین نیست. منتها در حقوق ما ماده ۶۹۶ کف و سقف ندارد و فرد را تا "یوم الاداء" در زندان نگه می‌دارند. ایرادات این ماده عبارتند از:

۱- به موجب ماده ۱۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حبس افراد به لحاظ عدم انجام تعهدات قراردادی (مثل عدم پرداخت بدهی)، خلاف حقوق بشر است. یعنی بابت بدهی مادی فرد را نباید بازداشت کرد. (نباید فرد را موضوع اقدامات کیفری قرار داد) از سوی دیگر سقف و کف هم ندارد.

۲- ایراد دیگر این است که دیه یک نوع خسارت است نه مجازات. زیرا مجازات به نفع جامعه است ولی دیه به نفع شاکی و مجنی‌علیه است. چگونه است که برای اجرای دیه که یک خسارت خصوصی است از مجازات عمومی (حبس) استفاده می‌کنیم؟ این هم ایراد دوم است.

و البته طبق تبصره ماده ۶۹۶ محکوم‌علیه می‌تواند ادعای اعسار کند. اما این ادعای اعسار مانع از حبس او نیست. بدین ترتیب، بر او دو مجازات تحمیل می‌شود<sup>۱</sup>. زیرا هر مقدار هم در حبس بماند از مقدار دیه کاسته نخواهد شد.

بنابراین در زندان ۵ گروه وجود دارند که فقط دو گروهشان محکوم به حبس هستند.

---

۱- بر اساس رای وحدت رویه‌ای که اخیراً صادر شده است تقدیم دادخواست اعسار محدود به موردی که فرد در حال تحمل حبس است نمی‌شود.

## جرم‌شناسی ۱۴۴۹

بنابراین آمار جمعیت کیفری آمار مجرمینی است که به نوعی سرانجامشان به حبس ختم شده اما آمار زندانها آمار همه مجرمین نیست، چون در کنار مجازات حبس مجازات شلاق، قطع اعضا و... داریم که همه اینها پس از مجازات آزاد می‌شوند و در آمار زندانها گنجانده نمی‌شود. آمار زندانها از نظر جرم‌شناسی از چند جهت جالب است

(۱) از نظری برآورد نرخ حبس به عنوان مجازات (میزان علاقه‌ای که قضات به کیفر حبس نشان می‌دهند)

ماده ۲۲ به قضات اجازه داده که در مجازاتهای تعزیری بتوانند مجازاتها را تخفیف دهند یا تبدیل به شلاق کنند این موضوع میزان علاقه و اعتقاد قضات به حبس را نشان می‌دهد.

(۲) آمار زندانها به ما اجازه می‌دهد بدانیم چند درصد محکومین به حبس برای بار دوم یا سوم محکوم شده‌اند.

(۳) از طرف دیگر جمعیت کیفری به ما اجازه می‌دهد تا برنامه اصلاح و درمان را نسبت به آنها اعمال کنیم و آثار آن را در زمان نسبت به آنها ارزیابی کنیم که تا چه اندازه اقامت در زندان منجر به تنبیه یا اصلاح و درمان شده است.

(۴) از طرف دیگر آمار زندانها به ما اجازه می‌دهد نرخ محکومین به طور کلی و محکومین خطرناک به طور اخص چقدر است. چون مجازات حبس در مواردی غیرقابل تبدیل به کیفر نقدی یا تخفیف است. مجازاتی که حداقلش زیر ۹۱ روز است یا حداکثر ۹۱ روز است قابل تبدیل است.

نتیجه آن که آمار جمعیت کیفری، آمار مجرمین نیست و این بیشتر نرخ علاقه قضات به مجازات حبس را نشان می‌دهد.

## ۱۴۵۰ مباحثی در علوم جنایی

### روش‌های برآورد رقم سیاه بزهکاری

اهمیت بحث این است که مسئولین و سیاستگذاران چنانچه به این رقم اشراف نیابند ممکن است نتوانند تجهیزات لازم برای مبارزه با جرم را فراهم آورند (مثل کوه یخی که بیشرش زیر آب است) برای این امر سه روش وجود دارد:

(۱) روش اول پرس و جو از بزهکاران است.

(۲) روش دوم پرس و جو از افراد به عنوان بزه‌دیده است.

(۳) روش سوم روش گفتگو و مصاحبه با محکومین است.

در روش اول به ترتیب از تعدادی پرسش شونده به عنوان بزهکار و بزه‌دیده سوال و جواب می‌کنیم (بزهکار و بزه‌دیده فرضی) که از پیشینه کیفریشان اطلاعی نداریم ولی در روش سوم از محکومین (که پیشینه کیفریشان را می‌دانیم) سوال می‌کنیم. پس در ۲ روش اول بزهکار و بزه‌دیده ما فرضی است ولی در روش سوم، محقق می‌داند که آن شخص محکوم شده است.

### روش اول

بزهکاران خود گزارش (بزهکاری خود گزارشی) self report studies

در این روش فرد به صورت خود جوش در پاسخ به سوالات محقق جواب می‌دهد.

(۱) این پرسشنامه بی‌نام است و هیچ خطری برای پاسخ‌دهنده ندارد.

(۲) باتوجه به موضوع موردنظر محقق لیستی از جرایم را در پرسشنامه قید می‌کند از پرسش شونده‌گان خواسته می‌شود چنانچه در مدت موردنظر محقق، مرتکب آن جرایم شده‌اند، بگویند مشروط به آن که جرایم به اطلاع پلیس نرسیده باشد و آن جرایم توسط پلیس تعقیب نشده باشد.

این پرسش‌نامه که باتوجه به نمونه برداری تهیه شده در نهایت می‌تواند تصویری

راجع به رقم سیاه جرایم در محل معین را به ما بدهد. این روش در سال ۱۹۷۴

## جرم‌شناسی ۱۴۵۱

میلاادی در آمریکا انجام شد. عنوان پروژه عبارت بود از قانون‌گرایان law abiding (ملترمین قانون) و قانون‌گریزان lawbreaking (ناقضین قانون)

این تحقیق بر روی ۲۰۰۰ نفر انجام شد که ۱۷۱۸ نفر به آن پاسخ دادند که شامل ۱۰۲۰ مرد و ۶۹۸ زن بود که از نظر حقوق جزا تابعین حقوق کیفر بودند. تعداد جرایمی که در لیست قید شد مدل ۴۹ جرم بود. این تحقیق نشان داد که ۹۱ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که حداقل یکی از جرایم مندرج در لیست را در دوره موردنظر مرتکب شدند و این جرم به مراجع منعکس نشده و اگر این جرم تعقیب می‌شد مجازاتش حتماً حبس بود (جنحه - خلاف) چنین تحقیقی در کبک ایالت فرانسوی زبان کانادا انجام شد. از سال ۱۹۶۷ پانزده پرس و جو به ویژه در مورد صغار بزهکار راجع به بزهکاری مخفی اطفال انجام شد. این روش در مورد اطفال بزهکار و صغار بیشتر جواب داد. این تحقیق نشان داده که از این پاسخ‌دهندگان که مسئولیت کیفریشان نقصان یافته است ۹۲/۸ درصد لاقول یک جرم از جرایم مندرج در لیست را انجام دادند و شناسایی نشدند.

این تحقیقات نشان داده است که اولاً همه افرادی که به بی‌گناهی مشهور هستند در بین آنها ممکن است بزهکار نیز وجود داشته باشد، و چه بسا بین محکومین، افراد بی‌گناهی وجود دارند که به خاطر اشتباه قضایی جزء محکوم شدگان می‌باشند. همین‌طور افرادی که به عنوان غیرمجرم قلمداد می‌شوند، عده‌ای از آنها به خاطر قصور پلیس یا زرنگی خودشان تعقیب نشده باشند. در واقع این تحقیق نسبی بودن بزهکاری را نشان می‌دهد اما ایراد این روش این است که پرسش‌شوندگان از این که به عنوان بزهکار فرضی به پرسش پاسخ دهند اکراه دارند. از نظر روانی انسان حتی اگر مطمئن باشد که تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد باز هم در این مورد، اکراه دارد. البته برای این که این روش جواب دهد، پرسش‌شوندگان برای نمونه موردنظر خود، کلاسی توجیهی می‌گذارند و به آنها حقوق یاد می‌دهند مثلاً سرقت چیست و ... و

## ۱۴۵۲ مباحثی در علوم جنایی

آنها را مطمئن می‌کنند که این کار را برای پیشرفت علم است اما به هر حال روش اول مشکل دارد.

### روش دوم

عبارتست از تحقیقات راجع به بزه‌دیدگی «criminal victimisation surveyes» در روش اول ما راجع به بزهکاری فرضی افراد سوال می‌کنیم ولی در این روش راجع به بزه‌دیدگی افراد سوال می‌شود.

همه جرایم یک بزه‌دیده دارند ولی ممکن است در همه جرایم بزه‌دیده حقیقی (مثل ارتشاء و زنا و ... یعنی جرایمی که هر دو طرف جرم تعقیب می‌شوند) وجود نداشته باشد.

این روش فقط در رابطه با جرایمی کاربرد دارد که بزه‌دیده حقیقی داشته باشد وگرنه در مورد ارتشاء چگونه از بزه‌دیده پرس و جو کنیم؟!

در روش اول می‌توانیم راجع به همه جرایم پژوهش کنیم. حسن روش دوم در این است که معمولاً پرس و جو از پرسش‌شوندگان به عنوان بزه‌دیده، مظلوم و قربانی با استقبال آنان روبرو می‌شود و پاسخ‌ها صادقانه‌تر، و بیشتر قرین به صحت هستند.

در روش اول در نظامهایی که اشخاص حقوقی را به عنوان بزهکار جرم می‌شناسند چنین تحقیقی (روش اول) انجام‌پذیر نیست. چون اشخاص حقوقی جاندار نیستند و اعتباری نیستند. بنابراین نکته مهم این است که روش اول هم قابل تسری به همه نیست.

در این روشها از بزه‌دیدگان مستقیم جرایم سوال می‌کنیم؛ نه کسانی که از جرم به طور مستقیم متضرر شدند بلکه آنها که جرم را مستقیم تجربه کردند.

در این روش هم دو مطلب را دنبال می‌کنیم:

۱- آنها که در دوره‌ای خاص بزه‌دیده جرایم شدند ولی مراتب بزه‌دیدگی خود را اعلام نکردند.

## جرم‌شناسی ۱۴۵۳

۲) علت این که آن جرم یا بزه‌دیدگی به مراجع صالح اعلام نشده نیز باید قید شود.

از جمله جرایمی که با این روش در مقام برآورد رقم سیاه آن بودند خشونت‌های خانگی - خانوادگی است (خشونت درون خانوادگی یا خشونت خانگی Domestic violence)

معمولاً در این جرایم به ویژه در کشور ما خیلی از این اعمال گزارش نمی‌شود. این قبیل اعمال اگرچه جرم هستند اما معمولاً بزه‌دیدگان (زنان و فرزندان) از اعلام آن اکراه دارند. این تحقیق در غرب تحت تاثیر جنبش‌های فمینیستی بسیار انجام شده است. تحقیقی در سال ۱۹۹۳ در کانادا تحت عنوان خشونت‌های زناشویی انجام شد.

عده‌ای پژوهشگر از طریق تلفن با تعدادی زن تماس می‌گیرند، موضوع تحقیق خود را بیان داشته و سپس تلفن خود را به آنها اعلام می‌کند که در صورتی که مایل باشند در زمان موردنظر خود با این تلفن‌ها رایگان و گمنام تماس بگیرند. این تحقیق در ده ایالت کانادا انجام شده و پژوهشگران موفق شدند پاسخ ۱۲۳۰۰ زن و دختر ۱۸ سال به بالا را دریافت کنند. سوال این بود که آیا از سن ۱۶ سال به بالا توسط شریکشان کتک خوردند و مورد خشونت خانوادگی واقع شدند؟ در کل این نمونه، ۲۹ درصد که با کسی زندگی می‌کردند اظهار داشتند که لاقلاً در طول زندگی‌شان با آن مرد موردخشونت فیزیکی یا جنسی قرار گرفتند و در بین آنها برخی اعلام کردند که بیش از یک بار مجنی علیه قرار گرفتند و فقط ۲۶ درصد اظهار داشتند که مراتب خشونت‌دیدگی را به پلیس اعلام کردند و ۷۴ درصد اعلام نکردند!

۱- برای اطلاع بیشتر در خصوص بزه‌دیدگی زنان به کتب ذیل رک:

۱- خشونت خانوادگی، زنان کتک‌خورده/ زهرا آیت‌اللهی/ انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی ایران/ ۱۳۸۱.

۲- خشونت علیه زنان/ ابوالقاسم پوررضا/ نشر اندیشمند ۱۳۸۱.

## ۱۴۵۴ مباحثی در علوم جنایی

دلایل مراتب اعلام خشونت دیدگی خانوادگی:

عده‌ای به خاطر این که اطفالشان حاضر در صحنه بودند (پس اطفال اعلام کردند)، عده‌ای دیگر به خاطر این که با اسلحه گرم تهدید شدند. عده‌ای دیگر اظهار داشتند که بیش از ۱۰ بار کتک خوردند و درمورد تعدادی از آنها پلیس موفق شده از طریق همسایگان و دوستان پی به جرم ببرد و به عنوان نماینده حکومت وارد عمل شود. در بین اینها کلاً ۲۸ درصد تا مرحله دادگاه و صدور حکم پیشروی کردند. بنابراین عده زیادی در میان کار منصرف شدند.

۳- زنان کتک‌خورده، روانشناسی خشونت در خانواده/ ترجمه مهدی قرچه‌داغی/ انتشارات علمی ۱۳۷۷.

۴- خشونت علیه زنان/ شهرام رفیعی‌فر/ نشر تندیس ۱۳۸۰.

۵- جنگ علیه زنان/ فرنج مارلین ترجمه توران دخت تمدنی/ نشر علمی ۱۳۷۳.

۶- حمایت از زنان در برابر خشونت (سیاست جنایی انگلستان)/ مهدی معتمدی مهر/ نشر برگ زیتون ۱۳۸۰.

۷- حمایت کیفی در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان/ فاطمه قناد/ نشر پیک ایران ۱۳۷۷. بقیه در صفحه بعد

۸- قاچاق زنان/ مهناز اسدی/ نشر اندیشه برتر ۱۳۸۰.

۹- تجارت زنان و دختران/ ایرج تبریزی/ نشر معاصر ۱۳۷۸.

۱۰- تجارت شیطانی/ ایرج تبریزی/ نشر کیهان ۱۳۷۹.

۱۱- نظریه جدید درباره برابری زن و مرد در قصاص/ عباسعلی محمدی/ تهران انتشارات بهشت ۱۳۶۵.

۱۲- بررسی خشونت علیه زنان در قوانین ایران/ مهرانگیز کار/ حبس دوم تهران/ نشر توسعه/ اسفند ۱۳۷۷.

۱۳- خشونت علیه زنان/ ترجمه شهرام رفیعی‌فر، سعید پارس‌نیا/ تهران/ نشر تندیس ۱۳۸۰.

۱۴- خشونت خانوادگی بر زنان کتک‌خورده/ شهلا اعزازی/ تهران/ انتشارات سالی ۱۳۸۰.

۱۵- زندانیان نفرت، احساس و پایه خشم و دشمنی ویرانگری و ریشه‌های روانی آدمکشی، همسرآزاری و کودک‌آزاری/ بک آرون/ ترجمه حسینعلی رونقی/ نشر چشمه‌ساز ۱۳۸۰.

دلایل عدم اعلام خشونت‌دیدگی:

۱) عملی که انجام داده بودند به نظر آنها خیلی مهم نبود (اگرچه جرم بوده).  
اصولاً در ۲ مقوله قانونگذار در هنگام تعریف جرایم تعریف باز ارائه می‌دهد:  
کودک آزاری و همسرآزاری، (در مقام حمایت از کرامت زن و کودک) البته این خلاف قاعده است چون قانونگذار باید تعاریف دقیق بیاورد که دست پلیس در تعقیب خودسرانه بسته باشد اما در این ۲ مقوله استثنائاً قانونگذار دست اینها را باز می‌گذارد!

۲) نمی‌خواستند این پرونده افشا شود.

۳) اعلام کردند نیازی به کمک نداشتند.

۴) مایل نبودند سر و کارشان با پلیس و دادگاه بیفتد.

۵) از انتقام شوهر و بستگانش وحشت داشتند.

۶) اعتماد کافی به پلیس نداشتند.

۷) از بازگو کردن مراتب بزه‌دیدگی خود شرم داشتند.

۸) مایل نبودند که همسرشان دستگیر و محکوم شود.

پس در جرایم خانگی و خانوادگی رقم سیاه بالقوه بالاست. بنابراین مسئولین یک کشور نمی‌توانند اعلام کنند (به صرف آمار رسمی) که جرایم کم است.

برای تکمیل این ۲ روش، روش سومی ابداع شد. معمولاً روشهای قبلی چون هزینه بر و زمانبر بودند در کشورهای آمریکای شمالی استفاده می‌شوند.

ایراد این روش این است که اگرچه این تحقیقات بطور ناشناس از افراد صورت می‌گیرد، ولی با توجه به اینکه در طرف مردم بزه دیدگی مساوی با مظلومیت و در

نتیجه ترحم است، ممکن است فرد برای مظلوم نمایی و جلب ترحم دیگران به طور غیر واقع خود را بزه دیده معرفی کند.

### روش سوم

این روش روش مصاحبه است. در ۲ روش قبلی پرسش شونده از طریق پرسش‌نامه مکتوب جواب می‌دهد بنابراین اگرچه قبل از آغاز تحقیق پرسش شونده نسبت به اهداف تحقیق توجیه می‌شوند ولی باز ممکن است عده‌ای واقعیت را اعلام نکنند.

روش سوم این بار پژوهشگر را درمقابل مجرم قرار می‌دهد. بنابراین می‌تواند صحت و سقم مطالب را از رفتار متهم استنباط کند. در این تحقیق افراد مورد مصاحبه دارای سابقه محکومیت رسمی و شناخته شده‌اند اما این بار طی مصاحبه پرسش‌کننده از آنها می‌خواهند که آیا در تاریخ موردنظر فعالیتهای مجرمانه‌ای داشتند که اعلام نشده است. بنابراین در روش سوم سابقه محکومیت مشخص است لیکن پژوهشگر در مقام شناسایی رقم سیاهی است که مرتکب شده اند لکن تعقیب نشده‌اند.

این روش راجع به بزهکاری اطفال در کانادا اجرا شد و نشان داد که ۶۴٪ نوجوان مورد تحقیق که در دادگاه محکوم شده‌اند در دوره موردنظر بیش از ۴۰٪ جرم مرتکب ولی فقط برای یک جرم تعقیب شدند.

به علاوه ۱۷ درصد از این ۶۴٪ مجرم، اقرار کردند که بیش از ۱۰۰ جرم انجام دادند که یکی از آنها کشف شده است؛ این تحقیق چند پیام دارد:

یک پیام بسیار مهم این است که معمولاً اقلیتی از مجرمین، اکثریتی از جرایم را مرتکب می‌شوند. این در باب صغار بزهکار کاملاً واضح است پس می‌توان گفت ارتکاب جرم در بزهکاری اطفال در دست عده‌ای منحصر است و بقیه اطفال به طور پراکنده مرتکب جرم می‌شوند.

۱- در این زمینه رک: دکتر معظمی (شهلا)، حمایت از زنان در برابر خشونت‌های خانگی، فصلنامه

## فواید و آثار مثبت این روشها

- ۱) به تعداد و نوع جرایم ارتكابی پی می‌بریم (رقم بزهکاری واقعی تا اندازه‌ای بر ما روشن می‌شود).
- ۲) تعداد واقعی جرایم ارتكابی علیه پاسخ‌دهندگان روشن می‌شود.
- ۳) خصوصیات اجتماعی و جمعیتی مثل سن، جنس، شغل مشخص می‌شود. و به این ترتیب پی می‌بریم نوعاً چه اشخاصی با چه سن و شغل و جنسی بزه‌دیده آن جرم هستند. در واقع عوامل بزه‌دیدگی مشخص می‌شود.
- ۴) گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر آن جرم مشخص می‌شود.
- ۵) دلایل اعلام یا افشا و برعکس عدم اعلام جرم بر ما مشخص می‌شود.
- ۶) نوسانات زمانی و مکانی جرم برای ما مشخص می‌شود. مثلاً متوجه می‌شویم در تهران پارکها بیشتر محل وقوع جرم است یا سرشب بیشتر جرم رخ می‌دهد.
- ۷) نوسانات مربوط به انواع جرم مشخص می‌شود. یعنی چه جرایمی بیشتر جزء رقم سیاه باقی می‌ماند یا اعلام چه جرایمی بیشتر می‌شود.
- ۸) ماهیت روابط بین بزهکار و بزه‌دیده (رابطه‌های سببی، نسبی، کاری، دوستی، همسایگی و...) مشخص می‌شود.
- ۹) نقش و تاثیر عوامل خارجی مانند مصرف الكل یا مواد مخدر در بزهکاری یا بزه‌دیدگی تعیین می‌شود. تاثیر مستی، داروهای روانگردان و...
- ۱۰) رفتار مجنی علیه در برابر تهدید به جرم ارزیابی می‌شود. برخی تهدید را جدی نمی‌گیرند ولی برخی دیگر به محض تهدید به مراجع ذیصلاح اطلاع می‌دهند. ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی مصوب سال ۱۳۳۹ صرف تهدید را جرم ندانسته است، اما تهدید بر ارتكاب جرم در قانون مجازات اسلامی در قسمت تعزیرات جرم شناخته شده است. در هنگام تصویب این قانون (۱۳۳۹) تهدید به جرم مجازات نداشته بلکه مشمول اقدامات تأمینی قرار می‌گرفته است. به خصوص اگر تهدید کننده

سابقه کیفری جنحه یا جنایات داشته باشد. اقدامات تأمینی ناظر به آینده است و ناظر به ختنی کردن حالت خطرناک. در حال حاضر ماده ۱۴ ق.ا.ت اعتبار ندارد چراکه با تقنین جدید تهدید به جرم، جرم محسوب شده است. بنابراین فایده روش ما باز خورد شخص نسبت به جرم است.

فایده دیگر بررسی رفتار مجنی علیه و واکنشهایش نسبت به جرم است، یعنی تحمل افراد و آستانه تحمل آنها را نشان می‌دهد.

فایده دیگر بررسی اقداماتی که مجنی علیه برای تعقیب جرم انجام می‌دهد این است که آیا وکیل می‌گیرد یا از خویشانش کمک می‌گیرد آیا مصر به تعقیب است یا در چارچوب عدالت به اصلاح ذات‌البین رضایت می‌دهد.

فایده دیگر دانستن اینکه بزهکاران وقتی به دادگاه و مراجع قضایی شکایت نمی‌کنند تا چه حد از سایر نهادها کمک می‌گیرند و به طور کلی آثار اجتماعی بزهکاری و بزه‌دیدگی برای افراد مشخص می‌گردد.

به عنوان مثال در جرم کلاهبرداری آنها که قربانی می‌شدند گاه آن قدر ساده لوح هستند که اگر مراتب زیان دیدگی آنها اعلام شود آبروی آنها نزد خانواده‌شان از بین می‌رود.

می‌توان به عنوان نتیجه‌گیری از بحث گفت:

آمار جنایی به طور کلی وسیله‌ای برای انجام تحقیقات در جرم‌شناسی است که روش کمی است و به ما اجازه می‌دهد پدیده مجرمانه را به صورت کلی بشناسیم و به قربانیان جرم هم پی ببریم. آمار جنایی عبارتست از استفاده از روشهای ریاضی در به دست آوردن محکومیت‌های کیفری، جرایم کشف شده و آمار محکومین در زندانها.

البته با این روش‌ها نمی‌توان آمار دقیق به دست آورد. پس به روشهای کیفی احتیاج داریم که پژوهشگر بتواند در تماس با بزهکار به ماهیت آنها پی ببرد. به منظور

پی بردن به ماهیت، نوع جرایم و نحوه برخورد دستگاه قضایی استفاده از روشهای کیفی برای شناسایی بزهکاران ضروری است.

### شناخت بزهکاران

در روش کمی فعالیت ما بیشتر معطوف به شناخت بزهکاری است، مثلاً تعداد سرقت‌های ارتكابی، تعداد سرقت‌های منجر به صدور حکم محکومیت، تعداد زندانیان مرتبط با سرقت و... اما این آمار اطلاعاتی را که برای تفسیر آن لازم است در اختیار جرم‌شناس قرار نمی‌دهد. چراکه آمار راجع به نوع جرم، جنسیت مرتکب، میزان مجازات و... است. ولی در رابطه با موضوعاتی چون رابطه‌ی مرتکب با مجنی‌علیه، پیشینه تحصیلی مرتکب، دفعات ارتكاب جرم توسط مرتکب و کلاً آن اطلاعاتی که در پرونده شخصیتی متهم لحاظ شود چیزی به دست نمی‌دهد. به همین علت در جرم‌شناسی در کنار بررسی آماری یک سلسله پرس و جوها و تحقیقات کیفی صورت می‌گیرد. به این ترتیب که پژوهشگر رودرروی مجرم یا متهم قرار می‌گیرد و از او سوال می‌کند؛ پرونده خانوادگی مجرم را مطالعه می‌کند و به کسب اطلاعات کیفی می‌پردازد.

روش‌های کیفی کسب اطلاعات عبارتند از:

۱- مطالعات موردی (case study)

۲- روش مصاحبه (interview)

۳- روش مطالعه پی‌گیر در زمان (follow up studies)

۴- مشاهده و مطالعه (observation)

۵- تحلیل محتوای رأی (یا قانون) یا رویه قضایی

### ۱- مطالعه موردی (case study)

در این روش جرم‌شناس به دنبال شناسایی خصایص ذاتی و اکتسابی شخصیت مجرم یا مجرمین است. خصایص ذاتی که در ادامه مفصلاً به آن خواهیم پرداخت عبارتند از

### ۱۴۶۰ مباحثی در علوم جنایی

خصوصیاتی که یک فرد از بدو تولد دارد مثل جنس، نژاد، رنگ و پوست و... بررسی خصایص ذاتی از این جهت اهمیت دارد که ممکن است به عنوان عاملی در تسهیل ارتكاب جرم توسط فرد یا آماده سازی فرد برای ارتكاب جرم، عمل کند.

علاوه بر خصوصیات ذاتی احتیاج به کسب اطلاعاتی پیرامون شخص مجرم ضروری است. مثلاً اطلاعاتی راجع به شرایط زندگی، شغلی و موقعیتی که مجرم در آن مرتکب جرم شده است. به طور کلی جرم‌شناس اوضاع و احوالی را بررسی می‌کند که در گذار فرد از اندیشه‌ی ارتكاب جرم به عمل و فعلیت بخشی به اندیشه‌ی مجرمانه نقش دارد. این اطلاعات و تحقیقات در پرونده‌ی کیفی وجود ندارد و قاضی کیفری هم در صدور رأی بدان توجهی ندارد. بنابراین جرم‌شناس باید شخصاً از طریق تماس با مجرم و مطالعه‌ی پرونده‌ی قضایی او به کسب این اطلاعات نایل آید. این اطلاعات شامل انگیزه‌های فرد مجرم و تأثیرات عوامل و حالاتی که وی در جریان آمیزش با جامعه می‌پذیرد و به واسطه‌ی آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شود، می‌باشد.

### ۲- روش مصاحبه (interview)

مصاحبه به دو طریق کتبی و شفاهی صورت می‌گیرد. ویژگی مثبت مصاحبه‌ی شفاهی این است که پژوهشگر را رودرروی مجرم قرار می‌دهد. ولی ایراد عمده‌ی آن زمان بر بودن آن است. چراکه پژوهشگر مجبور است با تک تک مجرمین صحبت کند. در روش مصاحبه‌ی کتبی از طریق تهیه پرسشنامه باید با تک تک مجرمین صحبت کرد و آنها را نسبت به نحوه‌ی کار توجیه کرد. این امر برای پژوهشگر مسیر نیست بنابراین وی از دستیاران پژوهش استفاده می‌کند.

ولی ایراد این کار این است که دستیاران پژوهش ممکن است دغدغه‌ی پژوهشگر را رعایت نکنند و به نکاتی که ممکن است خود پژوهشگر در صحبت با مجرمین به آنها دست یابند، نرسند. پژوهشگر در روش مصاحبه‌ی شفاهی ممکن است به نکاتی

## جرم‌شناسی ۱۴۶۱

دست یابند که در پرسش نامه‌های کتبی منعکس نشود. در مجموع ایراد عمده‌ی روش مصاحبه وقت‌گیر بودن آن است.

مصاحبه دو حالت کلی دارد:

۱- مصاحبه‌ی بسته (محدود)

۲- مصاحبه‌ی باز (نامحدود)

در روش مصاحبه‌ی بسته، موضوع و سئوالات مصاحبه مشخص است و پژوهشگر و مصاحبه‌شونده از محدوده‌ی سئوالات مطلعند و کار در همان محدوده‌ی از پیش تعیین شده به پیش می‌رود.

در روش مصاحبه‌ی باز، پژوهشگر دغدغه‌ی اصلی خود را برای مصاحبه‌شونده تبیین می‌کند و سپس از مصاحبه‌شونده می‌خواهد که صحبت کند. ممکن است مصاحبه‌شونده ساعت‌ها صحبت کند ولی مجموعاً ۴۰ درصد سخنان او به کار پژوهشگر مربوط باشد، ولی مزیت آن در این است که مصاحبه‌شونده در خلال گفته‌هایش اطلاعاتی را به پژوهشگر می‌دهد که در تأویل و تفسیر علل وقوع جرم مفید واقع می‌شود. معمولاً در روش مصاحبه‌ی باز پژوهشگر با طرح یک سؤال منفی، مصاحبه‌شونده را به بحث می‌کشاند. بنابراین حضور پژوهشگر در هدایت سؤال‌ها و جلوگیری از انحراف بحث ضروری است.

این دو روش (مطالعه‌ی موردی و مصاحبه) به پژوهشگر امکان می‌دهد که به طور مقطعی و در زمان و مکان خاصی اطلاعاتی را کسب کند. اما واقعیت این است که در طی زمان و با حضور مجرمین در زندان، آنها متحول می‌شوند. بنابراین در روش مطالعه‌ی موردی و مصاحبه، سرنوشت و آینده‌ی مجرمین (تحول رفتاری آنها در آینده) قابل بررسی نیست. بنابراین به روش دیگری (مطالعات پی‌گیر در زمان) متوسل می‌شوند.

## ۱۴۶۲ مباحثی در علوم جنایی

### ۳- مطالعات پی‌گیر در زمان (follow up studies):

روش مطالعات پی‌گیر در زمان روشی است که برای حل مشکل فوق‌الذکر ابداع شده است. این روش به جرم‌شناس امکان می‌دهد که تحول رفتاری مجرم را در طی زمان مورد مطالعه قرار دهد. (مثلاً مطالعه‌ی یک مجرم برای ۱۰ سال) ایراد این روش این است که پژوهشگر باید از طرق مختلف به دنبال شناسایی محل اقامت، اشتغال و... مجرم مورد مطالعه باشد و در حالی که شناسایی محل زندگی و کار مجرم بسیار دشوار است.

بنابراین پژوهشگر بدون کمک پلیس و جامعه نمی‌تواند آینده‌ی رفتاری فرد مورد مطالعه را بررسی کند اما حسن این روش این است که به جرم‌شناس امکان ارزیابی تاثیر اقدامات درمانی، اصلاحی، حبس و مجازات‌ها را بر نحوه‌ی رفتار مجرمین اعطا می‌کند.

به موجب ماده ۳ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، زندان محل اصلاح و تربیت مجرمین است. بنابراین زندان درمانگاه جرم است. اما واقعیت این است که تمام زندانیان پس از ترخیص، راه واحدی را در پیش نمی‌گیرند. روش مطالعات پی‌گیر در زمان به جرم‌شناس این امکان را می‌دهد که محکومین سابق را شناسایی کند و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مورد مطالعه قرار دهد تا تأثیر رفتار و مقامات قضایی و مأمورین زندان را بر آنها ارزیابی کند و دریابد که این اقدامات و برخوردها چه نقشی، در تعدیل یا تشدید رفتارهای مجرمانه داشته است، این کار بیشتر برای برآورد تأثیر مجازات‌ها و اقدامات تأمینی انجام می‌شود و نوعی سنجش میزان کارایی دستگاه قضایی است.

در سازمان زندان‌ها مراکزی به نام مراکز مراقبت بعد از خروج وجود دارد که امکان برقراری پل ارتباطی بین زندان و جامعه آزاد را فراهم می‌آورد تا زندانی پس از



## جرم‌شناسی ۱۴۶۳

خروج از زندان تنها و رها باقی نماند. این مراکز، وظیفه‌ی مدیریت گذار مجرم از زندان به جامعه‌ی آزاد را بر عهده دارند.

مثلاً برای زندانیان شغل، مسکن و همسر می‌یابند. اما این اقدامات پایان فعالیت نیست بلکه پژوهشگر در این مرحله می‌تواند تحول رفتار زندانیان را مطالعه کند. به کار بستن این روش می‌تواند مقامات مسئول را در اصلاح مجازات‌ها و زندان‌ها یاری رساند. البته ایراد روش همانطور که قبلاً هم ذکر شد این است که بدون کمک پلیس و سایر نهادهای اجتماعی امکانپذیر نیست.

یکی از نتایج اعمال این روش این بوده است که برای جرایم مستلزم زندان کوتاه مدت، کیفر جایگزین پیش‌بینی شده است چراکه اقامت کوتاه مدت این افراد در زندان موجب فراگیری راههای ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود. این مجازات‌های جایگزین اقداماتی از قبیل تقسیم جریمه‌ی نقدی یا اجبار به انجام خدمات اجتماعی است.

### ۴- مشاهده و مطالعه (observation)

این روش به جرم‌شناس این امکان را می‌دهد که حاصل یک وضعیت و اقدام را هم‌زمان مشاهده و برآورد کند. «observation» یعنی مشاهده و تحت نظر قرار دادن یک فرد. مثلاً در زندان و درمورد زندانیان به موجب آیین نامه سازمان زندان‌ها (مصوب ۱۳۸۰) امکان مشاهده و مطالعه زندانی از بدو ورود تا زمان ترخیص در سازمان زندانها وجود دارد. این مشاهده در مراحل زیر اعمال می‌شود:

۱- واحد پذیرش و تشخیص (که محل تشخیص معضل شخصیتی و خانوادگی زندانی است).

۲- شورای طبقه‌بندی زندانیان:

این شورا براساس پرونده‌های شخصیت و مشاهدات مددکاران اجتماعی و زندانبان‌ها و... محل نگهداری زندانی را در داخل زندان مشخص می‌کند. طبق

## ۱۴۶۴ مباحثی در علوم جنایی

آیین‌نامه‌ی مذکور در زندان محل‌های مختلفی مانند زندان باز، زندان بسته و... وجود دارد. شورای طبقه‌بندی زندانیان بهترین محل نگهداری را پیشنهاد می‌کند. البته با در نظر گرفتن اینکه زندانی انسان است و انسان در ارتباط با محیط جدید واکنش‌های جدیدی نشان می‌دهد. کمیسیون دیگری به نام کمیسیون نظارت و جابه‌جایی زندانیان تاسیس شده است که ماهی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و با بررسی پرونده‌های زندانیان و مطالعه تذکرات، مشاهدات و گزارش‌های زندانبانان در صورت صلاحدید محل نگهداری زندانیان را تغییر می‌دهند. این جابجایی حاصل مشاهده‌ی روزمره‌ی رفتار زندانیان از سوی زندانبان‌هاست. بنابراین مشاهده بررسی مقطعی نتایج حاصل از یک سری اقدامات در یک مدت معین و در مکان مشخص است ولی روش مطالعات پی‌گیر در زمان (follow up studies) در زمان طولانی و احتمالاً مکان‌های متعدد نتایج حاصل از اقدامات را مطالعه می‌کند.

روش مشاهده به ما اجازه می‌دهد زندانیان را با توجه به شخصیتشان در محل‌های مناسب در مراکز موسسات داخل زندان نگهداری کنیم. به علاوه برحسب تحولات شخصیتی، آن‌ها را جابه‌جا کنیم و در صورت حسن رفتار آنان، تقاضای عفو یا آزادی مشروط کنیم. براساس ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی مشاهده، ضمانت اجرای حقوقی هم دارد.

در واحد پذیرش و تشخیص، مسئولان زندان از روش مشاهده استفاده می‌کنند. در بخش پذیرش هویت قانونی فرد احراز می‌شود و مشخص می‌شود که با حکم راهی زندان شده است یا با قرار و توجه می‌شود که فرد بی‌گناهی که هنوز مجرمیتش اثبات نشده است وارد زندان نشود.

در بخش تشخیص با آزمون‌های روانشناسی و از طریق گفت و گو زندانی با مددکاران اجتماعی و روانپزشک‌ها ویژگی‌های شخصیتی فرد سنجیده می‌شود و

## جرم‌شناسی ۱۴۶۵

براساس آن محل نگهداری زندانی تعیین می‌گردد. به این ترتیب می‌بینیم که در روش مشاهده نیز امکان تماس مستقیم پژوهشگر با زندانی وجود دارد.

مشاهده‌ی واقعی از مرحله‌ی تقسیم زندانیان آغاز می‌شود. روش مشاهده برای نیروی پلیس هم کارایی دارد و تنها منحصر به زندان‌ها نیست. به این ترتیب که مشاهده شود گشت‌های مختلف چگونه رفتار می‌کنند. بنابراین روش مشاهده منحصر به مطالعات جرم‌شناسی نیست و در امور اداری نیز قابلیت اعمال دارد.

نکته: در روش مطالعات پی‌گیر در زمان، زندانی سابق از تحت نظر بودن رفتارش مطلع نیست. بلکه جرم‌شناس برای تحقیق به طور تصادفی یک نفر را انتخاب می‌کند و به طور نامحسوس تحت مطالعه قرار می‌دهد.

### ۵- روش تحلیل محتوای رأی با قانون

در حقوق کیفری با چگونگی تفسیر رأی آشنا شدیم (رأی راجع به کودک ۱۵ ساله‌ای نابالغ که قبلاً بررسی شد)<sup>۱</sup> در این رأی چندین مطلب نهفته است:

الف) سن شناسنامه‌ای متهم معیار صدور حکم قرار نمی‌گیرد بلکه قاضی برای احراز بلوغ از پزشکی قانونی کمک می‌گیرد. سن شناسنامه‌ای اماره‌ی قانونی است ولی اثبات خلاف آن ممکن است.

ب) با اینکه اطفال فاقد مسئولیت کیفری هستند، کودک مذکور به مدت ۶ ماه حبس محکوم می‌شود. سوال این است که آیا این تصمیم و جاهت قانونی دارد؟ ماده‌ی ۱۱۷۳ ق.مدنی به انحطاط اخلاقی والدین به عنوان یکی از موارد سالب حق حضانت والدین اشاره دارد ولی دادگاه به آن استناد نکرده است. پس مفسر در این حالت باید به همه‌ی قوانین مرتبط با موضوع حتی قانون مدنی توجه داشته باشد. بند

## ۱۴۶۶ مباحثی در علوم جنایی

۵ ماده‌ی ۱۱۷۳ نمونه‌ی بارز بزه‌دیدگی اطفال است. به جزء سوء‌شهرت مذکور در بند ۴ سایر موارد مقرر در این ماده جرم می‌باشد.

بند ۵ ماده‌ی ۱۱۷۳ و ماده‌ی ۱۱۷۹ ق.م.تنبیه و ضرب و جرح خارج از حد متعارف را ممنوع دانسته است. تنبیه خارج از حد عرف چیست؟ این قید مبهم است و موجب مشکل است. همواره این بیم وجود دارد که والدین ناآگاه نسبت به حقوق کودکان و آزار و شکنجه‌ی فرزند خویش موجبات مجرمیت خویش را فراهم آوردند و به علاوه باعث ایجاد زمینه‌ی ارتکاب جرم در طفل و نهایتاً بزهکاری وی شوند. تفسیر باید همه جانبه (رویکرد همه جانبه) صورت گیرد.

ماده‌ی ۵۹ قانون مجازات اسلامی که در بند ۱ تربیت فرزندان به وسیله‌ی والدین در حد متعارف را جرم قلمداد نکرده است با مادتين ۱۱۷۳ و ۱۱۷۹ قانون مدنی یک وجه مشترک دارد. حال در مقام تحلیل باید گفت که آیا مستند حکم دادگاه که تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۹ ق.م.ا. برای اعزام طفل تبرئه شده به قسمت اصلاح قانون اصلاح و تربیت می‌باشد، صحیح است؟

صدر ماده‌ی ۴۹ ق.م.ا. اطفال را مبرای از مسئولیت کیفری دانسته ولی در تبصره‌ی ۲ از حق تنبیه بدنی سخن به میان آورده است. تنبیه بدنی به قصد تربیت و تنبیه بدنی و به عنوان مجازات چه تفاوتی دارد؟ تنبیه به میزان و مصلحت یعنی چه؟ منظور از مصلحت، مصلحت چه کسی است جامعه، طفل، والدین؟

تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۹ ق.م.ا. ملهم از اندیشه‌ی فقهی است که در گذشته تنبیه بدنی را برای تربیت اطفال مناسب می‌پنداشتند که در حقوق مدرن امروزی جایگاهی ندارد و در واقع نوعی تنبیه با مولفه‌ی موردنظر فقها است.

استناد قاضی به تبصره‌ی ۲ این ماده به نظر صحیح نمی‌رسد. چراکه تبصره‌ی ۲ ناظر به مواردی است که متهم مرتکب جرم شده است ولی به علت فقدان مسئولیت کیفری قابل مجازات نیست و از باب تربیت به قانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شود.

۱- استاد این رای را در کلاس درس برای دانشجویان تحلیل نموده‌اند که البته مباحث پیرامون آن اینجا منعکس نشده است.

## جرم‌شناسی ۱۴۶۷

اما در این پرونده صغیر از اتهام انتسابی برائت حاصل کرده است یعنی محرز شده است که وی مرتکب عمل مجرمانه نشده است؛ بنابراین نمی‌توان به استناد تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۹ وی را برای تربیت به کانون اصلاح و تربیت اعزام کرد؛ چون مرتکب عملی مجرمانه نشده است. شایسته بود قاضی به منظور توجیه تصمیم خود برای اعزام طفل به کانون اصلاح و تربیت به ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی و بند آن استناد می‌کرد. به نظر می‌رسد این طفل مشمول نظریه‌ی اطفال در معرض خطر است (child at risk). در این پرونده با عنایت به انحطاط اخلاقی والدین و غیبت تحصیلی طولانی طفل و محل زندگی او، طفل در معرض خطر بالقوه است و این خطر بالقوه موجب وجاهت قانونی تصمیم دادگاه است.

یعنی دادگاه در جهت غبطه‌ی طفل حرکت کرده است. به این ترتیب مستند جرم‌شناسی رأی دادگاه (child at risk) (طفل در معرض خطر) و مستند قانونی آن ماده‌ی ۱۱۷۳ ق.م است.

نظریه‌ی اطفال در معرض خطر در دو بستر قابل اعتماد است:

الف) توجه خطر به طفل به لحاظ خصوصیات شخصی او.

ب) توجه خطر به طفل به لحاظ خصوصیات خانوادگی او.

اطفال در معرض خطر یا در آستانه‌ی ارتکاب جرم (بزهکار شدن) هستند و یا در آستانه‌ی تحمل جرم (بزه‌دیده شدن). بنابراین اگر این اطفال حتی اگر مرتکب جرم هم نشوند و در آستانه‌ی ارتکاب جرم هم نباشند و فقط علائم حالت بزه‌دیدگی در آنان مشاهده شود، قاضی می‌تواند با استناد به ماده‌ی ۱۱۷۳ ق.م حضانت را از والدین او سلب کند و یا طفل را به کانون اصلاح و تربیت یا سازمان بهزیستی اعزام کند.

## ۱۴۶۸ مباحثی در علوم جنایی

تصمیم دادگاه در رابطه با اطفال در معرض خطر نوعاً جنبه‌ی حمایتی - پرورشی دارد نه جنبه‌ی قهری و در جهت نفع و مصلحت طفل است و در سجل کیفری او درج نمی‌شود و فقط اقدامی در جهت پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری است<sup>۱</sup>.

روش تفسیر رأی و تحلیل محتوای یک رای، قانون یا ماده‌ی قانونی جنبه‌های مختلفی را می‌طلبد، حتی گاهی ضرورت تحقیق در اخبار روزنامه‌ای خاص از منظر جرم‌شناختی احساس می‌شود. یعنی مفسر و محقق بررسی می‌کند که در رسانه‌ها قتل چگونه معرفی و پردازش می‌شود. با تحلیل محتوای رسانه‌ها تاثیر مطلوب آنها را بر احساس امنیت یا عدم امنیت شهروندان در جامعه سنجیده می‌شود.

بررسی جنبه‌های حقوقی عبارت «اعتیاد زیان‌آور به مشروبات الکلی یا مواد مخدر» در ماده‌ی ۱۱۷۳ ق.م:

به نظر می‌رسد مراد قانونگذار از بیان عبارت اعتیاد زیان‌آور، اعتیادی است که والدین را از حالت عادی خارج می‌کند، به نحوی که این خروج از حالت عادی منجر به اخلال در ایفای وظایف والدین در رابطه با تربیت طفل و تعلیم توانایی تشخیص<sup>۲</sup> حسن و قبح اعمال به وی می‌شود.

با اینکه اعتیاد جرم است ولی همه‌ی موارد اعتیاد، فرد را از حالت عادی خارج نمی‌کند مثلاً اعتیاد به گراس یا حشیش با اعتیاد به هروئین و مرفین بسیار متفاوت است. درست است که اعتیاد به هر یک از این مواد جرم است ولی همه‌ی این مواد زایل‌کننده‌ی قوه‌ی تشخیص معتاد (در اینجا والدین معتاد) نیست.

در قانون مبارزه با مواد مخدر نیز مجازات معتادین به هروئین از معتادین به تریاک سنگین‌تر است. قانونگذار در امور مدنی هم هر نوع اعتیادی را موجب سلب حق حضانت والدین ندانسته است. به نظر می‌رسد چون هر اعتیادی جرم است، بنابراین

۱- برای اطلاعات بیشتر در این خصوص رک: میزگرد بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضایی

تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، صفحه ۱۰ به بعد.

## جرم‌شناسی ۱۴۶۹

قانونگذار بایستی هر نوع اعتیاد به مواد مخدر موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر ۷۶ و الکل را سلب حق حضانت والدین می‌دانست ولی قانونگذار قصد مراعات احوال والدین را داشته است و نخواسته سلب حضانت را تسهیل کند. با همه این توضیحات از نظر حقوقی شایسته‌تر آن است که صفت زیان‌آور بعد از اعتیاد حذف شود. به هر صورت دقت در زمینه‌ی سلب حضانت هم به مصلحت والدین و هم به مصلحت اطفال است و با در نظر گرفتن شرایط جامعه‌ی کنونی ایران حکمی واقع بینانه است.

پس از توضیح روش‌های کمی و کیفی در تحقیقات جرم‌شناسانه که مکمل یکدیگرند به عوامل جرم می‌پردازیم با توجه به روش‌های تحقیقات جرم‌شناختانه سه سلسله عوامل جرم از یکدیگر قابل تفکیک است:

(۱) عوامل جرم‌زای فردی.

(۲) عوامل جرم‌زای اجتماعی یا محیطی.

(۳) عوامل جرم‌زای وضعی (موقعیتی).

اصولاً مطالعه‌ی عوامل جرم‌زا در نهایت در مقام تحلیل علل جرم است. وقتی از عوامل (factors) سخن می‌گوئیم، سخن به خصوصیات فردی، خصوصیات محیطی و شرایط وضعی بازمی‌گردد. خصوصیات فردی (شخصی/درونی) خود به چند دسته تقسیم می‌شود:

(۱) خصوصیات فردی ذاتی.

(۲) خصوصیات فردی اکتسابی.

خصوصیات فردی ذاتی، آن خصوصیتی هستند که از بدو تولد همراه انسان است و خود نقشی در شکل‌گیری آنها ندارد. البته شایان ذکر است که پیشرفت علم ژنتیک به بشر امروزی قدرت انتخاب جنسیت فرزندش را داده است و انسان به طور بالقوه امکان انتخاب نژاد را دارد و... البته از منظر اخلاق پزشکی به این دستاوردهای علمی

## ۱۴۷۰ مباحثی در علوم جنایی

نقدهایی وارد شده است.<sup>۱</sup> مثلاً گفته می‌شود که این اعمال موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن امور طبیعی می‌شود. علم ژنتیک امکان بارداری خارج از رحم یا انتخاب فرزند را فراهم آورده و توانایی تشخیص نابهنجاری‌های جسمی را قبل از تولد طفل چند برابر کرده است و باعث شده که جنین قبل از تولد سقط شود تا نوزاد ناقص الخلقه متولد نشود. بالاتر از آن علم ژنتیک امکان شبیه‌سازی انسان (cloning) را فراهم آورده است. این دخالت در خصایص ذاتی انسان‌ها از منظر اخلاق پزشکی مردود است.<sup>۲</sup>

خصایص اکتسابی، در مقابل خصایص ذاتی قرار دارد. آنچه انسان‌ها از تعامل با محیط و دیگران کسب می‌کنند را شامل می‌شود. بیماری‌های جسمانی و روانی از جمله خصوصیات اکتسابی است. با اینکه ممکن است خصایص ذاتی در ابتلاء به بیماری مؤثر باشد ولی عوامل محیطی مانند تغذیه، آب و هوا، شغل و... نیز تأثیر بسزایی در آن دارند.

جرم همواره محصول ترکیب عوامل فردی ذاتی و اکتسابی با علل محیطی و بعضاً عوامل وضعی است. در اینجا به بررسی خصوصیات فردی در ارتکاب جرم می‌پردازیم.

## عوامل فردی و ذاتی

قبلاً اشاره شد که جرم‌شناسی ابتدائاً با مطالعه‌ی خصوصیات افراد از جمله خصوصیات قیافه، جمجمه و... و رابطه‌ی آنها با رفتارهای مجرمانه پدید آمد. دکتر لمبروزو که

1 - در این خصوص رک: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، انتشارات سمت. دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.

2. ر.ک. ساعد، محمدجعفر، فرایند جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی،

## جرم‌شناسی ۱۴۷۱

پزشک قانونی بود با کالبد شکافی و مطالعه‌ی ۳۰۰ مجرم معدوم و بررسی شکل ظاهری و اندام‌های ۱۰۰۰ محکوم به حبس و مقایسه‌ی آنان با افراد غیر مجرم، تیپ (گونه) جانی مادرزاد را ترسیم کرد. وی معتقد بود جرم امری وراثتی است و بشر اختیار چندانی در انتخاب رفتارهای مجرمانه یا ترک آنها ندارد. وی جزء محققان جبرگرا بود و به تاثیر عوامل محیطی در وقوع جرم و رفتارهای مجرمانه اعتقادی نداشت.

لمبروزو از طرفداران نظریه‌ی تکامل داروین بود. وی معتقد بود مجرم اگر چه صورت انسانی دارد ولی تکاملش در مرحله‌ای متوقف شده است، پس انسان مجرم محصول توارث است. جبرگرایی مورد انتقادهای جدی قرار گرفت، یکی از مهمترین آنها غفلت طرفداران این نظریه از عوامل محیطی و خصوصیات اکتسابی موثر در وقوع جرم بود.

پیروان مکتب تحقیقی (یعنی انریکو فری) مجرمین را به ۵ دسته تقسیم نمودند، درحالی که لمبروزو تمام مجرمین را مادرزاد مجرم قلمداد می‌کرد. البته وی در اواخر عمر خویش تلویحاً به تأثیر عوامل اکتسابی و محیطی، در وقوع جرم صحه گذاشت چراکه مجرمین اتفاقی در اثر عوامل اکتسابی و محیطی مرتکب جرم می‌شوند و لزوماً مجرم مادرزاد نیستند.

مرحله‌ی دوم بررسی نقش عوامل شخصی و محیطی در وقوع جرم است که با تلاش‌های انریکو فری از شاگردان لمبروزو آغاز شد. وی به تأثیر عوامل شخصی و محیطی در شکل‌گیری پدیده مجرمانه معتقد بود وی به غیر از مجرمان مادرزاد و مجرمان اتفاقی گروه‌های دیگری از بزهکاران را شناسایی کرد: بزهکاران به عادت، بزهکاران مختل‌المشاعر، و بزهکاران شهوانی (هیجانی).

بررسی و مقایسه گروه‌های مختلف مجرمین با استفاده از نقش محیط، عوامل اکتسابی و وراثت:

## ۱۴۷۲ مباحثی در علوم جنایی

(۱) مجرمین بالفطره (مادرزاد):

این دیدگاه نسبت به مجرمین، بدبینانه‌ترین دیدگاه است و مطالعات علم ژنتیک آن را رد کرده است.

(۲) مجرمین اتفاقی:

گاه عوامل محیطی بیرونی افراد را به جهت ارتکاب جرم سوق می‌دهد البته برخی از افراد هم دربرابر این عوامل مقاومت می‌کنند و دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند.

(۳) مجرمین به عادت:

همانطور که افراد در تعامل با جامعه بسیاری از رفتارها را یاد می‌گیرند و در جهت آن حرکت می‌کنند عده‌ای هم در اثر این تعامل، عادت به ارتکاب جرم را کسب می‌کنند.

(۴) مجرمین مختل‌المشاعر:

این افراد کسانی هستند که به لحاظ آمادگی‌های شخصی‌ای که دارند در ارتباط با محیط و تحت تأثیر خصوصیات اکتسابی تعادل روانی خود را از دست می‌دهند. البته این به معنای دیوانگی آنها نیست، چراکه بیماری‌های روانی همگی زایل‌کننده‌ی اراده‌ی یک فرد نیستند بلکه برخی از آنها موجب جنون و از بین رفتن اراده می‌شوند.

(۵) مجرمین شهوانی (یا احساسی یا هیجانی یا عشقی):<sup>۱</sup>

این افراد در تعامل با جامعه تحت تاثیر عوامل و محرک‌های محیطی مرتکب جرم می‌شوند (مثل همسرکشی یا قتل از روی شهوت، کسب ثروت و پول).

<sup>۱</sup> - بزهکاران شهوانی از تمامی طبقات دیگر کم‌ضررتر و معمولاً آدم‌های شریف و نیک نفسی هستند که در اثر هیجان فوق‌العاده عنان اختیار از دست داده و در یک لحظه طوفانی یا در یک حادثه عشقی مرتکب جرم شده‌اند، بلافاصله از عمل خود پشیمان شده و نزد پلیس یا قاضی حاضر گردیده و به جرم خود اعتراف می‌کنند..... (مرتضی محسنی، کلیات حقوق جزا، جلد اول، گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵ و ۲۲۶).

## جرم‌شناسی ۱۴۷۳

یکی از عوامل (factors) فردی ذاتی، نژاد است. در خصوص عامل نژاد (قومیت) بین جرم‌شناسان اتفاق نظر وجود دارد و همه‌ی آنان معتقد به ذاتی بودن خصیصه نژادی هستند. ولی نظریه‌ی تأثیر نژاد در ارتکاب جرم مورد شک و تردید است با اینکه ذاتی بودن عامل نژاد محل تردید نیست.

به علت مسافرت و تمایل انسان‌ها به جابه‌جایی و وقوع ازدواج‌های فرانژادی، دیگر به قطع نمی‌توان گفت افراد یک جامعه همگی از یک نژاد هستند. چراکه عملاً نوعی تداخل نژادی پدید آمده است و دیگر نژاد به مفهوم دویست سال پیش وجود ندارد.

در دهکده‌ی جهانی که ارتباطات منجر به ازدواج‌های فرانژادی شده است تفکیک نژادی، دیگر اهمیت سابق را ندارد و به امری بیهوده بدل شده است. بنابر توضیحات فوق‌الذکر نمی‌توان گفت نژادی خاص صددرصد مجرم است یا معجرم نیست. چون در حال حاضر دیگر هیچ نژاد خالص و خاصی موجود نیست.

در ادامه باید اشاره کرد که در کشورهای مهاجرپذیر مثل آمریکا و کانادا جرم‌شناسان بیشتر از سایر کشورها تحقیقاتی در رابطه با تأثیر نژاد و قومیت در بزهکاری انجام داده‌اند. به طور مثال در مطالعاتی که پیرامون بزهکاری قومی خاص صورت پذیرفته است، مشخص شد که از نظر کمی و کیفی نرخ بزهکاری افراد این قوم با افراد بومی متفاوت و بعضاً بیشتر از آن‌ها است. در آمریکا که تعداد سیاه‌پوستان زیاد است برخی مطالعات منتج به این نتیجه شده است که نرخ بزهکاری و محکومیت سیاه‌پوستان بیشتر از سفیدپوستان است.

پیش از تفصیل و تشریح این مطلب لازم است که گفته شود بالا بودن نرخ بزهکاری بعضی نژادها نسبت به نژادهای دیگر صرفاً به دلیل تأثیر عوامل ذاتی قومیت و نژاد نیست بلکه این تفاوت در نرخ بزهکاری را بیشتر باید در خصایص جامعه

## ۱۴۷۴ مباحثی در علوم جنایی

شناختنانه‌ی اقوام جستجو کرد، زیرا در صورت قبول بزهکاری بیشتر یک نژاد، نسبت به نژاد دیگر باعث دامن زدن به تمایلات نژاد پرستانه و نزاع‌های قومی می‌شود. در ادامه بحث، اشاره به چند تحقیق خالی از فایده نیست:

در آمریکا که از بزرگترین کشورهای مهاجرپذیر است، جرم‌شناسان همواره با محوریت نرخ بزهکاری تفاوت‌های نژادی و قومی را بررسی کرده‌اند. نظریه‌ی تعارض فرهنگ‌ها بار نخست در آمریکا مطرح شد. اصل اساسی در این نظریه ناشی شدن جرم از تعارض فرهنگ‌هاست. تصادم در فرهنگ ناهم‌ساز، موجب وقوع جرم است و به همین علت در کشوری مثل کانادا هم که کشوری مهاجرپذیر است آمار ارتکاب جرایم بالاست.

در آمریکا تمرکز مطالعات بر روی سیاه‌پوستان بوده است (سیاه‌پوستانی که فقط چهل سال است که به حقوق برابر با سفیدپوستان دست یافته‌اند).

این پژوهش‌ها حاکی از آن است که نرخ بازداشت و ایراد اتهام به سیاه‌پوستان بالاست. در فرانسه هم در تحقیقی مشابه اعلام شد که نرخ بزهکاری اتباع آفریقای شمالی در جرایم خشونت‌بار بیشتر از فرانسوی‌های بومی است. جرم‌شناسان در تحقیقات صورت گرفته در کانادا با محوریت عوامل نژادی به این نتیجه رسیده‌اند که جرایم سازمان یافته و جرایم ارتكابی از سوی باندهای خیابانی بیشتر از سوی مافیای ایتالیایی، مافیای روسیه، مافیای هیسپانیک (مکزیک) یا مافیایی چینی بوده است و کانادایی‌ها معمولاً در این جرایم دخیل نیستند. در سال‌های ۹۳ - ۹۲ پژوهشی در رابطه با جرایم خشونت‌بار سیاه‌پوستان علیه سفیدپوستان و بالعکس صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین میزان جرایم خشونت‌بار میان اعضای یک نژاد و قوم بوده است (سفیدپوستان در میان خود و سیاه‌پوستان در میان خود). بنابراین مرتکبین و قربانیان جرایم خشونت‌بار هر دو متعلق به یک نژاد بوده‌اند. همچنین عنوان شد که بیشتر جرایم خشونت‌بار ارتكابی از سوی سفیدپوستان

## جرم‌شناسی ۱۴۷۵

کانادایی، قربانیانی سفیدپوست داشته‌اند (یعنی درگیری بین خود کانادایی‌ها بوده است).

نتایج این پژوهش ما را به این مسئله رهنمون می‌سازد که جدا بودن محل زندگی و کار خارجی‌ها با بومی‌ها سبب می‌شود که این دو گروه ارتباط چندانی با هم نداشته باشند. به این ترتیب، اصطکاک منافع کمتری با هم دارند. ولی در خود این گروه‌ها ارتباطات و تعارض منافع موجب درگیری و وقوع جرم می‌شود.

بررسی تئوریهای رابطه بزهکاری و عوامل نژادی:

۱) معمولاً در کشورهای مهاجرپذیر پلیس، قضات و ضابطین دادگستری نسبت به خارجی‌ها ظن بیشتری دارند و دادگاهها نسبت به خارجی‌ها احکام و قرارهای سنگین‌تری صادر می‌کند. بنابراین نوعی پیش‌داوری، ظن ضمنی و نژاد پرستی ضمنی علیه ایشان وجود دارد به این ترتیب بالا بودن نرخ بزهکاری خارجی‌ها تا حدودی به علت رفتار دستگاه قضایی علیه آنان است نه صرف نژادشان. پس بزهکاری و نژاد رابطه‌ای خاص با یکدیگر ندارند.

۲) بیگانگان، از یک سو آموزش‌هایی را که افراد بومی دیده‌اند (آموزش‌های تحصیلی، مدنی و...) را نمی‌بینند و از سوی دیگر با خلاء آموزش‌های اجتماعی و تحصیلی مواجهند بنابراین بالا بودن نرخ جرایم آنها به علت ضعف آموزشی است نه نژاد.

۳) کمبود آموزش در میان خارجی‌ها تبعاً موجب کاهش نرخ اشتغال آنان می‌شود و این فی نفسه عاملی برای افزایش بزهکاری آنان است. خارجیانی که غیرقانونی وارد کشوری می‌شوند در واقع مرتکب جرمی شده‌اند یا مثلاً جعل مدارک هویتی مربوط به اقامت در بین بومیان وجود ندارد.

۴) تعارض فرهنگ‌ها از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم است. مهاجرین در بدو ورود به کشور مهاجرپذیر بین دو دسته اوامر و نواهی کشور خود و اوامر و نواهی

## ۱۴۷۶ مباحثی در علوم جنایی

کشور میزبان مرددند و النهایه تمایل بیشتری به رعایت اوامر و نواهی کشور خود را دارند.

در این حالت در جهت عمل به برخی از اوامر فرهنگ خودی در کشور میزبان ممکن است مرتکب جرمی شوند (مثل ذبح گوسفند در آلمان). در این حالت اعمال ایشان از نظر فرهنگ خودی جرم نیست ولی در آن کشور مجازات دارد و خارجی‌ها در انجام این امور سوءنیتی ندارند.

بنابراین نرخ بزهکاری تابع عامل نژاد نیست بلکه ناشی از تضاد فرهنگی است.

**تفاوت مورد (۲) و (۴):** تعارض فرهنگی میان مهاجران و بومیان در نسل دوم مهاجرین هم مشهور است گرچه فرزندان مهاجرین که در کشور میزبان متولد شده‌اند از آموزش‌های متناسب با جامعه میزبان برخوردارند ولی چون ساعات طولانی را در خانواده و در میان هموطنان خود سپری می‌کنند همچنان تحت تأثیر سنن و اعتقادات ملی خود هستند.

در واقع نسل دوم مهاجرین از آموزش بالا برخوردارند ولی هنوز دل در گرو فرهنگ آباء و اجدادی خویش دارند، مثلاً قطع دوستی خواهر یک ترک با یک پسر هنوز هم در نسل دوم مهاجرین ترک در کشور میزبان پابرجاست. این مسئله سبب شده است که کشورهای مهاجرپذیر بلافاصله بعد از ورود مهاجرین برای آنها کلاس‌های آموزشی، زبان و معرفی فرهنگ کشور میزبان برقرارکنند. آگاهانه همه‌ی مهاجران با ملیت‌های مختلف را در کلاس‌های واحد تعلیم می‌دهند تا احساس کنند که همگی عضو یک جامعه هستند تا بدین وسیله تعارض فرهنگ‌ها از میان برود و مهاجرین با فرهنگ کشور میزبان هماهنگ شوند.

عامل ذاتی بعدی که مورد بررسی قرار می‌گیرد جنس یا (sex) و جنسیت یا (Gender) است. واژه‌ی «sex» خصوصیات زیست‌شناختانه فرد را به ذهن متبادر

## جرم‌شناسی ۱۴۷۷

می‌کند یعنی ناظر بر تفاوت‌های جسمانی است و بر افتراق فیزیولوژیک میان انسان‌ها دلالت دارد.

وقتی از «Gender» صحبت می‌کنیم مرادمان تفاوت جنسی نیست، بلکه تفاوت‌های احتمالی حقوقی - اجتماعی بین مذکور و اناث است. یعنی تفاوت‌های اجتماعی، تحصیلی و ... که علت رفتار جامعه، فرهنگ جامعه و مقامات رسمی بر افراد بار می‌شود و جنسیتی را بر جنسیتی دیگر مقدم می‌دارد ( هویت اجتماعی هر جنسی نشان می‌دهد).

با این توضیحات مشخص شد که اصطلاح Gender دارای بار حقوقی است و sex دارای بار معنایی زیست‌شناسانه است. امروزه دیگر اصطلاح sex مورد قبول حقوق‌دانان نیست چراکه القاکننده تبعیض جنسیتی میان زن و مرد به خاطر تفاوت‌های فیزیولوژیک آنان است. تبعیض‌ها و قضاوت‌های جانبدارانه‌ی ارزشی که دال بر ضعف فیزیولوژیک زن نسبت به مرد است. با به کار بردن اصطلاح Gender به تفاوت‌های فیزیولوژیک نظر نداریم و صرفاً به تفاوت‌های حقوقی می‌پردازیم. کاربرد این اصطلاح حاصل تلاش‌های فعالان عرصه‌ی حقوق زن است.

جنس از آن رو عامل ذاتی است که افراد در انتخاب آن دخیل نیستند. جنس موجد تفاوت‌های فیزیولوژیکی در افراد است که خود موجب تفاوت در حقوق افراد تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. جنس به معنای هویت زیستی فیزیولوژیک فرد و جنسیت به معنای هویت اجتماعی - فرهنگی فرد بدون توجه به جنس او است. که البته جنس نیز بخشی از این هویت را تشکیل می‌دهد، برای اطلاعات بیشتر ر.ک. زن و حقوق کیفری، مجموعه مقالات همایش زن و حقوق کیفری، انجمن ایرانی حقوق جزا، ۱۳۸۴.

## ۱۴۷۸ مباحثی در علوم جنایی

در جرم‌شناسی اولیه (در بدو تولد جرم‌شناسی) مطالعات بر روی مردان به عنوان بزهکار متمرکز شده بود و جرم‌شناسان جنس مونث را مجرم و مستعد ارتکاب جرم نمی‌دانستند و نوعی پیش‌داوری غیرواقع بینانه نسبت به اعمال زنان داشتند. لذا در مطالعات اولیه ناشی از این پیش‌داوری نتایج حاکی از بزهکاری پایین تر زنان نسبت به مردان بود و این منجر به استنتاج جرم‌شناختانه شد که زنان مرتکب جرم نمی‌شوند یا بزهکاری زنانه وجود ندارد یا اگر وجود دارد، از جرایم خاص زنان است.

مطالعات جامع‌تر در دهه‌های اخیر، همواره با رشد فعالیت‌ها و عقاید فمینیستی و از بین رفتن پیش‌داوری‌های گذشته راجع به بزهکاری مردانه کسب حقوق اجتماعی - سیاسی برابر زنان با مردان نشانگر این موضوع است که زنان همچون مردان قابلیت ارتکاب جرم را دارند به نحوی که در آمار جنایی هم دوش مردان قرار دارند و نتایج مطالعات اولیه عملاً تعدیل و تنقیح نشد.

بررسی موضوع حمایت قانونی مضاعف از زنان:

آیا مقنن ایرانی قصد حمایت قانونی از زنان را داشته است؟ اگر داشته است تا چه میزان؟

ماده‌ی ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، مجازات توهین به افراد را معین کرده است. جرم توهین یک جرم عمومی است که بدون توجه به مجنی‌علیه جرم، مجازاتی را مقرر داشته است. ماده‌ی ۶۱۹ همین قانون به طور خاص در مواردی که مجنی‌علیه اقدامات توهین آمیز، زن باشد حکمی را بیان کرده است و مجازاتی را مقرر داشته است.

مثال‌های دیگر احکام قانونی راجع به ازدواج دختر غیربالغ یا ترک انفاق است که مجنی‌علیه آنان زنان یا اطفال هستند. ترک انفاق از تأسیسات حقوق مدنی است که



## جرم‌شناسی ۱۴۷۹

قانونگذار به آن جنبه‌ی کیفری هم اعطا کرده است تا حمایت بیشتری از این حق مدنی خاص زنان، صورت پذیرد.

نکته: جرم همسر آزاری به طور مستقل در قوانین جزایی ایران پیش‌بینی نشده است البته طرح‌هایی برای تصویب این عنوان مجرمانه‌ی مستقل وجود دارد ولی در حال حاضر اعمالی که می‌تواند مصداق همسرآزاری قرار گیرد طبق قواعد عمومی جزایی مورد قضاوت قرار می‌گیرند.

در نظام‌های حقوقی غربی، همسر آزاری عنوان مجرمانه‌ی مستقل و با ضوابط دقیقی در قوانین جزایی پیش‌بینی شده است.

با بررسی حقوق کیفری ایران درمی‌یابیم که قانونگذار درخصوص تعریف جرم، احراز آن و تعیین مجازات بین جنس مذکر و مونث تفکیکی نکرده است ولی هنگام اجرای مجازات به ویژه مجازات‌های شرعی تفکیک جنسیتی وجود دارد.

در نقطه‌ی مقابل بزهکاری یعنی بزه‌دیدگی جنسیت، مورد توجه ویژه‌ای بوده است به طوری که قانون‌گذار در جهت حمایت از بزه‌دیدگان، جنسیت را در نظر گرفته است. در واقع مقنن به طور عرضی از حقوق زنان حمایت بیشتری کرده است. البته در جهت عکس این سیاست هم احکام قانونی‌ای یافت می‌شود که عمدتاً مربوط به مجازات‌های شرعی هستند مثل تضعیف دیه در صورتی که مجنی‌علیه زن باشد (عدم برابری دیه زن و مرد) یا نابرابری مرد و زن در اجرای مجازات قصاص به این ترتیب که اگر مجنی‌علیه زن باشد قاتل قصاص می‌شود بعد از آنکه نصف دیه به او پرداخت شود ( ماده ۲۰۹ ق.م.ا.). اگر از مجازات‌های شرعی صرف‌نظر کنیم من حیث المجموع در نظام حقوقی ما جنسیت در بزهکاری موثر نیست و توجه قانونگذار به حمایت از بزه‌دیده باتوجه به جنسیت او بوده است.

همانطور که قبلاً هم اشاره شد تفاوت‌های فیزیولوژیک زنان و مردان نباید در عرصه‌ی حقوق مطرح شود چراکه منجر به تبعیض جنسیتی می‌شود.

## ۱۴۸۰ مباحثی در علوم جنایی

قبلاً بحث شد که در جرم‌شناسی اولیه تأکید بر بزهکاری مردان بود و زنان فی حد ذاته بیشتر بزه‌دیده قلمداد می‌شدند (ذهنیت حاکم در سال ۱۸۸۰ و بعد از آن)؛ مثلاً تحقیقات لمبروزو همگی بر روی مردان بزهکار معدوم متمرکز شده بود. لمبروزو بعدها اظهار داشت که زنان پایین بودن نرخ ارتکاب جرایم را با پرداختن به روسپی‌گری جبران می‌کنند؛ بنابراین در ارتکاب اعمال مجرمانه با مردان برابری می‌کنند.

پیش‌داوری‌های غیرواقع بینانه‌ی «مثبت» نسبت به زنان و رواج این عقیده که بزهکاری اصولاً یک پدیده مردانه است ناشی از قضاوت‌ها و برداشت‌های نادرست از طبیعت زن و مرد بود که ریشه در اندیشه‌های تبعیض‌آمیز مرد سالارانه داشت.

در ذهنیت آن زمان بزهکاری با جرایم توأم با زور مترادف بود؛ ولی ۴۰ سال بعد از دوره‌ی لمبروزو، مفهوم «جرایم یقه سفیدان» مطرح شد و انحصار بزهکاری به اعمال متعارف و تعرضات عادی به دیگران شکسته شد. جرم‌شناسان اولیه معتقد بودند که زنان در مرحله‌ای از حیات خویش مادر می‌شوند و لازمه‌ی مادری لطافت و مهربانی و عاطفه است.

این باور از عرف حاکم و تفاوت‌های فیزیولوژیک میان زنان و مردان سرچشمه می‌گرفت. این نظریه، نظریه‌ای «زیست‌شناختانه» (فیزیولوژیک) بود که مطالعات آماری هم مؤید آن بود.

آمار نشان می‌داد که حضور زنان در سرقت و قتل نسبت به مردان کمتر است و در مواردی هم که حضور دارند بیشتر در جایگاه معاون ظاهری می‌شوند. البته برخی جرایم هم جرایم خاص زنان یا جرایم زنانه قلمداد می‌شد مثل:

(۱) سقط جنین (که در آن زن باردار خود مباشر جرم است)

(۲) نوزاد کشی (infanticide)

(۳) روسپیگری (prostitution)

(۴) جنون سرقت (kleptomania)

(۵) مساحقه (lesbianism)

طبق نظریه‌ی زیست‌شناختانه‌ی مذکور زنان بیشتر در معرض بزه‌دیدگی هستند. اما این تئوری که در بادی امر موافق عقل و عرف به نظر می‌آید با گذشت زمان و تجارب جدید عملاً تأیید نشد و به چالش کشیده شد.

از نظر فیزیولوژیک زنان با مردان تفاوت‌هایی دارند ولی زنان هم می‌توانند قدرت بدنی بالایی داشته باشند یا در جرایمی که عموماً مردان مرتکب می‌شوند مباحثاً دخیل باشند. البته نحوه‌ی ورود و ارتکاب به جرم میان زنان و مردان متفاوت است والا جرمی که مرد مرتکب می‌شود زن هم مرتکب می‌شود. (مثلاً هم مرد و هم زن مرتکب قتل یا سرقت می‌شود تفاوت فقط در شیوه‌ی قتل و سرقت است نه در نفس ارتکاب).

به این ترتیب نظریه‌ی زیست‌شناختانه امروز مورد نظر محققان و جرم‌شناسان نیست. نظریه‌ی بعدی که در این رابطه مطرح شد نظریه‌ی جامعه‌شناختی است. طبق این نظریه تفاوت بزهکاری زنان و مردان، معلول موقعیت‌های متفاوت اجتماعی این دو گروه است. جوامع در طول تاریخ به طور عرفی و اغلب مرد سالار بوده‌اند و جوامع زن سالار بسیار نادر بوده است. مردسالاری موجب شده است دختران همگام تربیت و جامعه‌پذیری، ارزش‌های متفاوتی را در خود درونی کنند. مثلاً به طور سنتی به دختران القا می‌شود که زن یعنی مادر و مرد یعنی پدر.

در اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر نقش خانواده تأکید و افری شده است. (در مجلس شورای اسلامی هم نمایندگان با تصویب تشکیل شورای عالی خانواده این نهاد را متولی اصل ۱۰ قانون اساسی قرار دادند).

به این ترتیب قانونگذار حمایت‌های فراوانی از زن در نقش مادر تدارک دیده است. زنان به علت عرف جاری جامعه، آداب و سنن اجتماعی، برخوردهای ویژه‌ی

مقامات رسمی و قانون گذار و... از موقعیت و منزلت اجتماعی کمتری برخوردار بوده‌اند و بعضاً هیچ موقعیت و جایگاهی نداشته‌اند. این قضیه امروز هم صادق است. به موجب تئوری جامعه‌شناختانه زنان به علل فوق‌الذکر حضور اجتماعی کمتری نسبت به مردان دارند و کمتر از مردان شاغل هستند این عدم حضور یا حضور کمتر باعث می‌شد که میزان جرایم ارتكابی ایشان کمتر باشد.

زنان کمتر در مناصب بالای حکومتی مشغول به کار می‌شوند، بنابراین موقعیتی برای ارتكاب جرایم ندارند. در ادامه بیان می‌شود که به موازات اینکه زنان حقوق برابری با مردان کسب می‌کنند و حضور فعال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، قضایی و... آنان در جامعه بیشتر می‌شود، نرخ بزهکاری آنها افزایش می‌یابد؛ چرا که مانند مردان در موقعیت ارتكاب جرم قرار می‌گیرند.

در ایران زنان در سال ۱۳۴۲ موفق به کسب حق رأی شدند. حضور اجتماعی زنان ایرانی پدیده‌ای نوظهور است. بعد از انقلاب اسلامی روند فعالیت‌های اجتماعی زنان شتاب بیشتر گرفت و به تبع آن اصطکاک منافع آنان به منافع سایرین و منافع جامعه بیشتر شد و نتیجتاً نرخ بزهکاری زنان هم رشد یافت.<sup>۱</sup>

نظریه‌ی جامعه‌شناختانه مبین این نکته است که اگر نرخ بزهکاری زنان پایین است به این علت است که موقعیت اجتماعی ندارند، بنابراین جرایم آن‌ها منحصر به کودک‌آزاری و فرزندکشی و... می‌شود. ولی هنگامی که زنان در ادارات مشغول به کار شوند امکان اینکه رشوه بگیرند وجود دارد. وقتی زنان در تجارت دخیل باشند امکان صدور چک بلامحل را دارند. بنابراین جرایمی که در گذشته مردان مرتکبان

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص به مقالات همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری (گذشته، حال، آینده) که به همت انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۱۷-۱۶ آذر ماه ۱۳۸۳ در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد مراجعه کنید.

اصلی آن بودند با کسب موقعیت برابر زنان با مردان ارتکاب از سوی زنان را هم پیدا می‌کنند.

نظر دیگر در باب پایین بودن نرخ بزهکاری زنان مبتنی بر نحوه‌ی نگرش و برخورد متفاوت جامعه، ضابطین قضایی، قضات و مقامات با زنان و مردان است. به این معنی که در همه‌ی جوامع حتی جوامع غربی که برابری زنان و مردان در آنها نهادینه شده و به تثبیت رسیده است، مردم و مقامات مسئول در برخورد با مظنونین یا متهمان زن از ارفاق و تسامح بیشتری بهره‌مند هستند.

به این ترتیب نوعی سیاست افتراقی (differential Policy) عملی نسبت به زنان وجود دارد. دادسراها در مقام صدور قرار برای متهمان زن قرارهای خفیف‌تری صادر می‌کنند و حتی الامکان از صدور قرارهای سالب آزادی اجتناب می‌کنند؛ چون در پس زمینه‌ی ذهن مسئولان قضایی و قضاوت، زن، مادر و خانه‌دار است.

این پیش‌داوری مبتنی بر عرف و فرهنگ موجب برخورد ارفاق‌آمیز با زنان و صدور احکام محکومیت خفیف‌تر علیه ایشان می‌شود. شکات نسبت به زنان گذشت بیشتری دارند و جامعه در حالت برابر بیشتر مردان را در مظان اتهام قرار می‌دهد.

این واقعیت سبب شده است که باندهایی جنایی و مردان مجرم از زنان و در مرحله‌ی بعد از کودکان، به عنوان بازوهای عملیاتی ارتکاب جرم، استفاده کنند. مثلاً در قاچاق و حمل مواد مخدر تعداد زنان دخیل قابل توجه است<sup>۱</sup>.

این نگرش متفاوت قضایی و پلیسی نسبت به زنان و جنسیت مونث منجر به صدور قرارهای سبک و حتی قرار منع تعقیب می‌شود. احکام سبک و احکام برائت زیادی برای زنان صادر می‌شود. بنابراین نظریه جرم‌شناختی، پایین بودن نرخ

بزهکاری زنان در آمار جنایی ناشی از رفتار متفاوت مقامات پلیس و دادگستری است. بد نیست در این خصوص به آمار جنایی ایران اشاره‌ای شود. در جمعیت کیفری ایران از ۶۰ هزار نفر زندانی ۲ تا ۳ درصد را اطفال و ۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند، درحالی که ما می‌دانیم که تعداد زنان مجرم در ایران کم نیست.

چه بسا قضات در هنگام صدور حکم با توجه به ماده‌ی ۲۲ ق.م.ا که امکان تخفیف و تبدیل مجازات را می‌دهد، محکومیت زنان مجرم را تخفیف داده یا تبدیل کرده و یا حتی تعلیق نموده‌اند.

نظر دیگر این است که رقم سیاه یا بخش تاریک بزهکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است. برای این پدیده دلایل ذیل را می‌توان بیان کرد:

- ۱) جامعه حساسیت کمتری نسبت به زنان نشان می‌دهد. (دلیل جرم شناختانه)
  - ۲) شکات معمولاً قبل از رجوع به پلیس با صلح و سازش و گذشت نسبت به اعمال مجرمانه‌ی زنان پرونده را خاتمه می‌دهند.
  - ۳) پاره‌ای از جرایم زنان اعلام نمی‌شود.
- به هر صورت طبع زنانه به لحاظ جایگاه اجتماعی موجب افزایش رقم سیاه بزهکاری زنان شده است.
- بحث جنسیت و نرخ بزهکاری از بخش‌های مفصل جرم‌شناسی است که در اینجا فقط اشاره‌ای به آن شد<sup>۱</sup>.

۱- در این خصوص رک: میزگرد حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی

دادگستری، شماره ۴۶، بیگی، جمال، (( بزه دیدگی اطفال در حقوق کیفری ایران ))، نشر میزان،

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بیشتر رک. بزهکاری زنان، همین مجموعه ص ۱۸۷۵-۱۷۷۲.

## بررسی عوامل اکتسابی

تا این جا بحث از عوامل ذاتی بود که انسان‌ها نقشی در تعیین و گزینش آن ندارند اما در مقابل این عوامل، عوامل فردی اکتسابی و انتقالی قرار دارد. عوامل فردی اکتسابی عواملی هستند که ما در تعامل با جامعه و دیگران کسب می‌کنیم.

مثلاً انسان، دیوانه زاده نمی‌شود ولی در طی زمان تحت تاثیر استعدادهای جسمانی و زندگی روزانه دچار اختلالات روانی می‌شود. بنابراین اختلال روانی اکتسابی است. مثال دیگر اعتیاد (addiction) است به نحوی که عده‌ای برای ادامه‌ی حیات و داشتن زندگی متعارف به داروهای مختلفی متوسل می‌شوند و اصطلاحاً دوپینگ (Dopping) می‌کنند.

اگر این مصرف تبدیل به وابستگی شود منجر به اعتیاد می‌شود. اعتیاد امری اکتسابی است که فرد در جریان تعامل با جامعه مبتلا به آن می‌شود. اگر اعتیاد در قانون (ایران) جرم نبود، نفس وابستگی به مواد مخدر خود عاملی جرم‌زا می‌بود. چراکه رسیدن به مواد مخدر لوازم و اسبابی دارد که خود می‌تواند جرمی مستقل باشد یا زمینه‌ی ارتکاب جرمی را فراهم آورد. علت جرم تعریف شدن اعتیاد در برخی کشورها عمدتاً ناشی از آثار و تبعات جرم‌زای اعتیاد است.

عامل‌گذرا یا انتقالی از عوامل فردی است که با گذشت زمان تغییر منظم دارد مثل «سن». تغییرات سنی موجب تغییرات فیزیولوژیک و روانی می‌شود. حصول این تغییرات موجب عبور فرد از دوارن‌های مختلف با حالت‌های متفاوت می‌شود. البته امکان اینکه فردی رفتاری منطبق بر دوره‌های بالاتر یا پایین‌تر از دوره‌های سنی خود داشته باشد، وجود دارد ولی این مسئله استثنایی است. هر دوره‌ی سنی اقتضائات خاص خود را دارد که تاثیر آن در بزهکاری و بزه‌دیدگی متفاوت است. نوع جرایم و نحوه‌ی ارتکاب آنها در هر دوره‌ی سنی متفاوت است.

بنابر توضیحات مذکور در بررسی تاثیر عوامل اکتسابی و عامل انتقالی، از اثرات عوامل ذاتی یکسره بی‌نیاز هستیم.

بیماری‌های روانی موضوع بحث روانشناسی جنایی است. در نظام‌های مختلف حقوق کیفری از جمله نظام ایران مسئله‌ی اختلال روانی مورد توجه قانون‌گذار بوده است.

دیوانگی (جنون) از عوامل واقع مسئولیت کیفری است (ماده‌ی ۵۱ ق.م.ا) جنون (Insanity) اصطلاحی فلسفی و ناشی از قضاوتی اخلاقی است.

در پزشکی امروز از عبارت «اختلال روانی» به جای «جنون» استفاده می‌شود. یافته‌های پزشکی و به ویژه روانپزشکی منجر شده است که در اکثر قوانین جزایی و مدنی اصطلاح «جنون» کنار گذاشته شود و به جای آن عباراتی چون «اختلالات روانی»، «اختلالات عصبی» یا «اختلال مغزی» درج شود. این اختلالات انواع و درجات مختلفی دارند.

به این ترتیب واژه‌ی «جنون» در ماده‌ی ۵۱ ق.م.ا واژه‌ی با دلالت کلی است و انطباقی با دستاوردهای جدید علمی ندارد. بهتر است قانونگذار از عبارت «اختلالات عصبی - مغزی» استفاده کند و قاضی هم در مقام رسیدگی برای احراز نوع و درجه‌ی آن نظر پزشکی قانونی را جویا شود. چراکه بسیاری از مصادیق جنون زایل‌کننده‌ی قوه‌ی تمیز نیست در قانون مجازات عمومی فرانسه (سال ۱۹۹۲) قانونگذار به جای اصطلاح «Insanity/demance» اصطلاح اختلال عصبی و مغزی را به کار برده است. این اختلالات اسامی و درجات مختلفی دارند که برحسب آن میزان مسئولیت تغییر می‌کند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - طبق ماده ۱ - ۲۲۱ قانون مجازات فرانسه ۱۹۹۲: شخصی که در حال ارتکاب اعمال، مبتلا به اختلال روانی یا عصبی - روانی منجر به زایل شدن قدرت تشخیص یا کنترل اعمالش باشد مسوولیت کیفری ندارد.

## جرم‌شناسی ۱۴۸۷

حال که مجانین از مسئولیت کیفری مبرا هستند آیا اعمال خطرناک ایشان با هیچ واکنشی از سوی حقوق کیفری مواجهه نمی‌شود؟

طبق ماده‌ی ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، اقدامات تأمینی نسبت به تمامی مجرمین اعم از مسئول و غیر مسئول اعمال می‌شود بنابراین مجانین هم مشمول این اقدامات می‌شوند.

جرم‌شناسان در رابطه با تأثیر سلامت یا عدم سلامت روان بر بزهکاری اظهار داشته‌اند که بیماری‌های روانی می‌تواند فرد را مستعد ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز کند. بنابراین چه این بیماری‌ها جنبه‌های روانی داشته باشد و چه جنبه‌ی عصبی فرد مبتلا را از سویی در معرض ارتکاب جرم و از سوی دیگر در معرض آسیب‌پذیری و بزه‌دیدگی قرار می‌دهد، (تأثیر دوسویه است).

اختلالات روانی می‌تواند خفیف یا شدید باشد اما به هر حال مبحث سلامت روان تحت عنوان جنون طبقه‌بندی می‌شود. این بحث هم در باب مسئولیت کیفری در حقوق جزا و هم در جرم‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

### بحث سلامت روانی از چند جهت اهمیت دارد

(۱) از جهت پلیس و اقدامات پلیسی:

درست است که از لحاظ کیفری مجنون مسئولیتی ندارد ولی به موجب قانون اقدامات تأمینی مشمول این اقدامات است. بنابراین اقدامات پلیس هنگام دستگیری فرد مختل‌المشاعر اهمیت به سزایی دارد. این مسئله که فرد دچار اختلال روانی است یا خیر، در این اختلالات مشهود است یا پنهان نیاز به اطلاعات روانشناسی دارد و نحوه‌ی برخورد با متهمان و مظنونان مختل‌المشاعر را دارای اهمیت فراوان می‌سازد.

در برخی کشورها در جهت صیانت از حقوق بشر افراد مختل‌المشاعر لزوماً در بیمارستان یا تیمارستان نگهداری نمی‌شوند مگر در موارد حاد که مجنون مرتکب

## ۱۴۸۸ مباحثی در علوم جنایی

خشونت‌های فیزیکی شود. در سایر موارد سعی می‌شود فرد در بستر خانواده یا جامعه حاضر باشد چراکه همواره امید بهبودی این افراد وجود دارد.

لازم است پلیس در برخورد با بیماران روانی پیش‌داوری منفی علیه آنان نداشته باشد چراکه رفتار سنتی و معمول پلیس خود می‌تواند از عوامل انگیزنده شدن انگیزه و اختلال آور باشد. اطلاعات اولیه‌ی روانشناختانه‌ی پلیس می‌تواند مانع اشتباه در برخورد با مظنونان و متهمان مختل‌المشاعر شود.

(۲) از جهت دادگاه‌ها:

اهمیت اطلاعات روانشناسانه در برخورد دادگاه‌ها با متهمین مختل‌المشاعر از سه منظر قابل بحث است:

(۱) اختلال روانی در حدی است که متهم به علت زوال قوه‌ی تمیز قابل محاکمه نیست.

(۲) شدت بیماری روانی آنچنان نیست که مانع محاکمه فرد متهم گردد ولی قاضی النهایه گزینه‌ای جز صدور حکم برائت و اعزام وی برای اعمال اقدامات تأمینی ندارد.

(۳) اختلال روانی مانعی بر سر محکومیت متهم نیست ولی قاضی در مقام تعیین مجازات می‌بایستی کیفری مناسب برای وی انتخاب کند.

بنابر توضیحات مذکور قاضی کیفری بی‌نیاز از روانشناسی اولیه به ویژه روانشناسی قضایی و جنایی نیست.

روانشناسی جنایی شامل مطالعه علل روانشناختانه‌ی ارتکاب جرم مانند شخصیت، منش، میزان استعداد و هوش و عقل و .... می‌شود. روانشناسی جنایی مکمل جامعه‌شناسی جنایی و زیست‌شناسی جنایی است.

بررسی سه نوع از اختلالات روانی به عنوان عوامل احتمالی دخیل در ارتکاب جرم:

(۱) بیماری‌های مغزی که منجر به نوعی نقیصه‌ی عقلی و هوشی در افراد می‌شود. (بیماری مادرزادی)

(۲) برخی روان‌نژندی‌ها یا نوروزها (بیماری اکتسابی)

(۳) برخی روان‌پریشی‌ها یا پسیکوزها که می‌تواند زمینه‌ی ارتکاب جرم و خشونت باشد. (بیماری اکتسابی)

### (۱) کمبودهای هوشی و عقلی

این کمبودها که مادرزاد هستند می‌توانند موجب تأثیرپذیری بالای فرد شوند. در چنین حالتی به جای گرایش و تمایل به جرم فرد می‌تواند آماج حملات بزهکاران قرار گیرد. چراکه به شدت تأثیرپذیر است و توانایی تصمیم‌گیری ندارد و طعمه‌ی خوبی برای بزهکاران حرفه‌ای است.

حالت دیگر نقیصه‌های عقلی متوسط است که می‌تواند موجب رفتارهای پرخاشگرانه شود.

حالت سوم نقیصه‌ی عقلی سبک است. افراد در این حالت تفاوتی با سایرین ندارند ولی در ارضای نیازهای اولیه‌شان به طور طبیعی ناتوان هستند.

بنابراین قابلیت حسی، فیزیکی و عقلانی آنها تقریباً با افراد عادی یکسان است ولی عدم توانایی در ارضای نیازهایشان آنها را به ارتکاب جرم برای ارضای خود سوق می‌دهد.

### (۲) روان‌نژندی یا نوروز

این عارضه طی فرآیند (process) و بنابراین با زمان بر فرد استیلاء می‌یابد. این پروسه دارای ویژگی‌ها و عوامل خاصی است:

الف) تحمل ضربات و خشونت‌های شدید در دوران طفولیت.

ب) تلون مزاج (از دست دادن آزادی انتخاب و آزادی در رفتار).

پ) وجود تفاوت‌های عمیق بین کارکردهای طبیعی غریزه‌ها و اندام‌های فرد با

استفاده‌ی عملی فرد از آنها (فاصله بین دنیای عمل و آنچه در فرد وجود دارد).

بنابراین روان‌نژندها (نوروزها) متحمل نوعی ضربه و فشار در دوران طفولیت شده‌اند که تشخیص و قضاوت آنان را نسبت به واقعیت دگرگون و ناسازگار کرده است به نحوی که همواره از مسائل عقب هستند و قضاوت‌های امروزشان به کار دیروز می‌آید، لذا بین قدرت تشخیص آنها با واقعیت همیشه فاصله است و واکنش‌های آنان منطبق با نیازهای ناشی از واقعیات نیست.

در روان‌نژندها حالت دیگری چون جنون سرقت و آتش وجود دارد.

### (۳) روان‌پریشی

روان‌پریشی از لحاظ ویژگی‌ها و درجه‌ی اختلال با روان‌نژندی متفاوت است. یکی از تفاوت‌های عمده‌ی روان‌پریشی با روان‌نژندی این است که روان‌نژندها از وضعیت نامتعارف خود مطلعند اما کاری نمی‌توانند بکنند ولی بالعکس روان‌پریشان معتقدند که در سلامت کامل به سر می‌برند و سایرین مشکل‌دار هستند.

### \*\* انواع روان‌نژندی و تأثیر آن بر بزهکاری

الف) نوع اول ← نوروز افسردگی (روان‌نژند افسرده). فرد مبتلا به این عارضه در گذشته مالیخولیایی (ملانکلیک) نامیده می‌شد. افراد مالیخولیایی خصایصی دارند که عبارتند از:

(۱) احساس گناه و تقصیر.

(۲) اختلال در خلق و خو.

(۳) انجام افعال خفت‌آور و ذلت‌آور.

(۴) علاقه به مرگ.

(۵) دردهای جسمانی که رشدی روانی دارد و احساس ارتکاب اشتباه و خطا

(بیماری‌های روان‌تنی = psychosomatic diseases)

## جرم‌شناسی ۱۴۹۱

۶) تمایل به خودکشی و خودزنی و در حالت پیشرفته تمایل و علاقه شدید به خودکشی یا خودکشی موسع به نحوی که ابتدا دیگران را بکشد و بعد خود را. (در قتل‌های خانوادگی که فرد اعضای خانواده را به قتل رسانده و سپس خود را می‌کشد معمولاً قاتل چنین حالتی را دارد).

معمولاً روان‌نژندان افسرده از این حیث موضوع مطالعه جرم‌شناسان هستند که مرتکب خودکشی و دیگرکشی می‌شوند. به ویژه در نظام‌های حقوقی‌ای که خودکشی و شروع به آن عناوین مجرمانه‌ی قانونی هستند.

ب) نوع دوم ← فوبیا (هراس و ترس بی‌دلیل و جنایی) (Fobia) در این حالت معمولاً فرد مبتلا از بی‌منطقی و غیرعقلانی بودن ترسش آگاهی دارد ولی گرفتار آن می‌باشد. نوع شدید فوبیا، پارانوید (پارانویا) است که طی آن فرد نسبت به همه چیز وحشت دارد. در چنین حالتی فرد می‌تواند مرتکب جرم شود مثلاً دیگری را به این گمان که قصد حمله به او را داشته به قتل برساند. فوبیا می‌تواند منحل روند زندگی روزمره‌ی فرد مبتلا باشد.

پ) نوع سوم ← انحراف (روان‌نزدی) جنسی: انحراف جنسی در چهار شکل نمود دارد:

### ۱) پدوفیلیا (کودک دوستی/بچه‌بازی)

این عارضه‌گرایی به اطفال و کودکان از هر جنس است که ممکن است به شکل (I) یک علاقه ذهنی نمود یابد یا (II) از طریق بازی کردن با اطفال و انجام کارهای مورد علاقه‌ی آن‌ها ظهور یابد یا اینکه (III) به شکل روابط جنسی باشد.

بزهکاری راجع به کودک دوستی طیف قابل توجهی از جرایم را دربرمی‌گیرد. صرف اینکه کودک دوستی جرم است موضوع مطالعه نیست بلکه جرایم دیگری حول این جرم نضج می‌گیرد مثل: قاچاق کودکان، کودک‌ربایی، هرزه‌نگاری

## ۱۴۹۲ مباحثی در علوم جنایی

(Pornography)، تعدادی از طریق رسانه‌های تخصصی و... به این ترتیب پدوفیلیا شبکه‌ای از جرایم همراه خود به دنبال می‌آورد.

پدوفیلیا (pedophilia) با کودک آزاری (child molestation) متفاوت است.

### ۲) سادیسم

سادیسم دو نوع دارد:

(I) کسب لذت جنسی از طریق آزار دادن دیگری.

(II) کسب لذت جنسی از طریق رؤیت آزار دادن فردی توسط دیگری.

سادیسم می‌تواند نسبت به انسان‌ها باشد یا نسبت به حیوانات. سادیک (فردی که خود مرتکب اعمال سادیستی می‌شود یا دیگری را به ارتکاب آن تشویق می‌کند) یک مجرم است.

### ۳) مازوخیسم (مازوخیسم)

مازوخیسم یا آزارخواهی در واقع جست و جوی لذت جنسی از طریق آزار رساندن به خود و تحمل آزار دیدن خود است. طبیعتاً مازوخیست‌ها بیش از آنکه مجرم باشند مجنی‌علیه هستند. چراکه فردی که در جهت ارضای جنسی آنان، آزارشان می‌دهد مجرم است. مازوخیست‌ها بزه‌دیدگان بالقوه هستند و حتی اعمال خشونت بار علیه خویش انجام می‌دهند.

### ۴) نظربازی یا چشم‌چرانی جنسی (Voyeurism) و عورت‌نمایی

Voyeurism یا چشم‌چرانی حالتی است که فرد تماشاگر لذت جنسی دیگران است و دوست دارد آن‌ها را ببیند ولی در حالت عورت‌پنهانی (Exhibitionism) فرد با نمایاندن عورت خود به دیگران ارضا می‌شود که نوعی جرم است. برخی از قضات بعضاً این انحراف جنسی را زنا از راه دور قلمداد کرده‌اند! در حالت اخیر از انحراف جنسی طبعاً انواع خفیف‌تری هستند ولی حق برخلوت فرد را خدشه‌دار می‌کنند و

## جرم‌شناسی ۱۴۹۳

حق خلوت (privacy) افراد را از بین می‌برند. بنابراین هم چشم‌چرانی جنسی و هم عورت‌نمایی جرم تلقی شده است.

ت) نوع چهارم ← جنون سرقت (kleptomania) و جنون ایجاد حریق (pyromania):

ایجاد حریق عمدی یا سرقت از نظر حقوقی جرم است. آتش‌نشان‌های بازنشسته یکی از دسته‌هایی هستند که از مبتلایان به جنون آتش می‌باشند قاضی ایرانی در صورتی که از این عارضه‌های روانی مطلع باشد می‌تواند با اعمال ماده‌ی ۲۲ ق.م.ا. مجازات مرتکبین را تخفیف دهد یا تبدیل کند.

ث) نوع پنجم ← روان‌نژندی اختلالات و سواسی فکری، عقلی و عملی: روان‌رنجوری (یا سواس) فکری یا عملی مثل اینکه فردی که سواس به بردن بازی دارد به خاطر این سواس تقلب کند یا مرتکب جعل شوند. یعنی عادت به این عمل و میل به انجام آن توجیه‌گر اعمال مجرمانه‌ی ایشان است. این افراد که از روی سواس مرتکب جرم می‌شوند توجه نمی‌کنند که اعمال ارتکابیشان جزء جرایم است. در اینجا هم قاضی ایرانی در صورت اطلاع از این عارضه‌ی روانی می‌تواند ماده‌ی ۲۲ ق.م.ا. را اعمال کند.

### بررسی انواع روان‌پریشی و تأثیر آن بر ارتکاب جرم

الف) نوع اول ← اسکیزوفرنی:

ویژگی‌های اسکیزوفرنی عبارتند از:

۱) داشتن اندیشه‌های غیرعقلانی.

۲) داشتن توهمات (شنیدن صدا و...).

۳) اضطراب شدید (anxiety).

۴) هذیان‌گویی.

۵) انفعال.

## ۱۴۹۴ مباحثی در علوم جنایی

۶) افسردگی.

۷) بی‌انگیزگی.

اسکیزوفرنیا معمولاً در جرم‌شناسی مورد توجه نیست. علل این بیماری یا جنبه‌های بیولوژیک (زیست‌شناسی) دارد یا جنبه‌های اجتماعی یعنی یا مربوط به نارسایی‌ای فردی است یا ناشی از رؤیت و مواجهه با وقایع زندگی والزامات خاص حیات فردی.

ب) نوع دوم ← اختلالات (روان‌پریشی) دو قطبی: شیدایی/ افسردگی یا شور و شغف/ افسردگی:

یعنی فرد گاهی سرشار از انرژی و شادی است و گاه بسیار افسرده است. فرد روان‌پریش مبتلا به این عارضه همواره به دو حالت قرار دارد یا حالت افسردگی و یا حالت شیدایی. این دو مرحله در جرم‌شناسی از دو منظر قابل مطالعه است.

در حالت افسردگی فرد از اضطراب و ناامیدی رنج می‌برد و هرگونه علاقه به زندگی را از دست می‌دهد و احساس تقصیر می‌کند و امکان ورود به مرحله‌ی خودکشی را دارد. این حالت ممکن است تا مرحله‌ی خودکشی موسع هم پیش رود. در حالت شیدایی فرد سرشار از انرژی و امیدوار و مطمئن است. در این حالت فرد قابلیت طعمه شدن برای بسیاری از جرایم را دارا می‌شود مثلاً ممکن است طعمه‌ی کلاهبرداری شود.

پ) نوع سوم ← روان‌رنجوری (psychopathy) که ویژگی‌های زیر را دارد:

۱) از تجربه‌ی زندگی برای ادامه‌ی کار استفاده نمی‌کند.

۲) احساس مسئولیت ندارد.

۳) قادر به برقراری رابطه‌ی علیت میان مسائل نیست.

۴) هیچ کنترلی بر امیال خود ندارد.



(۵) حس مسئولیت اخلاقی ندارد.

(۶) رفتار ضد اجتماعی مزمن دارد.

(۷) مجازات برایش عبرت‌آموز نیست.

چنین فردی خود محور است و قضاوتش نسبت به اطرافیان بر محور خودش صورت می‌گیرد. خود را مرکز ثقل جهان می‌داند. چنین افرادی امکان تبدیل شدن به تکرارکنندگان جرم (بزهکاران به عادت) را دارند.

تجربه‌ی مجازات، تهدید به مجازات و... در این افراد تأثیری ندارد. مجرمین مزمن و مجرمین مقاوم در برابر دستگاه قضایی مجرمینی هستند که جز از طریق حبس ابد یا اعمال برخی اعمال جراحی و تغییرات فکری (شست و شوی مغزی) تغییرپذیر نیستند.

این افراد در اقلیت‌اند اما اقلیتی که بیشترین میزان جرایم را مرتکب می‌شوند. تکرار کنندگان جرم (chronic offenders/multi recidivists offenders) روان رنجور (پسیکوپات) هستند.

#### الکلیسم (می‌بارگی = اعتیاد به الکل) و استعمال مواد مخدر

معمولاً در بین این ۲ موضوع ۴ خصیصه مشترک وجود دارد و به اعتبار این خصایص مشترک در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

(۱) اولین خصیصه مواد مخدر و الکل در این است که معمولاً در قوانین و مقررات از نظر استعمال یا تولید یا حالتی که در اثر مصرف این مواد در فرد به وجود می‌آید، آنها ممنوع اعلام شده‌اند. مثلاً تولید و مصرف الکل در کشورهای غیر اسلامی قانوناً ممنوع نیست اما رانندگی در حال مستی جرم است و چنانچه راننده‌ای موضوع تست الکل سنجی قرار گیرد و میزان الکل در خونسش بیش از میزان عادی باشد مرتکب جرم شده و لازم نیست که رانندگی در حال مستی حتماً منجر به تصادف شود.

مواد مخدر در اغلب کشورها چه از نظر کشت و چه تولید و چه مصرف، جرم است. مواد مخدر حتی اگر تفننی مصرف شود باز هم جرم است در حقوق ما استعمال تفننی مواد مخدر از هر نوع که باشد جرم است.

در کنار الکل و مواد مخدر ما مواد روانگردان substances psychotropes داریم که مواد دارویی هستند که تغییرات روانی ایجاد می‌کنند، مثل داروهای آرامبخش. اگر دارو با تجویز دکتر باشد اشکالی ندارد اما اگر بدون تجویز باشد، مصرفشان جرم است، پس اینها (مواد مخدر، الکل و داروهای روانگردان) در این صفت مشترکند که در حقوق کیفری به طریقی جرم هستند.

(۲) خصیصه مشترک دوم این است که همه آنها به طریقی خلق و خوی فرد را تغییر می‌دهند و موانع داخلی جلوگیری از ارتکاب جرم را در فرد زایل می‌کنند. لذا فردی که در اثر مصرف الکل و مواد مخدر یا روانگردان از حالت طبیعی خود خارج شده مسایل را به نوع دیگر می‌بیند و ممنوعیت‌ها برایش تبدیل به اباحه می‌شود. طبیعتاً در اثر مصرف مواد مخدر، فردی که تحت تاثیر این مواد است مسایل بیرونی را خلاف آنچه که هست می‌بیند.

مثلاً کسی که هرویین یا مرفین مصرف می‌کند چون دچار توهم قدرت بیش از حد می‌شود بعضاً ممکن است خود را از بلندی پرتاب کند تا پرواز کند! پس الکل و مواد روانگردان خلق و خوی فرد را تغییر می‌دهد و اثر جرم‌زا دارد.

(۳) خصیصه مشترک سوم این است که مصرف تفننی این مواد می‌تواند دیر یا زود اشخاص را به نوعی از نظر روانی وابسته و گرفتار کند. (این مواد اعتیاد آورند) مصرف آنها ایجاد اعتیاد addiction می‌کند. در شرایط عادی انسان بدون مصرف این مواد می‌تواند به راحتی زندگی کند ولی پس از مصرف تفننی و اعتیاد، بدون این مواد نمی‌تواند زندگی کند.

## جرم‌شناسی ۱۴۹۷

۴) مصرف این مواد علاوه بر جرمزایی، موجب بزه‌دیده‌زایی هم می‌گردد فردی که در حال طبیعی قرار ندارد به راحتی قربانی جرم کلاهبرداری یا... قرار می‌گیرد. این ۴ خصیصه سبب شده حقوق کیفری و جرم‌شناسی اعتیاد را مطالعه کند و در قوانین خود جای دهد.<sup>۱</sup>

البته تولید و مصرف غیرقانونی مواد مخدر در همه کشورهای جهان جرم است. در برخی کشورها مصرف مواد مخدر سبک مثل حشیش و گراس grass را قانونمند کردند. پس در مسایل مواد مخدر و الکل سه راه حل وجود دارد:

۱) راه حل و روشی که کشورهای مثل کشور ما پیش گرفتند و آن ممنوعیت تولید و مصرف الکل از یکسو و مواد مخدر از سوی دیگر و جرم‌انگاری آن، مگر مصارف قانونی مثل (اروپا) است.

۲) روش کشورهایی که مصرف مواد مخدر یا برخی مواد مخدر را جرم‌زدایی کرده و حقوق کیفری در آن مداخله نمی‌کند (مصرف حشیش و... در هلند)

۳) حالت بینابین که راهکار قانونمند سازی است یعنی مصرف الکل یا مواد مخدر تحت شرایطی با رعایت مقرراتی و تحت نظارت دولت برای عده‌ای جرم نیست. به عنوان مثال در کشور خود ما در گذشته معتادان بالای ۶۰ سال حق داشتند که با رجوع به وزارت بهداشت دفترچه اعتیاد و کوپن تریاک بگیرند ولی در مورد سایر افراد مصرف مواد مخدر جرم بود یا در بعضی کشورهای دیگر مثل امارات که کشوری اسلامی است، مصرف الکل ممنوع است اما مصرف آن در هتل، و رستورانها قانونمند است و در آنجا پلیس مداخله نمی‌کند و این یک نوع قانونمندسازی و راه‌حل بینابین است.

## ۱۴۹۸ مباحثی در علوم جنایی

طبیعتاً درخصوص مواد مخدر چند جرم وجود دارد:

کشت و تولید، خرید فروش و نگهداری و مصرف مواد مخدر. پس مواد مخدر زنجیره‌ای از جرایم را تشکیل می‌دهد. اخیراً جرم جدیدی در زمینه مواد مخدر اضافه شود که آن جرم پول شویی (تطهیر) است: قاچاق مواد مخدر ارقام نجومی را فراهم می‌آورد که این پول‌ها علی‌الاصول در کانالهای رسمی وارد می‌شود تا منشأ مجرمانه آن از بین رود. در کشور ما لایحه پولشویی در مجلس تصویب و در شورای نگهبان رد شد.

تطهیر پول به چه معناست؟

تطهیر عبارتست از مخفی کردن، مخدوش کردن و جابجا کردن و تغییر دادن عالمانه منشأ و خاستگاه پولهای نامشروع و عواید حاصل از ارتکاب جرم<sup>۱</sup>.

بدیهی است در کشورهایی که تولید و مصرف الکل آزاد است بحث قاچاق الکل (وارد کردن بدون پرداخت گمرک) مطرح است از سوی دیگر چون استمرار مصرف این مواد حالت درونی و قوه تمیز افراد را مخدوش می‌کند غالباً منجر به ارتکاب جرایم می‌شود؛ مثلاً در خشونت‌های خانوادگی یا خودکشی‌های موسع تحت تاثیر مواد مخدر یا الکل انجام می‌گیرد.

مصرف این مواد، نیاز مالی را پدید می‌آورد و چون اکثر مصرف‌کنندگان، نیازمند پول یا جوان هستند تهیه پول منجر به ارتکاب انواع جرایم می‌شود. طبیعتاً الکل شامل همه افراد جامعه نیست ولی در کشوری مثل ما در هر خانواده‌ای یک نفر گرفتار مواد مخدر است (به خصوص که مواد مخدر شرعاً منع نشده است، برخلاف الکل که منع شرعی دارد) و این که در کشور ما نرخ معتادان بالا است که به خاطر عدم منع صریح

۱- برای اطلاع بیشتر در این خصوص رک: مجموعه مقالات برگزیده همایش بین‌المللی علمی-

کاربرد جنیه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد سوم، انتشارات روزنامه

رسمی، چاپ ۱۳۷۹. شش جلد.

<sup>۱</sup> - در این مورد رک. پول شویی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پول

شویی، شیراز، ۸-۷ خرداد ۱۳۸۲، نشر وفاق، تهران.

## جرم‌شناسی ۱۴۹۹

مصرف تریاک در منابع دینی است که ممنوعیتش به قوت و صراحت الکل نبوده، افراد بدون واهمه از گناه آن را مصرف می‌کنند.

چرا در کشور ما نسبت به کشورهای اروپایی مصرف مواد مخدر بالاتر است:

(۱) مجاورت ایران با کشورهای مثل افغانستان و پاکستان و نبود قدرت مرکزی قوی در افغانستان و عدم امکان کنترل کامل بر مرزها و فقر اقتصادی افغانستان و پاکستان و ثروتمند بودن نسبی ایران سبب می‌شود که ورود مواد به ایران به سهولت صورت گیرد اما در ایراد به این دلیل اخیر می‌توان گفت: اگر قاچاقچی بخواهد، الکل هم می‌تواند وارد کند چون کشور ما در غرب با ترکیه و عراق و در شمال با آذربایجان مجاور است و در این کشورها تولید و ورود الکل آزاد است.

(۲) کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان منبع اصلی معاش و زندگی مردم آنجا را تشکیل می‌دهد و چون ایران چهار راه بین شرق و غرب است فلذا راه عبور بسیار مناسبی در ترانزیت مواد مخدر است پس در معرض این ترانزیت قرار دارد.

در اروپا گراس در خانه هم قابل پرورش دادن است. مصرف الکل و مواد مخدر هر دو از جرایم آپارتمانی است<sup>۱</sup>.

(۳) در کشور ما چون مصرف الکل یک جرم حدی است و مجازاتش غیرقابل عفو است و باید حتماً اجرا شود، لذا ممکن است رقم سیاه آن (نه رقم خاکستری بلکه سیاه) بالا باشد و این جرم کشف و شناسایی نمی‌شود و مصرف الکل آثار بیرونی در چهره افراد ندارد.

(۴) تاثیر تسکین دهنده و آرامبخش مواد مخدر به مراتب بیشتر از الکل است. چه بسا آنها که نیاز روانی و جسمانی خود را با مواد مخدر تامین می‌کنند نتوانند با الکل

## ۱۵۰۰ مباحثی در علوم جنایی

این نیاز را تأمین نمایند پس می‌توان دلیل چهارم را به صورت «آثار تخدیری مواد مخدر» ذکر کرد.

(۵) پیشینه فرهنگی کشور مهم است. مواد مخدر یک ماده محلی و بومی است و وارداتی نیست ولی الکل وارداتی است کشور ما تا سالهای ۴۰ تولیدکننده مواد مخدر بود. البته در ایران هم تولید شراب همواره وجود داشته ولی مشروبات الکلی جدید تولید نمی‌شده پس پیشینه فرهنگی از علل است.

(۶) آلودگی‌های سیاسی. در کشور ما گهگاه دولتمردان و تصمیم‌گیران خود درگیر فساد بوده و مواد مخدر را گسترش می‌دادند و درمورد آن سختگیری نمی‌کردند.

(۷) «برای فرار از مجازات». مصرف الکل به خاطر تظاهرات بیرونی آئین و تاثیری که در رفتار فرد دارد فرد را بیشتر در معرض سوءظن قرار می‌دهد، ولی مصرف مواد مخدر به خصوص تریاک در فرد حالت انفعال ایجاد می‌کند (این امر مربوط به رفتار است اما در چهره، الکی‌ها تفاوتی با دیگران ندارند ولی مواد مخدر در چهره و فیزیک تاثیر می‌گذارد).

(۸) اغماض یا تسامح اجتماعی نسبت به مواد مخدر که گویی در جامعه ما نوعی جبرگرایی fatalism وجود دارد، لذا پلیس یا خانواده‌ها هم با تسامح بیشتری نسبت به معتاد مواد مخدر رفتار می‌کنند.

(۹) استفاده دارویی عرفی از مواد مخدر (مصرف مواد مخدر به افراد قدرت بیشتری می‌دهد).

بنابراین الکل و مواد مخدر برای زندگی بشر ضروری است اما استفاده غیرمجاز از این مواد جرم محسوب شده و جرماً هم هست.

آخرین عامل گذار و درونی «سن» است<sup>۱</sup>.

۱- در این زمینه رک: ستاری (بهزاد)، بررسی میزان گرایش به اعتیاد در سنین بالای ده سال در سال ۱۳۸۱ (دادستان اردبیل) و نیز دکتر محمد سرگلزایی و دیگران، مطالعه فراوانی سوء مصرف مواد

<sup>۱</sup> - جرایم از لحاظ رویت پذیری دو گونه اند؛ ۱- «جرایم خیابانی» که رویت پذیری آنها بالاست مانند نزاع دست جمعی ۲- «جرایم آپارتمانی» که رویت پذیری (شفافیت) پایینی دارند مانند کودک آزاری و همسر آزاری.

## جرم‌شناسی ۱۵۰۱

سن عامل جرمزای گذرا است چون انسان از زمان تولد تا زمان فوت و مرگ، از ادوار مختلف سنی عبور می‌کند و هر دوره سنی اقتضائات و لوازم و طبع خاص خود را دارد سن در حقوق کیفری از جایگاه مهمی برخوردار است.

در حقوق کیفری، سن در بحث مسئولیت کیفری (ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی) مطرح است در حقوق کیفری تابعان این رشته‌ها با توجه به معیار سن تعریف و تعیین می‌شوند (معیار سن است که مجازاتها را مشخص می‌کند، موجب تخفیف آن می‌شود و...) بحث بلوغ شرعی به عنوان سن مسئولیت، موضوعی بسیار بحث‌انگیز است، همین بحث در جرم‌شناسی مطرح است. از منظر جرم‌شناسی، دوره‌های سنی مختلفی داریم و می‌توانیم بگوییم این دوره‌ها به ۵ گروه تقسیم می‌شود.

از تولد تا ۱۲ سالگی

از ۱۲ تا ۱۸ سالگی

از ۱۸ تا ۳۰ سالگی

از ۳۰ تا ۶۰ سالگی

از ۶۰ سالگی به بالا

هریک از این ادوار در جرم‌شناسی ویژگی‌های خود را دارد:

### ۱) دوره زیر ۱۲ سال

در این دوره کمتر اطفال مرتکب تخلف و جرم می‌شوند و اگر هم بشوند رفتار آنها حکایت از انحراف *Deviance* دارند؛ حتی ارتکاب برخی انحرافات و تخلفات در دوره سنی زیر ۱۲ سال حاوی یک پیام و نیاز و توجه خاص است و باید به عنوان علائم وجود آسیب در محیط زندگی طفل تحلیل شود چون هنوز حسن و قبح در

## ۱۵۰۲ مباحثی در علوم جنایی

وجود طفل مستقر نشده فلذا این دوره را مشمول مسئولیت کیفری نمی‌دانند و پاسخ به جرایم در این دوره پاسخ پرورشی است.

### ۲) دوره ۱۲ تا ۱۸ (دوره برنایی، نوجوانی)

مصادف است با پیش‌بینی نوعی مسئولیت کیفری نقصان یافته و خفیف. معمولاً در چنین سنینی قانونگذار ضمن پیش‌بینی «مسئولیت»، مجازاتهای معمول در مورد بزرگسالان را در مورد اینها اعمال نمی‌کند.

مثلاً اگر مجازات جرمی اعدام است در مورد اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال فقط حبس است.

در این دوره، چون مصادف با استقرار نسبی تمیز در اطفال است، ارتکاب جرم معنادار است و باید به دنبال عامل ارتکاب جرم باشیم. زیرا مطالعات نشان داده که چنانچه اطفال زودتر از سنین متعارف مرتکب خلاف و جرم شوند و رفتارهای منحرفانه از خود نشان دهند و دستگاه قضایی، خانواده‌ها و پلیس نسبت به جرایم این افراد به مجازات سستی و برخورد متعارف با اینها روی آورند و به دنبال حل معضل این افراد نباشد؛ این قبیل اطفال و نوجوانان تبدیل به بزهکاران مکرر و مزمن می‌شوند (مجرمین بزهکار و مزمن، طفولیت مجرمانه زودرس داشتند). طبیعتاً تا سن ۱۸ سال معمولاً آیین‌دادرسی این عده متفاوت است و قضات دادگاه اطفال (شعب ویژه دادگاه اطفال) دارای خصایص متفاوت هستند و محل نگهداری و حبس اینها هم متفاوت است.

### ۳) دوره از ۱۸ تا ۳۰ سالگی

معمولاً به افراد این دوره جوانان بزرگسال گویند «*young adult*». معمولاً این دوره سنی همراه است با ارتکاب بیشترین رقم جرم و جرایمی که نیاز به قدرت بازو و کلسیم دارد از قبیل: سرقت با ضرب و جرح، قتل و... در این دوره قوه تشخیص و

---

مخدر و ارتباط آن با وضعیت فردی و خانوادگی دانشجویان پزشکی مشهد، فصلنامه رفاه

اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.

## جرم‌شناسی ۱۵۰۳

تمیز مستقر است و مسئولیت کیفری کامل وجود دارد و به لحاظ قدرت جسمی بالا مرتکب این نوع جرایم می‌شوند و جرایم همراه با حيله کمتر رخ می‌دهد.

### ۴) دوره ۳۰ تا ۶۰

به خصوص دوره ۳۰ تا ۴۰ سالگی دوره پختگی مجرمان است و عقلانیت مجرمانه کامل می‌شود. در این دوره مجرمین محاسبه‌گر شده و مایلند با پرداخت کمترین هزینه کیفری، بیشترین سود را به دست آورند. در این سنین ما شاهد جرایم آپارتمانی و جرایم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و بزهکاری حرفه‌ای می‌شویم و افراد این دوره ریسک نمی‌کنند. در واقع نوعی عقلانیت جنایی در افراد وجود دارد. مجرمین بیشتر از فسفر مغز (هوش) و روابط اجتماعی استفاده می‌کنند. در این دوره با رقم قابل توجه بزهکاران یقه‌سفید رو به رو هستیم (آنها به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، یا مذهبی، دارای جایگاه بالایی هستند) که آنها را از مظنونیت خارج می‌کند.

### ۵) سنین ۶۰ به بالا

که دوران بازنشستگی جنایی و روی آوردن به ارتکاب جرایمی است که نیاز به تلاش و محاسبه و هزینه جسمانی ندارد و خلاصه می‌شود به جرایم بسیار سبک مثل سرقت‌های بسیار ساده یا معاونت در جرم یا منحرف بودن در مصرف مواد مخدر و....

اما در سنین ۶۰ به بالا آنچه بیشتر قابل توجه است بزه‌دیدگی است.

همان‌طور که طفولیت، اطفال را بیشتر از بقیه در معرض بزه‌دیدگی و سوءاستفاده ابزاری قرار می‌دهد دوره سنی که از آن به عنوان دوره کهنسالی یاد می‌کنیم هم همراه با بزه‌دیدگی است. این افراد بیشتر به عنوان سیل مورد نظر هستند. پس در این ۵ دوره، ۲ دوره ابتدا و انتها (اطفال و کهنسالان) هم در معرض بزهکاری و هم در معرض بزه‌دیدگی هستند.

## ۱۵۰۴ مباحثی در علوم جنایی

Child abuse (سوء استفاده از طفل برای حمل و فروش مواد مخدر، تکدی‌گری و ...) مصداق بارز این مساله است.

در قوانین جزایی ماده ۷۱۳ سوءاستفاده از طفل برای تکدی‌گری را منع کرده یا ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ تشویق دانش‌آموزان به مصرف یا به کارگیری آنها در قاچاق مواد مخدر را جرم دانسته است.

در خصوص بزرگسالان (پیرمرد و پیرزن) ماده‌ای نداریم که اگر از آنها در جرم، سوءاستفاده شود چه پیش می‌آید اما برای جلوگیری از این کار؛ تمهیداتی وجود دارد. مثلاً:

۱) برای پرداخت حقوق آنها کارت اعتباری استفاده می‌شود تا هر بار فقط به میزانی که لازم است پول بردارند.

۲) نصب دستبند یا گردنبند الکترونیکی روی سینه یا دست افراد کهنسالی که تنها زندگی می‌کنند تا اگر مورد سرقت قرار گرفتند کمک بخواهند.

۳) جمع‌آوری سالمندان در خانه‌های مخصوص و نظارت ویژه بر آنها.

۴) پیش‌بینی مکانهای خاص برای عبور سالمندان و کهنسالان.

۵) پیش‌بینی صندلی‌های خاص در مترو و اتوبوس برای سالمندان.

این بحث راجع به عوامل فردی، اکتسابی و انتقالی بود. سن عامل انتقالی است چون ادوار مختلف سنی نیازهای متفاوت و دوره‌های متفاوتی را در افراد ایجاد می‌کند<sup>۱</sup>.

۱. به لحاظ ضیق وقت، فرصت ارائه عوامل محیطی و بزهکاری فراهم نگردید. پایان، ۹ خرداد ۱۳۸۳ خورشیدی. به همین منظور منابع زیر برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌گردد:

۱. جامعه‌شناسی کجروی، علی سلیمی و محمد داوری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰؛  
۲. جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳؛  
۳. جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۰؛

- 
۴. نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، نشر میزان، ۱۳۸۳؛
  ۵. شناخت جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق، نشر دادگستر، ۱۳۸۳.
  ۶. مبانی جرم‌شناسی، کی‌نیا، مهدی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، آخرین چاپ.
  ۷. جرم‌شناسی، ژرژ پیک، ترجمه ع.ح. نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
  ۸. زمینه جرم‌شناسی، رضا نوربها، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
  ۹. دانشنامه جرم‌شناسی، هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
  ۱۰. مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تاج‌زمان دانش، انتشارات موسسه کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
  ۱۱. درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق بطحایی اصل، نشر دادگستر، ۱۳۸۲.
  ۱۲. جرم‌شناسی، علی‌نجفی‌توانا، انتشارات خیام، ۱۳۷۷.
  ۱۳. روانشناسی و جرم، ترجمه علی‌نجفی‌توانا، نشر میزان، ۱۳۸۲.
  ۱۴. بزه دیده و بزه دیده‌شناسی، ترجمه علیوند و محمدی، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.